



ماهنامه مسجد/ ماهنامه فرهنگی، آموزشی و تربیتی دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد/ شماره ۱۶۹ / بهمن ماه ۱۳۹۲ / صاحب امتیاز: مرکز رسیدگی به امور مساجد • مدیر مسئول: حمید مشهدی آقائی • دبیر تحریریه: حسن علی آبادی / **دیران سرویس** • سرویس منبر: یاسر شریعتی • سرویس رواق: سیدعلی آقائی • سرویس محراب: علی باثنی • سرویس شبستان: مهدی اخلاقی • گروه مولفین: صمد نظری، احمد موحدی، هادی الیاسی، محسن مروچی، سیدمهر فرغی، سیدمحمدحسن باقی زاده، محمدحسن جاویدی، محمدادهمی، محسن گلپایگانی، رضا کاظمی راد، سید مرتضی موسوی، مرتضی اسدی، غزل سادات حسینی، ابراهیم خوی، علی سعیدی، سید محمد طاهای موسوی، علی صادقی سرشت • **طراحی و گرافیک:** کارگاه طراحی و گرافیک کمان • **اینفوگرافی:** حسین علی آبادی • **ویراستار:** محمدباقر حقانی فضل • **شمارگان:** ۳۰۰۰



## منبر



خالی کردن میدان مجازی.../ ۴ • کمک افزایش تبلیغی / ۶ • تبلیغ و ابزارهای مدرن / ۸ • نمونه قیش / ۱۰ • نیلوفرانه / ۱۵ • سوزوهای منبر / ۱۶ • غبارروبی از چهره یک قهرمان / ۱۷ • در پنهان تهران / ۱۹ • حکایت بر مزاج مستمع گوی / ۲۱

## رواق



آیا میدانید؟ / ۲۴ • بهائیت ملغمه ای از تناقضات گوناگون / ۲۵ • نمایشی لطیف از اندیشه ای سیخ / ۲۸ • تارهای عنکبوت / ۲۹ • انحراف بدست از اسلام / ۳۰ • افتخار این کشف برای باب و پیروانش / ۳۱ • قلب بهائیت در بدن اسرائیل / ۳۲ • مرد شماره یک مبارزه با بهائیت / ۳۳ • اصول دوازده گانه بهائیت... / ۳۴ • شوالیه تاریکی / ۳۵ • امامت در روایات / ۳۶ • کتابخانه مسجد / ۳۶

## محراب



صفای قدمتون... / ۲۸ • حقوق مساوی / ۴۲ • مسجد رسانه اجتماعی / ۴۲ • الگویی برای اجتماع / ۴۳ • زمانی برای عاشقی / ۴۴ • اهمیت و نقش مشاوره مسجدی... / ۴۴ • ممنوعیت حضور / ۴۴ • بایسته های معماری / ۴۶ • مجمع مسجد / ۴۶ • مسجد دستگیر است / ۴۸ • رفاقت زیر گنبد فیروزه ای / ۵۰ • مسجد امر و ناهی / ۵۱ • کتابخانه مسجد / ۵۲

## شبستان



هر کسی از ظن خود... / ۵۴ • خود غلط بود آنچه... / ۵۷ • تاثیر درس ولایت فقیه در روند انقلاب اسلامی / ۵۸ • خواص خوب خواص بد / ۶۰ • قرمزی که سه سفید خوانده شد / ۶۲ • واما کسانی که هجرت کردند / ۶۴ • قانون با طمع اخلاقی / ۶۶ • عارف شاعر / ۶۸ • دفتر شعر / ۶۹ • از مس نظر تا طلای عمل (۲) / ۷۰ • کتابخانه مسجد / ۷۱

- ♦ آثار مندرج در نشریه بیانگر نظرات نویسندگان است نقل و اقتباس از مطالب نشریه فقط با ذکر ماخذ مجاز است
- ♦ مطالب خود را ترجیحاً تایپ شده به رایانامه ی نشریه به سال کنید.
- ♦ مطالب ارسال شده به تحریریه... ♦ بازگردانده نمی شود
- ♦ باتشکر از تمام عزیزانی که ما را در تهیه... باری رسانند.

آدرس: قهه، بلوار شهید صدوقی، ۳۰ متری حضرت ابوالفضل (ع)، پلاک ۱۰۳  
دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد  
تلفن: ۰۲۵۲۲۹۳۳۸۳۵ - ۰۲۵۲۲۹۳۳۸۳۷ • نمایر: ۰۲۵۲۲۹۳۳۸۳۷ • سامانه پیام کوتاه: ۰۲۵۲۲۹۳۳۸۳۵ - ۳۰۰۰  
نشانی اینترنتی: <http://www.masjed.ir> • پست الکترونیک: [m.masjed@masjed.ir](mailto:m.masjed@masjed.ir)



### فن آوری از حوزه علمیه دستور نمی گیرد

فن آوری از حوزه علمیه دستور نمی گیرد. دستور که نمی گیرد هیچ، خودش راهم به حوزه تحمیل می کند. نه فقط به حوزه که همه انسان ها در همه جا، همین فن آوری است که جهان را به دهکده تبدیل کرده تا همه از یک مارک تلفن همراه یا تلویزیون یا لوازم آسپز خانه داشته باشند و اگر درباره هر کدام بخواهند باندند کافی است به سراغ یکی از موتورهای جستجوگر اینترنت بروند تا جیک و پیوگ آن را برایشان رو کنند.

فن آوری از حوزه علمیه دستور نمی گیرد. به سرعت نور هم پیش می رود. می گویند از هر ما موسیقی میخوانی باشی یا شنبه برای اینکه بتوانی حرف بزنی و دیده شوی یا من همراه شوگر نه عقب مانده ای، ما حوزویان می خواهیم حرف بزیم و دیده شویم و تبلیغ کنیم. پس درنگ جایز نیست و چاره ای جز همراهی نمی ماند. محتوای تبلیغی ما غنی است، فقط نیازمند ابزارهای مناسب انتقال هستیم و فن آوری روز، ابزارهای فوق العاده ای را در اختیار ما قرار داده است. به صراحت می توان گفت که بیگانگان با فن آوری روز بی سوادند و میغلان خوبی نیستند.

مدرنیت و فن آوری شیفته چشم و ابروی مانده. در غرب به دنیا آمده و ویژگی های خلاقش را به ارث برده است و اغراض خودش را دارد. مفید است ولی عوارضی دارد. پرسش اینجاست حال که تاگزیر به استفاده از آنهایم، آیا می توان عوارض آن را خنثی یا کم اثر کرد؟ می توان تکنولوژی را بومی کرد؟ شاید پاسخ بیهودان دیگر کار حوزه نیست، یعنی تخصصی و فنی است که باید به اهلس سپرد. ولی اهل فن و تخصص هم می گویند ما برای بومی کردن فن آوری، نیازمند مشاوره یا کارشناسان دینی و اهکارهای عملیاتی هستیم اینجاست که لازم تربیت نیروهایی که هم اسلام شناس باشند هم با تکنولوژی پیشرفته دنیا می توان گفت که بیگانگان با فن آوری روز بی سوادند و میغلان خوبی نیستند.

هیچ کس منکر بركات منبر و خطابه نیست ولی این روایت از رئیس مذهب جعفری یادمان نرود که «العالَم بزمانه لا تهجم علیه اللولیس». امروز شبکه های اجتماعی و لایکشن های چی تلخن های همه فضای آماده ای برای تبلیغ را فراهم آورده است. کاش حوزویان پس از شناخت کامل و در نظر گرفتن عوارض احتمالی از این ابزارها برای نشر و ترویج معارف اهل بیت (علیهم السلام) استفاده کنند و دانش دانش خود را در اختیار دیگر میغلان بگذارند.

پی نوشت:

۱. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۲۴.

## سازمان مؤمن نهاد!!

بسیار کلیشه ای و تکراری است اینکه گفته شود: انسان یک موجود اجتماعی است. بر این اساس دین علاوه بر بعد فردی، نهادی اجتماعی بوده و هست. در برهه های از تاریخ، تفکر ضدحاکمیت کلیسا که دارای نفوذ نسبی شد تصور می کرد که به پایان رسیده است. متأثر از این دوره، برخی روشنفکران شدیدین که اهانت های فراوانی به این نهاد اجتماعی الهی کرده بودند، تلاش و جهد فراوانی برای حذف رفتارها و حتی گزاره های دینی کردند. غافل از اینکه هر چقدر توان علمی و فکری انسان رشد نماید نیاز او به دین حقیقی افزون تر خواهد شد. حقیقت مسئله این است که اگر بتوان جامعه انسانی را بدون قانون تصور کرد می توان نهاد دین را هم از زندگی اجتماعی گرفت، این نکته هرگز عملی نیست؛ چنان که جامعه مدرن امریکایی در بعضی موضوعات حساس سیاسی - اجتماعی تنها متحرک جامعه پیشرفته خود را نهاد دین می دانند؛ از جمله اینکه یکی از شرایط ریاست جمهوری در این کشور مسیحی بودن است، بر خلاف نگاه بیسار تفکر شدیدینی، نهاد فوق العاده تأثیر گذار در طول تاریخ و حتی بعد از رئساست تا کنون یکی از کلیدی ترین و محوری ترین نهادهای اجتماعی در حل بحران ها و مشکلات جامعه انسانی بوده و هست.

با این همه در طول تاریخ و حتی در عصر جدید اماکن مقدس که مبتنی بر تفکر قرآن کریم، «نون جمله دشمنان دین بوده و هستند» «وَلَا تَقُولُوا لِلَّذِينَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْفَتُهُمْ وَلَهُمُ الْآلَاءُ بَلْ هُمْ كَافِرُونَ» و «این مساجد است که فرمودند: «این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد. این مراکز حساسی است که کمالات باید بر آن توجّه داشته باشند. این طور نباشند که خیال کنیم حالا دیگر ما پیروز شدیم دیگر مسجد می خواهیم چه کنیم؟ پیروزی ما برای ادله مسجد است»<sup>۱</sup>.

در طول هفت سال دفاع مقدس نیز مساجد مکانی استراتژیک «چگونگی جذب و اعزام مردم مؤمنی بودند که جان خود را بسپاری حفظ دین بر کف نهاده، به سوی چپه های حق علیه باطل اعزام می شدند.

متأسفانه پس از پایان جنگ این یگانه به عنوان یک ایگور - مردمی کم کم روبرو به انزوا نهاد. تعاملات مسجدی های خود را به تعاملات فرهنگ غربی حیطه حکومت مسجد است. که این همان سنت رسول مکرّم اسلام است. در ایجاد شمی جامعه مسجدی است.

پی نوشت:

۱. حج، ۲، ص ۴۰.  
۲. منجیه العالی، ج ۱۲، ص ۱۶.



سرمقاله



امام جماعت مسجد جامع ازهر آنرا:

## خالی کردن میدان تبلیغ مجازی کمک به اهداف استکباری است

به کوشش سید محمد مهدی ملاحی

اشاره:

هدف از فراگیری دروس حوزوی و جزئی جز از شهادت و هدایت مردم به حقائق الهی نیست و تبلیغ و وظیفه اصلی تمام انبیا و اولیا الهی بوده و هست. تبلیغ در هر عصری شسرا بط و ضوابط و پره خود را می طلبد، هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد. امروزه تبلیغ در غوغای تبلیغات و هياهو و رسانه‌ها، امری حیاتی و خطیر است و برای ترویج معارف الهی است. باید از ابزارهای مناسب و کار آمد بهره برد. درباره نقش ابزارهای تبلیغی و میزان تاثیر آنها از حجت الاسلام و المسلمین سید محمد مقدس نیا، امام جماعت مسجد جامع ازهر، استفتای کردیم.

ده سال است که امامت جماعت این مسجد را عهده دار است و پیش از این به مدت سی سال به عنوان نماینده ولی فقیه و مسئول امور فرهنگی و آموزشی و پژوهشی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مشغولیت داشت. حجت الاسلام و المسلمین مقدس نیا پس از اتمام دروس سطوح در مساجد مقدس، به قیامت و ده سال در عطف دروس خارج تحصیل کرد. اکنون شش سال است که در دروس خارج مقام معظّم رهبری حاضر می شود.



### تعلیق مؤثر تبلیغی فرما باید.

ما با یابی نسلی هستیم که همه ابزارهای تبلیغی شان در منبر خلاصه می شود. فته رفته به برکت پیروزی انقلاب اسلامی رادیو و تلویزیون به خانه ها راه پیدا کرد و کار به جایی رسید که ما در کشور خودمان ۲۱ کانال تلویزیونی داریم. ابزار رسانه ها از لحاظ کمی،

ما تلفیقی از ابزارهای قدیم و جدید را داریم یعنی ما همان تروسوس و دهنه گویو جمعیت اشتراک از آن دست نداده ایم و هفته ای پنج شب برنامه تفسیر قرآن و احکام داریم. پولی در اختیار فارسی زبان ها قرار می دهیم. از نظر که ما یک سبک معرفی بارشتر می دهیم و منتقل می کنیم و اوقات فراغتی که جوان ها ما را تطارد دارند را با یک سری مطالب جذاب و جالب برای می کنیم، این کار خیلی مؤثر و خوب بوده است. نتیجه این فرایند این می شود که جوان دیگر وقت رفتن به سایت های مخرب را پیدا نمی کنند و در این خلال با منوعی و اطلاعات علمی شان زیاد می شود. این امتیاز ارزشمند را دشمن فراموش کرده است و ولی ما در این از آن استفاده حسن و بیجا می کنیم و آینده روشنی را هم من برای آن می بینیم. می توانیم چند صد نفر را احیاء کنیم. اگر ما تلفیقی از ابزارهای قدیم و جدید را داریم یعنی ما همان تروسوس و دهنه گویو جمعیت اشتراک از آن دست نداده ایم و هفته ای پنج شب برنامه تفسیر قرآن و احکام داریم. پولی در اختیار فارسی زبان ها قرار می دهیم. از نظر که ما یک سبک معرفی بارشتر می دهیم و منتقل می کنیم و اوقات فراغتی که جوان ها ما را تطارد دارند را با یک سری مطالب جذاب و جالب برای می کنیم، این کار خیلی مؤثر و خوب بوده است. نتیجه این فرایند این می شود که جوان دیگر وقت رفتن به سایت های مخرب را پیدا نمی کنند و در این خلال با منوعی و اطلاعات علمی شان زیاد می شود. این امتیاز ارزشمند را دشمن فراموش کرده است و ولی ما در این از آن استفاده حسن و بیجا می کنیم و آینده روشنی را هم من برای آن می بینیم. می توانیم چند صد نفر را احیاء کنیم. اگر

ما از شبکه های اجتماعی یا فکر ذهن مردم استفاده کرد و هم می شود به وسیله این ابزارها معارف دینی را ترویج کرد. امروز نهادها و چهراهی فرهنگی باید با این ابزارها آشنا شوند و وارد میدان شوند.

شما با این تجربه از کار تبلیغی و دینی و خودم یک گروه تشکیل داده ام. با شد؟



افرادى دانشمندتر و دارای توانمندی های بیشتر در این میدان قرار گیرند خیلی بهتر می توانند مؤثر باشند.

**لطفاً درباره تقصاط ضعف و قوت بهره گیری از این ابزار تبلیغی مطالبی بفرما بید.**

هر کسی می تواند هر مطلبی را به اشتراک بگذارد و کافی است که عضو گروه ما باشد. اگر مطلب نامناسبی را به اشتراک گذاشت می توانیم ایشان را حذف کنیم. ولی اگر مطلبی را نمی توان حذف کرد، از طرفی افرادی مطالبی را که بریننه علمی چندان ندارند مطرح می کنند، البته این مطلب محل بحث و چالش واقع می شود و ما مسئول جواب می دهیم که از این لحاظ خوب است.

**با در بربریداری از این ابزار توجهی به رده سنی و جنسیت هم می کنید؟**

روادست و سبکی نمی شود این کار کرد. عنوان این است که این دستمانندى لازم هنوز فراموش نیست و این ابزار در اختیار همه نیست. ده سال پیش فکر نمی کردیم با این سرعت بشود از این موبایل برای فرستادن یک فیلم، یک جستجويی یا یکس یا چند صفحه مطلب می توانیم قابل توجه صد نفری استفاده کرد موبایل های خودشان دست مردم هنوز

زیاد نشده است؛ لذا جست و گریخته افرادی با ما در ارتباط هستند ولی هنوز نمی توانم اینها را به سرعت پیام و دستمانندی کنیم به گروه های دانش آموزی، دانشجویی، بانوان و... لذا مطالبی هم که برای آنان می فرستیم جنبه کشکولی دارد.

**از چه ابزارهایی غیر از موبایل استفاده می کنید؟ سئید هاید که موبایل پرزگور هم در مسجد دارد.**

بله از ویدئو پرزگور بیشتر برای تفسیر قرآن استفاده می کنیم. دقیقاً آن صفحه های که دارد تفسیر می شود را نمایش می دهیم و مستمع همین طور، که نشسته و یا ایستاد می می خورد و صفحه جلوی چشمش نگاه می کند و مطالبی که می شود را آن تطبیق می کند.

دعاها را مثل جوشن کبیر در شب های فرزند می بندد یا ویدئو پرزگور می گذاریم و خیلی هم فرستاد و روز به روز هم دارد کیفیت بیشتری پیدا می کند. ما برنامه مسابقه حفظ حدیث در مسلمانان یعنی در ارتباط هستیم؛ در عراق و سوریه و افغانستان همین طوره این شکل انسان ها مثل حلقه های زنجیر به هم مرتبط هستند. من وقتی مطالب مفیدی را به گروهی می فرستیم که کند از آنان به یک جمعیت دیگری از آن می دهند و به همین ترتیب یک مطلب در افرا زبانی منتشر می شود.

**بفرستید چه سایت هم دارد؟**

بله در آن راه ما همان ویدئو پرزگور مان

از آن کردیم. منتهای همه مردم هنوز از اینترنت استفاده نمی کنند. بسج برادران و خواهران، فعالیت های خود را در سایت به نمایش می گذارند.

**شما تبلیغ سنتی را مؤثر تر می یابید یا تبلیغ به سبب و سبب نوین؟**

من هیچ کدام را نمی نمی کنم؛ همماش لازم است. به هر حال منبر آن اصالت خودش را دارد و تاثیر گذاری مثبت را هیچ وقت تا به حال از دست نداده است. اگر ما خودمان را تجهیز کنیم و مطلب جدیدی داشته باشیم و مردم ببینند ما زحمت می کنیم، پای منبر ما می آید. همچنین در تبلیغ سنتی مان عده ای به طور منظم در جلسات تفسیر شرکت می کنند و واقعا هر چند روشند و ناس عجیبی با قرآن گرفتند که این از برکات همان تبلیغ سنتی است. البته باید از ابزارهای جدید هم حداکثر استفاده را کنیم و هیچ کدام را طرد نکنیم؛ چون اگر این میدان را خالی بگذاریم و مطلب ندهیم، خودش کمکی هست به اشتراک و اهداف آن.

**استفاد سخن بابانی تان را درباره شیوه ها و ابزارهای نوین تبلیغ بفرما بید.**

ابزارهای جدید روز به روز از ما رسانی. من در حرف اصلی ما این است که هر کس از ابزارها استفاده می کند، در مرحله بعد خودمان را مچیز کنیم به مطالب مفید و متن و صحیح آنها را در اختیار افراد قرار دهیم. من با یک فرد از من در حج آشنا شده و اکنون از طریق پاشان با حلقه ای از مسلمانان یعنی در ارتباط هستیم؛ در عراق و سوریه و افغانستان همین طوره این شکل انسان ها مثل حلقه های زنجیر به هم مرتبط هستند. من وقتی مطالب مفیدی را به گروهی می فرستیم که کند از آنان به یک جمعیت دیگری از آن می دهند و به همین ترتیب یک مطلب در افرا زبانی منتشر می شود.

# کمک افزارها

صمد نظری (استاد مرکز تخصصی تبلیغ)

# ای تبلیغی

با توجه به اینکه امروزه استیکار جهانی برای رسیدن به اهداف شوم خود از همه ابزارها و ظرفیت‌های موجود برای جلب و جذب مخاطب استفاده می‌کنند در این زمانه هیچ تلاشی صرف نظر نمی‌کنند، ضرورت دارد که مبلغان دینی در انتقال مطالب دینی، هم ابزارهای متنوع تبلیغاتی را بشناسند و هم طریقه استفاده از آنها را در تبلیغ یادند تا در انتقال مفاهیم دینی موفق و به‌روز باشند.

مقام مظهری هر می‌فرماید: «امروز وظایف حوزه‌های علمیه با گذشته تفاوت‌های زیادی کرده است، حوزه علمیه فقط برای اقامه جماعت نیست، منبر رفتن به صورت سنتی هم که محتوای عالی و پر مغزی نداشته باشد، کافی نیست. امروز شما ببینید وسایل تبلیغ در دنیا چقدر متنوع شده؛ این طرف دنیا یک نفر جوان پای یک دستگاه کوچک می‌نشیند و افکار، تصورات، تبلیغات، پیشنهادهای فکری و پیشنهادهای عملی را از سوی هر کسی، بلکه هر ناسی از آن طرف دنیا دریافت می‌کند. امروز تلویزیون و ماهواره و وسایل ارتباطی بسیار متنوع وجود دارد و حرفه آسان به همه جای دنیا می‌رسد. میدان افکار مردم و مؤمنین، عرصه کارزار تفکرات گوناگون است. امروز ما در یک میدان جنگ و کارزار حقیقی فکری قرار داریم. این کارزار فکری به هیچ وجه به زبان مانیست‌ها

سود ماست، کار وارد این میدان بشویم و آنچه را که نیاز ماست از مهمات تفکر اسلامی و انبیا‌های معارف الهی و اسلامی-بیرون نکشیم و صرف کنیم، قلم‌ها در ماست، لیکن مسئله این است که ما باید این کار را کنیم» (سخن‌ها، مقام مظهری هر، مدخله عالی در جمع طلاب کرمان، ۱۳۷۴/۲/۱).

## انواع ابزار و وسایل در تبلیغ

الف) بعضی وسایل و ابزارها به جهت ارتباط گیری با مخاطبین مورد استفاده قرار می‌گیرد. برخی ابزارها کمک آموزشی هستند و برای تفهیم بهتر مطالب و جلا اندازی مفاهیم دینی کارایی زیادی دارند. ج) برخی از ابزارها برای تنوع بخشی در کلاس‌ها و یاد ابزارهای مختلف استفاده می‌شوند. د) بعضی دیگری از ابزارها به جهت جذاب نمودن ادراکها و با محتوای مفاهیم دینی به کار می‌روند. وسایل و ابزارها را ارتباطی می‌گویند؛ یکی از مشکلات مبلغین این است که نمی‌توانند با افراد مختلف ارتباطی برانند؛ پیشنهاد می‌شود برای حل این مشکل از وسایل و ابزارهای زیر استفاده نمایند.



## بازی‌های فکری

بعضی از لوازم و بازی‌های فکری برای ایجاد ارتباط با مخاطبین مختلف بسیار کارایی دارند. **مزایای فواید:** ۱. با کمترین هزینه قابل دسترسی است؛ ۲. کوچک و حمل و نقل آن آسان است؛ ۳. قابلیت اجرا در بیشتر مکان‌ها و فضاهای مختلف را دارد؛ ۴. متناسب با اکثر گروه‌های سنی است؛ ۵. باعث تقویت فکر و اندیشه می‌شود. **شرایط:** ۱. زود یاددهنده؛ یعنی بتوان آن خیلی سریع

در عرض چند ثانیه برای مخاطب اجرا کرد. ۲. راحت باشند؛ یعنی مخاطب احساس کند که خودش می‌تواند آن را اجرا کند. ۳. جذاب باشند؛ یعنی در مرحله اول انگیزه‌ی اجرای آن را پیدا کند. نمونه‌ها:

۳. سپس یکی از بازی‌ها را به فرد مورد نظر تحویل داد. ۴. از او بخواهید استفاده از قدرت فکر این شکل درست کند یا این دو حلقه را از هم باز کند. ۵. ابتدا راهنمایی نکنید و بازی را هم انجام ندهید. ۶. بعد از مدتی پرسید که آیا امکان دارد درست شود یا خیر؟ ۷. در هر صورتی که جواب داد چه مثبت و چه منفی، یک بار بازی را خود شما به صورت خیلی سریع انجام دهید. ۸. دوباره تقاضا می‌کنند که این بار می‌توانیم و باز هم معمولاً نمی‌توانند... ۹. حال فرصت خوبی است تا بتوانید با هم به گفت‌وگو بپردازید چه بهتر که خیلی ماهرانه وارد مباحث دینی نشوید. ب) در کلاس یا سالن نمایشی برای ارتباط گیری با ایجاد تنوع و جذابیت (نامه)

۱. دو نفر از بچه‌ها را به جایگاه دعوت کنید ۲. از یک نمونه بازی، لوله و بندی را به نفر اولی و بعدی را به نفر دوم تحویل دهید (مثل شکل رویه‌رو)

۲. برای ایجاد قالب‌های سالم و تقویت تعیین کنید. ۴. ابتدا آنها را راهنمایی نکنید. ۵. زمانی که احساس کردید دارند تا امید می‌شوند و هیجان‌ها فروکش می‌کند، یک راهنمایی کوچکی داشته باشید. اگر راهنمایی‌ها به صورت فوعلی باشد بهتر است. ۶. بعد از یک یا دو دقیقه از بچه‌ها بخواهیم که با هم با صدای بلند شمارش معکوس از ۱۰ تا ۱ را اجرا نمایند.

۷. در آخر یک بازی را سریع انجام دهید و از آنها بخواهید که یک لحظه بیینتد تا امید پیدا کنند و سپس به سرعت آن بازی را هم به‌زودیند.

## نمنا و جستان

**مزایا و فواید:** ۱. اصلاح هزینه ندارد؛ ۲. می‌توان همیشه به همراه داشت؛ ۳. قابلیت اجرا در بیشتر مکان‌ها و فضاهای مختلف را دارد؛ ۴. برای اکثر گروه‌های سنی قابل اجرا است؛ ۵. باعث تقویت فکر و اندیشه می‌شود؛ ۶. در معماهای هوش و ریاضی نگارش مخاطب نسبت به میل خیلی بهتر می‌شود. **شرایط:** ۱. متناسب با سن و جنس مخاطب انتخاب شود. ۲. به ظاهر راحت باشند؛ یعنی مخاطب احساس کند که خیلی زود می‌تواند جواب دهد. ۳. جذاب باشند؛ یعنی مخاطب از آن خوشش آید و انگیزه‌ی جواب دادن داشته باشد. ۴. چند جواب قابل سوس داشته باشد. ۵. طوری مطرح شود که مخاطب به راحتی نتواند جواب دهد. ۶. اگر احساس شده مخاطب قبلاً این معما را می‌شناسد، می‌تواند سریع معما را دیگری مطرح شود. نمونه‌ها: ۱. قرآنی: مشاعره با سوره‌ها، آیات، کلمات متضاد، اعداد، میوه‌ها، خوراکی‌ها، حیوانات. ۲. احکام ۳. شایسته‌ها ۴. شمری ۵. هوشی ۶. عریاضی و اعداد ۷. تفاوت‌ها و فرق‌ها

۲۰۱۴





# تبلیغ و ابزارهای مدرن فرصت‌ها و تهدیدها

سیدعلی آقایی (مطالعه علمی-حوزه)

## منصفه وارد مسجد که

نشود این جمله زیاد به چشم می‌خورد؛ «هلقه موبایل خود را خاموش کنید» یا زیاد پیش آمده که منبری‌ها یا پیرمردهای مسجدی می‌گویند: «توی اون موبایلان چی دارین که همش سرتون تو موبایله؟» یا «حالا تو مسجد چند دقیقه با اون مینور اشاره به موبایل یا تبلت!!! بازی نکنی می‌میری؟»

متدینان از ابزارهای مدرن که واقعا درک جامعه چندر است که از وجود آن‌ها تا این اندازه وحشت‌زده شده، نام‌های خود را پاک کردن صورت مسئله گذاشته است؟

ابزارهای رسانه‌ای عصر حاضر، نتیجه تلاش‌های علمی بشر بوده است؛ بنابراین باید از این دست‌آورد مطلوب بشری، با اتخاذ مواضع مثبت و ایجاد پی‌گیری‌ها

حاکم‌گری در راستای تبلیغ و تأیید دین بردارد. خودگردان است که پیام دین همانا تا گشت به فطرت پاک آدمی است و این فطرت هیچ‌گاه با تغییرات علمی و تحولات زمانه، دست‌خوش تغییر نمی‌شود. پس با این تحولات آزرایی، میزان اطلاعات و بینش بشری نیز بیشتر و خواناتر شده؛ بنابراین باید شیوه ابلاغ پیام و ارتباط‌گیری با مخاطب بر پایه میزان بینش ایشان، تعیین و روشمند گردد. چنانچه فکری به حال این مسئله نشود، همه تبلیغات مادی غرب چیزی جز تحجیر و خودختی‌گاری (برای مخاطبین این تبلیغات) نبی نخواهد داشت.

## باز منصفه وارد مسجد که

این مقاله‌ای است که نیاز مندی به تبلیغ است؛ از همین رو تا تبلیغ شایسته باشد و بیان زیبا و جذابی داشته باشد، میزان تأثیرگذاری آن بر افکار و قلوب مردم دوچندان خواهد شد؛ از نظر افکار و شهوات باطل در میان پسران دین ممانعت خواهد کرد؛ ظهور و گسترش دنیای مدرن با ابزارهای خاص،



می‌گرداند؛ ولی از آنجایی که دین تنها در اعتقادات و باورها خلاصه نمی‌شود و در حقیقت دستورالعملی برای زندگی است که به تمام جنبه‌های زندگی انسان توجه دارد، گسترش فعالیت‌های مرتبط با تبلیغات و استفاده از روش‌های تأثیرگذار بسیار ضروری و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

## تبلیغ مدرن نیازمند شیوه‌های نو است:

۱. شناخت ابزارهای مدرن و به کارگیری آن‌ها؛
  ۲. تسلط کامل بر آموزه‌های دینی و تفرقه در دین؛
  ۳. توانایی قالب‌بندی مطالب دین و آموزه‌های مشتمل بر امر و نهی در ابزارهای مدرن.
- به عبارت دیگر شناخت ابزارهای اقلانعی و به کارگیری مناسب آن، شرطی لازم برای موفقیت در تبلیغ در عصر حاضر به شمار می‌رود. اگر یک مبلغ بدون شناخت ابزارهای جدید، در صدد تبلیغ دین برآید، وارد کارزاری نابرابر شده است که بدون هیچ سلاحی تلاش می‌کند بر حریف تاین ندان مسلح را شکست دهد؛ این حال این شرط لازم، هیچ‌گاه برای مبلغ کافی نخواهد بود و صرف این شناخت نمی‌تواند او را پیروز میدان تبلیغ کند؛ بنابراین شرط دیگری هم برای مبلغ این است که آن تسلط کامل بر آموزه‌های دینی و نیز توانایی در انعطاف‌پذیر کردن مطالب دینی و قالب‌بندی در ابزارهای مدرن است.

## تبلیغات: تدبیری یا معنوی یکی از عناصر

مهم عصر تکنولوژی، تبلیغات است. در تبلیغات برای ایجاد رخدادی و به منظور تحت تأثیر قرار دادن رویداد مردم، بی‌وقفه تلاش می‌کنند. در واقع تبلیغات یک نوع کوشش عمدانه و سنجیده برای نفوذ در باورها و سپس شیوه‌گذاری بر اعمال افراد است تا مقاصد و اهداف تبلیغ تعیین شده تا آیین کند؛ همین منظر، احساسات مخاطب به سود یا ضرر موضوعی، برانگیخته می‌شود.

از قدیم الایام، انسان‌ها برای رسیدن به اهداف خود در قالب‌های متفاوت به یکدیگر ارائه می‌کرده‌اند. تبلیغات در دنیای مادی و مادی گریز، تمام هم و غم خود را بر پایه تسلط بر تعقل و تفکر افراد گذاشته است که در دنیای امروز به پروپاگاندا مشهور است و اغلب با تحریف و اقصیت و مسخ مخاطبین خود در پی هدفی خاص می‌باشد.

در این میان تبلیغات دینی، دسان متفاوتی با تبلیغات مادی دارد. هدف نهایی در تبلیغ دین، انتقال مفاهیم و حقایق ارزشی الهی و انسانی و در حقیقت پرورش و اصلاح انسان‌ها با ابزارهای متنوع و هر عصری است. مقاله‌های «تبلیغ در دین، خصوصاً اسلام، مذهب‌ها و شیوه‌ها» و «سبک پروپاگاندا غربی، سعی در جذب افراد نادر دنیای ام‌مقاله همیشه مورد توجه و کلام ناچونمردانه تبلیغات مادی بوده است؛ بنابراین در این مصادف ابزار و مواجهه غیر متوازن، باید به دو نکته مهم توجه داشت:

۱. عرب‌نشدن در مقابل بوق و کرناهی ابزارهای مدرن و تکنولوژی غرب؛
۲. طرد کردن کن‌کن از ابزارهای پنهان و وجود روش‌های سنتی مثل منبر و مسجد.

به‌عبارت‌دیگر برخی از مبلغان و مسئولان تبلیغی ما آنچنان در برابر تکنولوژی جدید مجتنب و مغلوب می‌شوند که برای مقابله با همه پیام‌های ارسالی از ابزارهای مدرن، ماهیت تبلیغی دین و اصول و ارزش‌های خود را تغییر می‌دهند. غافل از اینکه همراهی با روش مذموم غربی، در حقیقت صحنه گناختن بر حقانیت‌تربوش غرب خواهد بود که دین کاملاً در تقابل با دورویی و نفاق و ریا در روش غربی است. از طرف دیگر وابستگی بسیار زیاد به شیوه‌های سنتی همچون خطابه، وعظ و منبر، موجب روگردانی مبلغان از این سبستر جدید تبلیغی شده است که انصافاً می‌تواند حلال بسیاری از مشکلات جامعه کنونی ما باشد.

## چالش‌ها در فضای مجازی:

می‌تواند بستری مناسب برای تبلیغات دینی باشد؛ اما گاهی دیده می‌شود که همین فرصت، چنان چالش و به تعبیر بهتر در دسری را برای دین‌اجرامی کند که برخی از متدینین و دین‌ورزان و حتی مبلغان در اچار، تزلزل می‌کنند. بنابراین همان‌گونه که گفتیم، قبل از حضور در چنین فضاهایی باید با تحصیل شرایط تبلیغی قدم‌در قدم فضاها نهاد، در ادامه به برخی از چالش‌هایی که مبلغان دینی با آن مواجه می‌شوند، اشاره خواهیم داشت.

## ۱. عدم شناخت و مایل از تطابق در فضای مجازی؛

۲. عدم شناخت مناسب نیاز مخاطب؛

۳. سطح پایین کیفیت تولیدات مجازی دینی به دلیل استفاده از افراد غیر متخصص؛

۴. استفاده از سخن احساسی و گاهی بی‌پهلو در تبلیغ دین؛

۵. شک‌گویی و بیزاری‌گویی در فضاهایی که مخاطبین فقط به چند جمله بسنده می‌کنند؛

۶. موجود پیش‌فرض بی‌دینی مخاطبان برای مبلغ دینی در فضای مجازی؛

۷. عدم استفاده از روش‌های تشریحی برای تبلیغ؛

**نتیجه‌گیری:** پیشرفت روزافزون تکنولوژی در عصر حاضر و حضور فعال پروپاگاندا غربی در رسانه‌های مدرن، دست‌آوردی است که باورهای دینی پدیدآورنده است که حتی مخاطبان در مجالس وعظ و خطابه هم، مصون از این تبلیغات نیستند؛ بنابراین مسئولی است که فاخر اهمیت است؛ تمسیر رویداد مبلغان در روش تبلیغ خواهد بود؛ تا اگر در بهترین وضعیت، آمیخته می‌شود به‌ازدین مخاطب‌نابند؛ از اقل مخاطبین فعلی تبلیغات دینی دست‌نزداند؛ اگرچه نتوانی ایجادوساخت طرف‌مورد نیاز تبلیغ را نداری؛ اما آنچه می‌تواند مظهر و فایده این طرف‌ارسانی تغییر کاربری آن به یک امر مشروع باشد، همانا استفاده از عواملی است که خلوند در ۲۵ سوره نحل بیان فرموده است: «لاعلی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جاداهم بالاتی‌هی احسن».

## منابع:

۱. دکتران سیدمحمد اسحاق‌زادگان، تهران: گروه مؤلفه (۱۳۸۸).
۲. دکتران: محسن دانش‌نامه اسلام، آیین‌نامه تنظیمی مراسم عزیمت نهران بن‌نادر بازمعارف اسلامی (۱۳۸۰) ج ۲.
۳. دکتران: سیدعلی آقایی، «تبلیغ علم و معارف اجتماعی» نهران (۱۳۸۶) ج ۲.
۴. دکتران: محمدعلی زبویی، «تبلیغ نهران» سازمان تبلیغات اسلامی (۱۳۷۱).





## عالمه اهل بیت

بررسی ویژگی‌های علمی حضرت معصومه (ع)  
احمد وحیدی (طایفه سطح سه مرکز تخصصی تبلیغ)

### ایجاد انگیزه

ظهور و گسترش دین اسلام باعث رشد و بالندگی زبان در پرتو قوانین الهی شد پیامبر اسلام با آزاد ساختن

زنان از قید و بندهای جاهلی و مسوق دادن آن‌ها به سوی ارزش‌ها و کمالات انسانی، شخصیت واقعی آنان را به جامعه بشری معرفی کرد در این میان زبان بزرگان خاندان عصمت و طهارت (ع) که در دامن ولایت و امامت بزرگ شده‌اند، همواره به ارزش‌های و آرای انسانی ارسته و نمونه‌های برجسته اخلاقی بودند.

حضرت فاطمه معصومه (ع) صدقایی یکی از بانوان باقیضت‌ها و اولیای خاندان نبوت است که به مقامات بالای علمی و معنوی رسید، ایشان فرمود: بانویی از فرزندان من در قم از دنیا می‌رود که اسمش فاطمه دختر موسی است و به شفاعت او همه شیعیان من وارد بهشت می‌شوند.<sup>۱</sup>

یکی از بارزترین ویژگی‌های حضرت معصومه (ع) در دوران زندگی ایشان است؛ به این معنا که ایشان جزو بانوان حدیث شمرده شده‌اند. فشارهای سیاسی و ظلم و جور عباسیان در دوران زندگی حضرت معصومه سبب شده بود که نقل احادیث بسیار دشوار گردد. با این حال نام آن حضرت در سلسله روایان چند حدیث باقی مانده است که بیانگر «محدث بودن» آن حضرت است. همه این احادیث بر محور «امامت و ولایت» استوار است که از باب تبرک که برخی از روایاتی را که حضرت معصومه (ع) نقل کرده بیان می‌کنند:

### افتخار اندیشه

ابوالخیر شمس‌الدین محمد بن محمد بن جریر شافعی (۸۳۳ م) نقل می‌کند: حضرت معصومه (ع) خواهش (و نام تکلم) فرمودند: حدیث کردی که در ایام فاطمه دختر امام صادق (ع) و اواز فاطمه دختر امام باقر (ع) از فاطمه دختر علی بن الحسین (ع) از فاطمه سبکینه دختران امام حسین و آنان از امام کلثوم دختر حضرت فاطمه (ع) نقل کردند که فاطمه زهرا دختر رسول الله (ص) فرمود: «استمع قول رسول الله (ص) یوم غدیر خیم من كنت مولا فاعلى مولا و قوله (ص): أنت منى بمنزلة هارون من موسى» با ایفای روش کردید سخن رسول خدا را در روز غدیر خیم که فرمودند: هر که من مولاى او بود، همان مولاى او است و فرمودند: علی تو بر اى من همانند هارون بر اى موسى هستى.<sup>۲</sup>

حدیث بعدی حدیث ثواب دوستی آل محمد (ع) است: حدیثی بسیار زیبا و معروف به حدیث فاطمات:

عن فاطمة بنت الحسین الرضوی عن فاطمة بنت محمد الرضوی عن فاطمة بنت ابراهیم الرضوی عن فاطمة بنت الحسن الرضوی عن فاطمة بنت محمد الموسوی عن فاطمة بنت عبدالله الملوی عن فاطمة بنت الحسن الحسینی عن فاطمة بنت ابي هاشم الحسینی عن فاطمة بنت محمد بن احمد بن موسی المبرقع عن فاطمة بنت ابي الحسن الرضا عن فاطمة عن بنت موسی بن جعفر علیه السلام عن فاطمة بنت الصادق (ع) عن فاطمة بنت ابي نقیة عن فاطمة بنت علی بن الحسین السجادی عن فاطمة بنت ابي عبدالله الحسین (ع) عن زینب بنت امیرالمؤمنین (ع) عن فاطمة بنت رسول الله (ص) قالت: قال رسول الله (ص):

«ألا من مات علی حب آل محمد مات شهیداً زائداً، فإنا آگاه باشیم؛ هر کس که بر محبت و دوستی آل محمد میرود، شهید زاینده است.»<sup>۳</sup>

محمد باقر دومین حدیثی است که از طریق حضرت معصومه (ع) نقل شده است. حدیثی بگردد: «أخفت قال حدثنا فاطمة علی بن موسی الرضا قالت حدثتني فاطمة وزینب أم کلثوم بنت موسی بن جعفر (ع) فأن حدثنا فاطمة بنت جعفر بن محمد (ع) قالت حدثتني فاطمة بنت محمد بن علی (ع) قالت حدثتني فاطمة بنت علی بن الحسین (ع) قالت حدثتني فاطمة وسبکینه ابنت الحسن بن علی (ع) عن أم کلثوم بنت علی (ع) عن فاطمة بنت رسول الله (ص) قالت سمعت رسول الله (ص):

«سئل (لأسری بی الی السجاد) دسخت الحجة فإذا أتانا فصر من ذریة نبیة محمودة و علیها باب مکمل بالذو القوت و علی النابست و رقتی راسی فإذا كنتی علی الباب (الله) المحمذ رسول الله (ص) و فی مرآة آسمان بر دند داخل بهشت شدم، در آنجا قمری از ذر و باقوت بود و در آن بودی او بخته بود، سر ما بلند کردیم، پر در بسته است. سئدی جز خدای یگانه نیست و محمد رسول خداست و علی ولی و صاحب اختیار مردم است.»<sup>۴</sup>

### تحریک احساسی

رتبه و مقام علمی حضرت معصومه (ع) قابل توصیف است. مؤید کلام ما این حکایت شیعیانی است:

روزی جمعی از شیعیان به قصد دیدار امام موسی بن جعفر (ع) به مدینه منوره مشرف شدند و پرسش‌هایی داشتند که می‌خواستند از محضر امام کاظم (ع) پرسند: امام! در سفر بود ایشان پرسش‌های خود را نوشتند و به حضرت معصومه (ع) تحویل دادند. روز بعد که می‌خواستند از مدینه به سوی وطن خود برگردند، برای دریافت پاسخ به منزل امام کاظم (ع) مراجعت نفرموده بود و آنان امکان توقف نداشتند؛ از این رو حضرت معصومه (ع) پاسخ آن پرسش‌ها را نوشت و به آنان داد. آنان با خوشحالی فراوان از مدینه خارج شدند. در مسیر با امام کاظم (ع) رو شدند و داستان خود را برای آن حضرت شرح دادند. امام کاظم (ع) پرسش‌های آنان و پاسخ‌های دخترش (احضرت معصومه (ع) را ملاحظه کرد، سه بار فرمود: «فهاها یوها! پدرش فطایش باد»<sup>۵</sup>

باتوجه به اینکه حضرت معصومه (ع) به هنگام دستگیری پدر، کودکی بیش نبود این واقعه از جایگاه رفیع و دانش بسیار آن حضرت در آن سنین حکایت می‌کند نشان از هوش و درایت فراوان ایشان دارد.

آیت‌الله حسن رضضانی می‌گفت: چندین سال قبل، دانشگاه قم برای تجلیل از مقام حضرت فاطمه معصومه (ع) گروهی تشکیل داد و از من خواست که واسطه شوم و حضرت استاد علامه حسن زاده آملی را برای این مجمع دعوت کنم. معمولاً حضرت استاد به دلیل کمالات و اشعارات فراوانشان این دعوت‌ها را قبول نمی‌کردند؛ اما وقتی این مسئله را مطرح کردم با کمال صفا و صمیمیت و تمام وجود، حاضر قبول کردند. حتی با مسئولان آنجاماسی گزینیم که وسیله‌ای برای حضور استاد در مراسم فراهم کنند. خود ایشان به محل جلسه تشریف آوردند و به محض حضور در مجلس، جلسه منقلب شد. قرار نبود ایشان سخن بگویند؛ اما اصرار مسئولان و دیگران ایشان را به فرار آورد و جمله‌ای که با تمام وجود فرمودند و همه را منقلب کرد این بود: «اگر برای من ممکن بود و مواجب‌ها مشکل نمی‌شد، برای تجلیل از شخصیتی مانند فاطمه معصومه (ع) این مسیر را سینه‌خیز می‌آمدم»<sup>۶</sup>

### زینت‌سازی

مشهور است مالصدا در زمانی که در کعبه مستقر بود، هر گاه به مشکل علمی برمی‌خورد به حضرت معصومه (ع) می‌پرد و معضلات علمی خودش را با حضور در کنار قبر کریمه اهل بی‌ت حل می‌کرد. حضرت آیت‌الله العظمی آراکی بخشی از تالیفات خود را در کنار قبر مطهر حضرت معصومه (ع) نوشته‌اند. مرحوم آیت‌الله سیدمحمد موسی نجفی پدر آیت‌الله العظمی مدیسه‌شاه‌البدین مرعشی نجفی (ره) اسیبار علامه قلم‌نویس بود. محل قبر شریف حضرت فاطمه زهرا (ع) را به دست آورد. خدمت‌گزارش انتخاب کرد و چهل شب به آن پرداخت. مشحوب چهلیم پس از به پایان رساندن ختم و توسل سپرد، استراحت کرد در عالم رؤیا به محضر مقدس حضرت امام صادق (ع) مشرف شد. امام به ایشان فرمودند: «عَلَيْكَ بِكَرَمَةِ اللَّهِ الْبَيْتِ». یعنی به دلمان کریمه اهل بیت چنگ بزن. ایشان به گمان اینکه منظور امام حضرت فاطمه زهرا (ع) است، عرض کرد: در قریات کردم، من این گفتن قرآن را برای دانستن محل دقیق قبر شریف آن حضرت کردم؛ به زبانه زبیر شریف شوم. امام فرمود: منظور من، قبر شریف حضرت معصومه (ع) در قم است. سپس افزود: به دلیل مصالحتی خاندانی می‌خواهد محل قبر شریف حضرت فاطمه زهرا (ع) پنهان بماند؛ از این رو قبر حضرت معصومه (ع) تجلی گاه قبر شریف حضرت فاطمه زهرا (ع) قرار داد است. اگر قرار بود قرآن حضرت ظاهر بشود و جلال و جبروتی برای آن مقدر بود، خاندان حاضر جلال و جبروت را به قبر مطهر حضرت معصومه (ع) داده است.

مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی بی‌درنگ همراه خانواده‌اش نجف‌اشرف را به قصد زیارت کریمه اهل بیت (ع) ترک کرد.



### پی‌نوشت

- ۱- علامه مجلسی بحار الانوار ج ۵، ص ۲۶
- ۲- نوربدری، قضای نبوی، نوله، اخطق
- ۳- نوربدری، وقایع اعیان ج ۳، ص ۲۸۲
- ۴- بحار ج ۲، ص ۲۱، ص ۲۰۴
- ۵- علامه مجلسی بحار الانوار ج ۵، ص ۱۶
- ۶- فخر رازی، بی‌ت، ص ۶۳
- ۷- عین‌القری، بی‌ت، ص ۱۱۰
- ۸- مطهری، شرح‌نامه‌ها، ص ۱۱۰





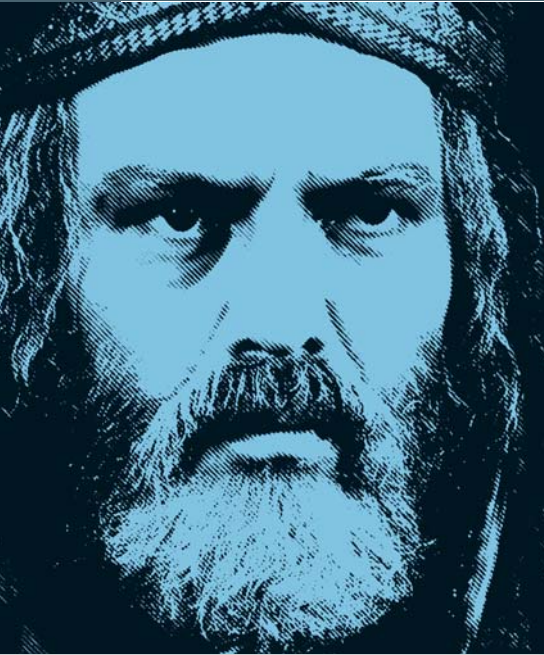




## غبار روی از چهره یک قهرمان

شخصیت‌شناسی مختار تقفی

محسن مروجی (مدیرس و پژوهشگر تاریخ و کلام شیعه)



**◆ مقدمه** یکی از قیام‌های مهمی که پس از واقعه عاشورا شکل گرفت، نهضت مختار تقفی است که به دلیل انتقام از قاتلان شهیدان کربلا، از اهمیت والا برای برخوردار است. درباره رهبر این قیام، دیدگاه‌ها و سخنان متفاوت و گاه متضادی بیان شده است که متأسفانه عده‌ای با سکوت درباره این شخصیت واداشته است. بدیهی است بررسی و کنکاش درباره شخصیت مختار می‌تواند طلسم‌های برای پرداخت منصفانه به شخصیت او باشد.

**◆ میرزی همام‌طبری** در تاریخ خود درباره مختار و قیام او چنین می‌نویسد: «مختار استنین بالا زد و گفت: «اصلا روش و این دین ما این نیست که قاتلان امام حسین را اونهم تادر کمال انصبت راه برونند چه بدیداری برای آل محمد در دنیا سهولت پس استی همان گونه مرا کتاب مایه‌اند اما از خدا کمک می‌گیرم. خدارا انکار کم تا رستمشیری قرار داد که دشمنان آنها را با این می‌زنم و دفع می‌کنم و مرا اینز برای قرار داد که اینها را با این بزهرم و خدا مرا انتقام گیرند خون آنان قرار داده».

**◆ دشمنی نسبت به مختار** کمتر کتابی از اهل سنت و جود دارد که شخصیت مختار را مطرح کند و به نام ساز انگوبد. کمترین این نامسازها «کتاب» است. وقتی مختار لشکر شد

به جنگ ساسان فرستاد ابراهیم فرزند مالک اشتر فرمانده سپاهش بود و عبدالله بن زیاد فرماندهی لشکر ساسان را بر عهده داشت. اولین بار در آنجا «ابن ضعیان کلیبی» مختار را کتاکتابید.

**◆ دیدگاه علمای شیعه** از شخصیت‌های معاصر، آقایان خوئی، مستتر، مامقانی، امینی، نمازی و محدث قسمی از مختار یاد



## سوره‌های منبر در ماه ربیع الثانی

سید مهدی رمضوی (طلبه سطح عالی حوزه علمیه)

ربیع الاخر یا همان ربیع الثانی چهارمین ماه قمری است. از جمله اتفاقات و حوادثی که در این ماه اتفاق افتاده است می‌توان به عنوان مباحثی برای سخنرانی از آنها بهره برد عبارت‌اند از:

تأویب به سسر کردگی سلیمان صد خزاعی به خونخواهی از سیدالشهدا در سال ۶۵ هجری در روز دوم ربیع الثانی قیام کردند. بیان عبرت‌های تاریخی از سستی در معرفت صحیح امام و لغزش در مسیر سران این قیام بسیار قابل استفاده است؛ هر چند در نهایت با توبه و نثار جانشان از سوی ائمه مورد تحسین قرار گرفتند. اما بیان سرگذشت آنان در عدم حمایت به موقع از امام معصوم بسیار راهگشا است.

**موت گنه‌ها** من عبد الملک

روز چهارشنبه ششم ربیع الثانی سال ۱۲۵ ق در صافه، هشام بن عبدالملک از دنیا رفت و به جهنم واصل شد.

امور دنیا حول غلبه یا بدو، بختل و بر جوع مال حریص بود. دستور کشتن زید بن علی بن الحسین را صادر کرد و امام باقر و حضرت صادق علیهما السلام را به شام احضار کرد و جاسرتهای فراری به آن حضرات نمود و آخر الامر امام باقر علیه السلام را به شهادت رساند. نوزده سال و نه ماه و دوازده روز خلافت کرد و در ۵۲ سالگی به جهنم شتافت.

در زمان سفاح و نه ماه روز غلبه بود و قهرهای آنها را هم نبش می‌کردند و آنچه می‌نفتند می‌سوزانند. وقتی نوبت به قتل ولید رسید آن در آن باقی نمانده بود و از عدل عالمگستری از چشم‌شان مانده بود. هنگامی که قهر هاشم اشتد گفتند: «اوهو متلاشی نشده بود او اسوز ایندندو خاکسترش را به دادند».

**تقرض ایمنیه**

در دوازدهم این ماه با سفاح اولین خلیفه عباسی بیعت شد و با تقرض دولت بنی مروان، دولت بنی امیه به کلی منقرض شد. البته مروان در ۲۷ ربیع الحجه کشته شد ولی در این روز با تأسیس دولت بنی عباس رسماً نام بنی امیه از صفحه خلافت برچیده شد.

**وفات موسی مبرقع**

جناب موسی مبرقع علیه السلام پسر حضرت جواد علیه السلام در سال ۲۹۶ ق در شهر قم وفات یافت. بنا بر قولی دیگر در چهاردهم ربیع الثانی وفات موسی مبرقع واقع شده است. قبر آن بزرگوار در چهل اختران قم در خیابان اذر است.

نام ایشان موسی، کنیاش ابو جعفر و لقبان بزرگوار مبرقع بود. ایشان از فرط زبایی، بر جمال مبارک نقاب می‌زد. کلیبی در کافی به سند معتبر نقل کرده که جناب موسی مبرقع تولیت او فارق از جانب امام جواد علیه السلام داشته‌اند.

**◆ خطابه فاطمی در مسجد الجنبی**

حضرت زهرا علیها السلام در راه بازپس گیری حقوق غصب شده خویش و اهل‌بیتش همچنان تلاش می‌کرد. از سوی حکومت غاصب که از قدرت و نفوذ بیشتری برخوردار شده بود، فدک که حق اعطای شده فاطمه علیها السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله بود را به قهر است ممال غصب شده اضافه کرد. این بار دختر پیامبر مشهور سخن از نیام برکشید و در مسجد النبوی و در حضور همگان خطابه‌ای ایراد کرد که به خطبه فدکیه معروف شد.

**◆ سه روز مانع از نای سیاسی ابوبکر**

خلیفه سه‌روز از خانه بیرون نیامد. برخی شایعه کردند که ابوبکر قصد دارد خلافت را به صاحب اصلی آن بازگرداند؛ اما پس از سه روز خلیفه از خانه بیرون آمد. در حالی که با هم‌فکرانش به هدف اصلی را مشخص کرده بود؛ تثبیت قلمطمانه خلافت، تأکید بر عصاره فدک و بیعت گرفتن از علی علیه السلام.

**◆ چهارشنبه شانزدهم روز بیست و یکم**

**◆ ایام طایفه فدک**

احتمال وقوع هجوم اصلی تلاش‌های دختر پیامبر برای بازپس گیری هدیه پدرش ادامه داشت. به همین دلیل، زمانی که ابوبکر روی منبر در حال سخنرانی بود، حضرت زهرا او را از مسجد شد. خلیفه حدس می‌زد که همسر علی بر نامه‌های داشته باشد. با نگرانی سخنرانی‌اش را ادامه داد؛ اما ناگهان فاطمه زهرا علیها السلام گفت: «همه شاهد هستید که پدرم فدک را به من کرده».

مردم تأیید کردند که فدک اربث نیست. خلیفه در فتنار افکار عمومی چاره‌ای جز تسلیم ندید. همان لحظه سنن را امینی بر آستین داد فدک تنظیم کرد و به حضرت زهرا علیها السلام داد. دختر رسول خدا در حال بازگشت از مسجد بود که ناگهان فرزند خطاب را مقابل خود دید.

خبر تحویل دادن فدک به عمر رسیده بود و بلافاصله خودش را در مسیر به مدینه طاهره علیه السلام رساند. سنن فدک را به زور از حضرت گرفت و پاره کرد.

**◆ احتمال وقوع هجوم اصلی در این روز یا پس از آن**

این هجوم که به عنوان هجوم اصلی از آن یاد می‌شود شاخصه‌هایی همانند هجوم اول دارد.

باین تفاوت که در این زمان کسی جز اهل بیت علیهم السلام در خانه نینستند و هدف اصلی از هجوم بیعت‌ستانی از حضرت زهرا علیها السلام است. این هجوم بود که منجر به ضرب و جرح حضرت زهرا علیها السلام، سوزاندن در خانه و شهادت حضرت محسن علیه السلام شد.



**شاکت‌دانش هر کدام، برجم تربیت‌وهدایند**

بیش از شصت سال از عمر با برکت هشتاد و چهار ساله‌اش (۱۳۲۷ - ۱۳۳۱) وقف مردم و هدایت آنان شد. شاکردان او فقط خوزیان نبودند و از هر قشر و صنف می‌توانستی راه یافتگان محضرش را بیابی. با این همه چند نفر که هر کدام کوه تقوی و توحید و تدبیر ایمان و پارسایی بودند، پیش از دیگران آوازه یافتند. حاج شیخ هادی (معروف به حاج مقدس)، مرحوم آقا فخر تهرانی، حاج شیخ محمد تقی آل آقا کرمانشاهی و مرحوم آقا سید عبدالکریم پینه‌دوز که حکایت تصرف وی به محضر حضرت ولی عصر علیه السلام قصه‌ای از احسن القصص و دانش‌فگان وصال است؛ مرحوم آیت الله حق شناس، مرحوم آیت الله مجتهدی تهرانی، مرحوم آیت الله خلیج آقا جنتی تهرانی، حضرت آیت الله سید محسن خرازی، حضرت آیت الله حاج شیخ رضا استادی، از محضر ایشان بهره بردند.

**توانسنه، اخلاصی و زهد، سه ویژگی برجسته شیخ بر تقوی**

با اینکه از علم و دانش بهره فراوان داشت و ره‌نوشه‌های سرشار و مهم‌تر از آن موهبت طهارت روح و چشم و گوش باز داشت و سینه‌ای پر از اسرار، اما ذرا بی به آن مباحث نداشتند. هیچ‌گاه علم و دانش‌اش را به رخ نمی‌کشید. مفید بود حدیث و روضه زاری روی سخن کتاب بخواند آیت الله العظمی بروجردی رحمته الله علیه می‌فرمود: «درخواست نقل حدیث کرد، گفت: من حدیث را از روی کتاب می‌خوانم و چون آن کتاب حدیث نزد من نیست، معذورم». آیت الله بروجردی

دستور داد کتاب حدیثش را به وی دادند. شیخ به قرائت حدیث پرداخت و چنان خواند که گوهرهای اشک از چشمان آن مرجع بزرگوار جاری شد. خنامه‌ای داشتی بی‌پایه‌یون اضافه‌ات فصلات، زمایی ارادتمندانش می‌خواستند منزلت‌ش حامی بسازند که به حسام عمومی بروند پذیرفت؛ چون همه مردم آن زمان از این امکان بهره‌مند نبودند.

**آقا شایسته دریافت سلام امام زمان علیه السلام شد**

مرحوم آیت‌الله مجتهدی تهرانی در سخنرانی خود در ۸۳۷/۱۳ فرمود: «شخصی از مومنان، مبلغی سهم سادات را نزد آقا شیخ مرتضی زاهد آورد. وی آن مبلغ را در میان کتابی نهاد و برای منتهی فراموش کرد. یکی از راه‌یافتگان سادات برساند، یکی از روزها، ضایح در خانه آقا یافتند. شیخ به پشت در آمد، سیدی بزرگوار را دید که بعد از سلام و احوال پرس می‌بوی فرمود: حضرت بقیه‌الله علیه السلام به شما سلام می‌رسانند و فرمودند به شما بگویم آن مبلغ سهم سادات در فلان کتاب است و یادتان رفته است آن را به مستحق برسانید. آقا شیخ مرتضی بلافاصله رفت و مبلغ را برداشت و به اهلش رساند».

**خدا یاری تقوی را بر پیش خودت**

حاج آقامهدی فرزند شیخ می‌گوید: «یکی از آخرین شبهای ارادت بهشت ماه ۱۳۳۱ دیدم: به منزل رسیدم، پدرم منتظر بود، تا راحت و پریشان، می‌ترسید نماز شب قضا شود آن شب حال و هوای پدرم به گونه‌ای دیگر بود، شنیدم که آرام می‌گفت: خدا یاری تقوی دیگر خسته شده است تا همین هفته دیگر، مرتضی را بر پیش خودت، این

اواخر دیگر توانی ندانستی؛ اما از انجام وظیفه دست نمی‌کشید. آن روز بعد از ظهر حاج آقا شریف از وعظ تهرانی به دیدنش آمده بود. حاج خانم، طرف شیری را پشت پرده برای آقا شیخ مرتضی گذاشت، شیخ نگاه می‌شیر انداخت و گفت: «عجب! خدا را شکر آخرین غذای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هم شیر بود».

عصر جمعه دوم خرداد ماه ۱۳۳۱ شمسی، حاج محمد حسن سعیدیان آمده بود تا آقا را برای جلسات هفتگی شنبه شبها، شیخ محمد جاودان می‌گوید: «آن ساعات من برای خرید بیرون رفته بودم، وقتی برگشتم دیدم سراسر آقا شیخ مرتضی بروی پایهای آقای سعیدیان است و او در حال ریختن تربت سید الشهدا در دهان شیخ است. آب تربت را که نوشید جان به جان آفرین سپرد. خانه راغم و ماممی گرفته بود».

پیکر مطهرش به کربلا منتقل شد و از سخن نورانی قمر بنی‌هاشم سیر ملکوتی خود را در بزرگ آغاز کرد. مرحوم آیت‌الله سبزوئی می‌گوید: «پس از چند سال که حرم حضرت عباس علیه السلام نیاز به تعمیرات داشت، قبر مرحوم زاهد در محدوده بازسازی قرار گرفت و در حین تعمیرات، باید قبر شکافته می‌شد. آنگاه که قبر باز کردند، دیدند جنازه‌ان عبدالصالح خدا زاهد راستین زمان که بعد از چند سال تر و تازه و سالم است». عاش سعید و ملت سعیدان!

**منهج:**  
۱- تهرانی، آیت‌الله، محمد، کتبیبه‌اشتهام، زاهد، انتشارات معارف قم، ۱۳۸۰.  
۲- سعید، آیت‌الله، محمد حسن، باقر شیخ مرتضی، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی صالحین شیعه و راستین.

**حکایت  
بر مزاج مستمع گوی**

حسین فرغی (مطلبه سطوح عالی حوزه علمیه)

سیاهی شب خودش را روی وسعت دشت پهن کرده بود. باز زوزه گشایش سرما تا مغز استخوان می‌کشاند. مردی آنکه خود را سوز سرما در هم پیچیده بود؛ اما هر طور بود سعی می‌کرد تا مانعی باشد برای رسیدن سرما به هوس و فرزندانش که حالا در پشت سرش به سختی قدم از قدم بر می‌داشتند. تا چشم کار می‌کرد سیاهی بود و سیاهی و تا گوش کار می‌کرد سگوت سنگین بیابان و نفس زدن گاه و بیگاه پیاپی‌دکان که در زو و حست‌انگیز باد می‌شد. ناگهان در وسعت تاریکی، روش‌نمایی دوری به چشمش خورد. خانوادش را امر به مائتن کرد و خود، برای

بهره‌آز آن روشنایی دور، راهی طور شد. سرخی برافروخته در دل درخت که موسی به گمان آتش رو به سوسپش کرده بود، زبان سرخ خدا بری گفت و کوی سبز با او بود. وقتی سخن‌های خدا با او تمام و آنچه از او می‌خواست عیان شد، نوبت موسی بود تا چیزهایی را از خدا بخواهد. او چهار چیز خواست: وسعت قلبش، آسان شدن امر رسالت‌اش، بویرف شدن گره‌زبان‌اش و وزیری که او را یاری کند.

آنچه گذشت داستان بعثت موسی است. داستان همین نکته می‌تواند راهگشایی مسیر هر رسول و یاهر خلیفهای باشد. سخن ما در این مجال کوتاه پیرامون سومین





بهائیت به عنوان یک تشکیلات سیاسی، هیچ‌گاه از تبلیغات مسلکی و ایینی خودفاصله نگرفته است و اساساً هر فرد بهائی در اثر تامل و با تشکیلات، جایگاهی تبلیغی دارد که از وظایف محوله به اصطلاح دینی شمرده می‌شود. اما امروزه، بهائیان عمده تلاش خود را متوجه انگار ماهیت استعماری و وابسته‌ی خود کرده در صدد با مظلوم نمایی، خود را به عنوان یک شهروند عادی و بی‌خطر اما پاینده‌ی آموزه‌های الهی معرفی کرده تا بتوانند به تبلیغ مسلک خود بپردازند.

فرقه‌ی ضالیه بهائیت مدعی است که مبنای تمام ادیان الهی را پذیرفته در خود جای داده است. اما این ادعا چیزی جز گرافه گویی نیست. اعتقادات این فرقه‌ی دست‌پورده‌ی استعمار با همه‌ی اصول اعتقادی اسلام، صریح‌برخی آیت قرآن و آموزه‌های پیامبران الهی در مخالفت و تضاد آشکار است. در این شماره نیز همچون شماره پیشین، به گوشه‌ای از این تضادهای بهائیت و ادعاهای بی‌پایان این فرقه‌ی منحرف و ضاله اشاره خواهیم داشت. هر چند که بر شمرن تحرفات، بدعت‌ها، تضادهای درونی، ستم‌ها و خونریزی‌های ایشان خودمثنوی هفتادتن کاغذنیوا خواهد داشت.

از تباطؤ و امتداد روابط میان ایشان و مخاطبانشان است. مآمی که مرجم فلسفی نسبت به اهمیت رفیع آن در مواظف خود این گونه هشداری می‌دهند: «سخت‌تران باید در گفته‌های خود، مقدار درک شوندگان را رعایت کنند و در فهم آنان سخن بگویند نه آنکه مراتب علمی خود را معیار قرار دهند و هر آنچه می‌دانند بگویند»<sup>۱</sup>.

البته به دور از انصاف خواهد بود اگر در این میان از علمای مجاهد و راهنمایان فداکاری که به حق به عنوان نمونه‌های مطلوب و کامل و الگوهایی واقعی و مناسب در برخورد عالمانه و آگاهانه با مردم بودند چشم پوشی کنیم. عالمانی که خود را از بند پیچیدگی‌ها و دشواری‌های لفظی نجات داده، معاً را اصل دانستند و مصداق نام و تمام قلیل نمونه بودند.<sup>۲</sup> کسانی که بیان ساده اما عمیق و سبالی آنها، زمینه‌ساز رشد و هدایت افرا بی شماری بود. پایان بخش این نوشتار ذکر نمونه‌هایی از سیره این بزرگان است.

#### سید مهدی قوام

در گرمای تابستان بازار تهران و در هر دم رفت و آمدی میان مردم برای نماز راهی مسجد بود نگاهش به مرد افتاد. گوشه‌پله معزای کی کرده بود و گریه‌گر به گمان از مردم کمک می‌خواست. بخیرید. خندها لب شد، سرمایه‌ام از بین رفت، به خدا قسمتان می‌دهم بخیرید. خوش را به مرد رساند و پولی را که از جیب قایش در آورده بود به دست او داد. خندها را که خرید کلز مرد ندانست و شروع به گریستن کرد. نگاه متحیرانه مرد به فروشنده که از تعجب، اشک بر آن خشکیده بود میان پول‌های در دستش و صورت خیس سید در رفت و آمد بود. به سختی با هدایت از پایین فرود آمد و سؤال ماهده در دلش از برزبان آورد. آقا سیدتان را به چه جت قسم، می‌گوئی چه شده یا نه؟ چشم‌های سید در حالی که مثل دو چشمه اشک می‌جوشید و برای پاسخ میان خند و حال خوب شدن و مرد خج فروشنده در گردش بود: «برای از

در خواست موسی است. او از خدا بر طرف شدن گره زبانی‌اش را می‌خواهد. گریه‌ی که به گفته برخی از مفسران به دلیل نگره بودن، اشاره به نقض خاصی است که در کودکی و به واسطه سوختگی، در زبان موسی به وجود آمده بود.<sup>۳</sup> نقضی که باعث سرعت گفت و گوئی او<sup>۴</sup> و به فرموده خود موسی مانع فهم منظور و بیان او بود.<sup>۵</sup> این خواسته موسی این قدر نقش مهم و کلیدی ای را در رسالت او ایفا می‌کند که در صورت ضمیمه ۱۳ آیه سوره قصص با این آیه می‌توان به این نتیجه رسید که دعای چهارم موسی نیز به تبع عقد را بدین ترتیب، گرتگی و لکت معنا کرده‌اند.<sup>۶</sup>

چنان که پیش از این بیان شد حتی اگر بپذیریم که موسی به دنبال بر طرف شدن گره و لکت خاصی از زبان خود بوده، با توجه به اندامه ایه باید پذیرفت که این نقض مآمی برای رسیدن معنا و مقصود به تعبیر این دستورات و اوامر الهی از سوی موسی به مخاطبین خود بوده و وجود این نقض در دستورات و جریان دعوت او خلل بزرگی ایجاد نمی‌کرده است؛ زیرا اگرچه فرستاده باید پیش از سخن با عمل و سبک و سبالی زندگی خود مردم را به مسیر حق و حقیقت رهنمون کند، با این حال او تاکی بر است که در مقام تبیین آیات الهی، دعوت روشن مردم و مناظره و گفت‌گو با کسانی که در این مسیر خطی ایجاد می‌کنند؛ سلاح زبانی بهره برد. شاید یکی از دلایل انتخاب رسولان الهی از میان مردم را باید در همین عنصر مهم زبانی جستجو کرد. این خود درس بزرگی برای مبلغانی است که قرار است از ذره نادره و از صدر تامل‌ناپذیر ایام آموزه‌های حیاتی عمل کنند. متأسفانه یکی از مشکلات و موانع مهم در سر راه تبلیغ و ارتشاد مردم از سوی آنان همین عدم رعایت اقتضات زبانی از سوی مبلغین عظام است. نقض بزرگ و شایع که متأسفانه دامنگیر بسیاری از مبلغین و اهل علم است و مانع

۱. کشانی‌پور، «سید مهدی قوام» (تهران: انتشارات سرویس، ۱۳۷۳)، ص ۲۰.  
۲. ترجمه المیزان، ج ۱۳، ص ۴۰.  
۳. خلافتی، «کرم‌الله خاوری» (تهران: انتشارات سرویس، ۱۳۷۳)، ص ۱۶.  
۴. تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۲۳۳.  
۵. ترجمه المیزان، ج ۱۶، ص ۱۸.  
۶. اعراب القرآن و تفسیر، ج ۱۶، ص ۱۸.  
۷. تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۳۹.  
۸. مفردات، ج ۱۵، ص ۵۷۳.  
۹. بقره، ۱۲۹؛ اعراف، ۱۵۴.  
۱۰. انزل‌گستر، «سازمان تأقیل»، ص ۲۰، ص ۴۰.  
۱۱. روش سخنرانی دینی، ص ۱۱۲.  
۱۲. بهار نابور، ج ۴، ص ۶۶.









## نمایشی لطیف از اندیشه‌های سخیف

مهدی بهرامی (دانشجوی دکتری حکمت هنر دینی)

به نظر می‌رسد یک اصل مشترک در همه ادیان و حتی روش و مصلک‌های شبه ادیان، وجود خدای آن اصل تالشی است که معتقدان به هر دین یا مذهب برای تبلیغ اعتقادات خود انجام می‌دهد.

از طرفی اگر دینی در جامعه‌ای شامل اکثریت آن جامعه و ملیت باشد معتقدان به دین آن چنان اندازه‌ای تلاش می‌نمایند که روش خود را به طوری مطرح‌کنند تا برای دیگران نمونه‌گیری در این مورد به عهده خود نباشد. از روش‌های مختلف علاوه بر اینکه دست به پالایشی در اعتقادات خود می‌زنند تلاش می‌کنند چهره خوبی از خود در جامعه نشان دهند تا برای نشان دادن چهره خوب از خود تا اندازه‌ای پیش می‌روند که ممکن است آن چهره خوب و اخلاقی مخالف عقاید و مکتب‌های درون دین‌شان باشد. آنها تلاش می‌کنند تا نشان‌دهنده خود به عنوان پیروان دین بکنند، افرادی ایستاد در میان جامعه خود به نمایندگی بگذرانند چون به این قیهر رسیده‌اند که اندیشه‌ها و اصول دینی‌شان با وجود کاستی‌های فراوانی که دارد توان مقابله با اندیشه‌های ادیان خودپسند، مخصوصاً اسلام، رفتار دنیوی شدن یکی از این مکتب‌هایی که در ایران و حتی دیگر کشورها در سلب از این سبب به سر می‌برد بهمانند است. بهمانند تلاش می‌کنند تا نشان‌دهنده خود به عنوان انسان‌های اخلاقی به‌بیت در میان جامعه‌ها

گسترش دهند. در صورتی که اخلاق مملای و انسان دوستی به برخی از شرایع و معتقدات آنها در تعارض است.

واقعیت بد اخلاقی تاریخی و بی‌شمار و همچنین سلسله‌اندیشه‌های فرقه‌هایی مانند بهائیت نمی‌تواند رفتارهای اخلاقی و انسان دوستانه آنان را برای جذب دیگران و گسترش بهائیت توجیه کند. برای نمونه قره‌الون پس از آنکه بزک کرد و بدون حجاب نزد اصحاب‌باب حاضر شد، از خود چند جمله‌ای به یادگار گذاشت: «ای اصحاب! این روزگار از ایم قدرت‌شمرده می‌شود امروزه تکالیف شرعی یک‌جایه ساقط است و این صوم و صلات کاری بی‌بوده است. پس زحمت بیبوده بر خویش روا ندارد و زنان خویش را در مضاجعت طریق مشارکت سپارید و در امور یکدیگر شریک و سومیچ باشید که در این امور شما را تعالی نخواهد بود».

آنچه را که می‌توان در این باره خواند و این جماعت فریبکار را بهتر شناخت، در کتاب‌هایی از فضل‌الله مهدی، نیکو و دیگرانی که از این جماعت روی گردانده‌اند نوشته شده است. در رساله «سؤال و جواب» بهائیان در ذیل سؤال ۲ میرزا حسین قاسمی، سؤال و جواب سؤال شماره ۲۴ آورده‌اند: «مصحف ۲۷۸-۲۸۰ که در ۱۸۸۰ در باغ‌سرای تبریز چاپ شد».

۵. همگفتگویی بین‌دین‌گانه‌های بهائیت

آدمه است: «شما درباره محدودیت‌های حاکم بر ازدواج با اقارب، سوای موردی که از دوایج زن پدر را ممنوع می‌سازد، سؤال کرده‌اید. بیت‌العدل همچنین خواسته‌اند به اطلاع شما برسانیم که آن معهد اعلی، هنوز موقعیت را برای صدور قوانین تکمیلی درباره ازدواج با اقارب، مقضی نمی‌داند، بنابراین در حال حاضر تصمیم‌گیری در این مورد به عهده خود نفوس مؤمنه محول شده است.» واضح است که این نوع پاسخ یعنی مسکوت گذاشتن مسئله و نوعی جواز برای انجام این عمل دلان.

اگرچه برخی از بهائیان به دلیل نفی عدم حرمت همجنسگرایی و لواط هستند؛ اما با توجه به اینکه در کتب مقدس بهائیان در مورد نهی این اعمال چیزی بیان نشده است و بنا بر عقیده استوار و دستور به‌الله مبنی بر حلیت هر آن چیزی که حکم آن در کتب مقدس‌شان بیان نشده است، حلیت همجنسگرایی و لواط روشن است.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. مهدی، فضل‌الله، اندام‌مدار کسحی در باره‌های بی‌گناه، ۱۳۷۹.
۲. خاطرات صیحی، تهران، ۱۳۷۹.
۳. حسین قاسمی، فلسفه کفر و کفران (از تاریخ ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۳)، تهران، ۱۳۶۳.
۴. میرزا حسین قاسمی، سؤال و جواب، سؤال شماره ۲۴، ۱۳۷۹.
۵. آفرین‌شدت، صفحه ۲۷۸-۲۸۰، ۱۳۸۰ در باغ‌سرای تبریز چاپ شد.

www.iranology.com/content/view/full/67832/11

## تارهای عنکبوت

دانیال نجمی (کارشناس ارشد ادیان شرق)

درباره حال و روز این روزهای فرقه بهائیت آنچه پیش از پیش جالب توجه و موجب گفتگی است، مظلوم‌نمایی و زست‌حق به جانب گرفتن آنان است. درباره مظلومی که به گمان خود بر آنان رفته می‌رود، از سوی رسانه‌های که حمایت‌های مالی دشمنان اسلام‌آواره می‌شوند نیز در این آسیاب ریخته، با تحریف وقایع و بنفخ آنان در این تبلیغ جهت‌دار تقسی‌اساسی باری می‌کنند. حال آنکه صفحات تاریخ پر است از خاستگاه و جنابانی که فرقه و سرانش در ایران و حتی در جامعه جهانی داشته‌اند. اعطای نشان «سر» به عبداله‌بهاء به دلیل خوش خدمتی‌هایش برای انگلستان در سرزمین فلسطین، که بهائیان به آن می‌بالند، چیزی نیست که از صفحات تاریخ بتوان حذف کرد. ادعای مظلومیت از اینان شاید برای کسانی که از تاریخ بی‌خبرند تأثیر گذار باشد اما ساده‌لوحی و فریبی بیش نیست. کوششی از تاریخ ایران روشن می‌سازد که ظلم که سر زده‌اند جویبارکیر کیست.

### فتنه‌زندان (قلعه شیخ طبرسی)

«الحسین شهبوشی» اولین کسی که به باب ایمان آورد و لقب «باب‌الهدی» را از سید محمد علی باب دریافت کرد. وی به همراه «محمد علی باقر قزوینی» معروف به «قبوس» از شاگردان سید کاظم رشتی و از گروه فدایی‌ها به باب و پیروان محمد علی باقر آمدگی شورش را بر عهده داشتند که در مازندران و در محل مقبره شیخ طبرسی روی داد. در این واقعه از نزدیکان شیخان ۱۲۶۳ هجری آغاز شد و تا هفتاد یازده روز به طول انجامید. نکته حائز اهمیت در فتنه مازندران، کشتار مردمان بی‌گناه اطراف قلعه توسط بابیان است که بدون هیچ دلیلی به کسانی که هیچ نقش‌گیری در جریان آن زمان نداشتند، برهوش برده، جان مالی ایشان را غارت کردند. سران شورش به پیروزی خود در این نبرد بسپارید اما در پیروان و نه‌بیت و پس مقابله‌های مبدع بابیان شکست خوردند و سران نشان شکسته شدند. تنها چیزی که نصیب‌شان شد سنگ کشتار مردمان بی‌گناه بود که برای همیشه در تاریخ باقی می‌ماند.

### فتنه زنجان

سال ۱۲۶۶ و به رهبری «املا محمد علی زنجانی» معروف به حجت، از بهران اولیه بابیان، شورش در زنجان اتفاق افتاد. در کشتار این واقعه حدود ۱۰۰۰ «علی محمدباب» در تیریز و به دستور امام کبیر به دار آویخته شدند. اما ملا محمد علی زنجانی و تسلیم شدن امری که مشروط به امان نامه بود، فتنه زنجان پایان یافت. نکته قابل توجه در این واقعه

کفت‌هایی است که از منابع نامعلوم به روشیان زنجانی می‌رسید. **فتنه تیریز فارس** یکی دیگر از شورش‌های بابیان در سال ۱۲۶۶ و به سرکردگی «سیدحسین دارابی» از پیروان «کتاب‌بیان» و از نزدیکان سید علی محمدباب در تیریز فارس بود. بنا به گفته عبداله‌بهاء، قره‌الون، سیدحسین را تشویق به ایجاد این فتنه کرد که در طی آن بسیاری از مردم بی‌گناه کشته شدند.

### توروا

به طور کلی توروا بهائیت را می‌توان در پنج دهه جای داد؛ ۱۱ اغراض سیاسی؛ ۲ قتل برخی شخصیت‌های مسلمان که زنده بودن آنان برای بهائیت مضرب بود؛ ۲۰ قتل بابیان مخالف دست‌گامیز از احسنی‌نوری به‌طور عمد؛ ۱۱ قتل‌های ۲۴ قتل بهائیان که از برخی اسرار مطلق بودند یا به دلایلی زنده بودنشان به مصلحت نبود؛ ۵ تورواهای که بنا بر غرض بی‌زاری‌های شخصی اسرار انجام می‌گرفت.

پس از امام سید علی محمدباب، عده‌ای از بهائیان به رهبری «شیخ علی توشیحی» تصمیم گرفتند تا اولین شاه، امام کبیر و امام جمعه تهران را به قتل رسانند. این تصمیم نافرمانی و عده بسیاری از بهائیان دستگیر و کشته شدند. امام‌الله شفا، مبلغ سابق بهائی معتقد است که حادتر و ترور زنده‌بار نامه‌بریزی و دستور شخص به‌الله بوده است.<sup>۱</sup>

«شاید شیخ محمدتقی مرغانی» مشهور به شهید ثالث از دیگر افرادی است که توسط بهائیان ترور شده است. وی از جمله کسانی است که قدرت علمی خود به مقابله با افکار انحرافی، ایمیه، شیخیه و نوری بهائی انحرافی زمان خویش پرداخت. در نهایت در راه‌فاق از حقیقت شهادت روستی رسید. در حالی که در مسجد به عبادت مشغول بود مورد هجوم توروست‌های بابی گرفت و فرات و جراحاتی زیاد بر او وارد شد که بر اثر شتم آنها دو روز بعد شدت شهادت را نوشید. به این موارد می‌توان نمونه‌های دیگری را افزود و نیز که در این نوشتار مجال پرداختن به آن هائینست.

### پی‌نوشت:

۱. بهاری، شرفی (فتنی)، قرن بیستم، ترجمه نصیرالله مؤنت، مؤسسه معارف باغ‌سرای تبریز، ۱۳۸۱، به-بع.
۲. ۱۳۲۲، ص ۱۰۵. شرفی جگوری، عبدالحمید، انتخابی تاریخ سید زندی، مؤسسه چاپ و انتشارات باغ‌سرای تبریز، ۱۳۷۱.
۳. کتابی، حاجی میرزا جانی، نطق‌الکاف، ص ۱۶.
۴. تالیف: الحسین قنبر، انتشارات بهائیان، تهران، ۱۳۳۳، ص ۱۰۶-۱۰۴.
۵. محمدتقی، نصیرالله، تحریک جناب سید علی محمدباب، تهران، ۱۳۷۲، ص ۵۰-۵۱.
۶. صفای‌الله، نعمت‌الله، تاریخ بهائیان، تهران، (الکتب اسلامیه)، ۱۳۷۳، ص ۳۷.
۷. ابن‌الشیخ‌الیه، ص ۹۲، ۱۳۷۱.



## انحراف بدشتر از شریعت اسلام

محمدصادق احمدی (دانشجوی دکتری پدین تهران)

بابیان و بهائیان برای بنای آنچه بعدها به عنوان دین و آیین تشریح دادند، به تدریج بناچار به تغییر مبنای مورد پذیرش شیعیان و در مواردی اهل سنت شدند. یکی از این موارد خدین اسلام و به تبع آن ختم شریعت اسلام بود. آنچه این فرق گمراه برای تثبیت خود بدینسان متوسل شدند، در دو بعد تاریخی و الهیاتی نمودور بود زیرا کرد. در این مختصر نخست روایات تاریخی نسخ شریعت اسلام توسط ایشان و سپس تبیین الهیاتی ایشان را بیان می‌کنیم. در دینی و عدم اسراج مبنای عقیدتی و ناسازگاری تعبیری بیرون این فرق گمراه، خوانندگان منصف را از گروانه نقدی بی‌نیاز می‌کند.

### بدشتر، منتقل نسخ شریعت اسلام

پس از دست‌نگیری از مسجد بایب و انتقال او به قلمه جهریق، گروهی از بیرون از طبقه لایه‌لایه و به سرکردگی افرادی مانند حسین علی نوری محمدعلی بارقوشی و قاضی بهرعلی برای آزادسازی او عازم ماکو شدند تا با تبلیغ برای او بتوانند مردم را علیه حکومت مشروطه سرانده، حکم از آیدی باب را بگیرند. در این مسیر ایشان به حلیه نام بدشتر رسیدند. بدشتر مصاصبت‌هایی این سه سرکرده کم‌حیاط بدشتر گمانی برخی از بیرویان فراهم آورد و بدشتر را به سوی محل نقاب بابیان خوش‌تر استخاب کرد. بدشتر بارقوشی ملقب به قدوسی، نوری و آفتاب بهیاله و بهرعلی به طاهره و قره‌الین ملقب شدند.

پس از دست‌نگیری از مسجد بایب و انتقال او به قلمه جهریق، گروهی از بیرون از طبقه لایه‌لایه و به سرکردگی افرادی مانند حسین علی نوری محمدعلی بارقوشی و قاضی بهرعلی برای آزادسازی او عازم ماکو شدند تا با تبلیغ برای او بتوانند مردم را علیه حکومت مشروطه سرانده، حکم از آیدی باب را بگیرند. در این مسیر ایشان به حلیه نام بدشتر رسیدند. بدشتر مصاصبت‌هایی این سه سرکرده کم‌حیاط بدشتر گمانی برخی از بیرویان فراهم آورد و بدشتر را به سوی محل نقاب بابیان خوش‌تر استخاب کرد. بدشتر بارقوشی ملقب به قدوسی، نوری و آفتاب بهیاله و بهرعلی به طاهره و قره‌الین ملقب شدند.

پس از دست‌نگیری از مسجد بایب و انتقال او به قلمه جهریق، گروهی از بیرون از طبقه لایه‌لایه و به سرکردگی افرادی مانند حسین علی نوری محمدعلی بارقوشی و قاضی بهرعلی برای آزادسازی او عازم ماکو شدند تا با تبلیغ برای او بتوانند مردم را علیه حکومت مشروطه سرانده، حکم از آیدی باب را بگیرند. در این مسیر ایشان به حلیه نام بدشتر رسیدند. بدشتر مصاصبت‌هایی این سه سرکرده کم‌حیاط بدشتر گمانی برخی از بیرویان فراهم آورد و بدشتر را به سوی محل نقاب بابیان خوش‌تر استخاب کرد. بدشتر بارقوشی ملقب به قدوسی، نوری و آفتاب بهیاله و بهرعلی به طاهره و قره‌الین ملقب شدند.

ادعای خویش مشروعیت قائل شد.

### تفسیر آیات قرآن در توجیه نسخ شریعت اسلامی

برخی از بیرویان خویش حسنیت علی نوری، بعدها با مشاهده تناقضات درونی ادعای نسخ شریعت با آیات و روایات صریحه، اقدام به تحریف معنای برخی از آیات قرآن در نریل به مقصود خویش کردند. مهم‌ترین ابی‌های که ایشان برای اثبات ادعای خود بدینان تمسک جستند اینها به پنج مورد سوره جد است: «بِذکرِ الْأَمْرِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْأَرْضِ ثُمَّ نِعَاجَ لِهَيْبِ يَوْمَ يُقَادَرُ لَهُ الْفَتْهُمُ مِمَّا تَعْمَدُونَ». بهائیان در تفسیر این ابی‌ها بر این باورند که مراد از قرآن این ابی‌ها، بدین مذهب است، تدبیر نیز به معنای فرستادن دین و عروج به معنای برداشتن و نسخ دین است. بنا بر این در مذهب پیش از هزار سال نمی‌تواند عمر کند و باید جای خود را به مذهب دیگری بدهد و طبق قرآن پس از گذشت هزار سال، مذهب دیگری خواهد آمد. «علاوه بر این ابی‌ها، به آیات دیگری از قرآن نیز تفسیر این ۷۸ ابی سوره اسراء: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لَدُلُوكَ الشُّعْبِ الْإِنِّ عَشَقَ اللَّيْلِ» استناد جستند و امر به اقامه نماز را تا سال ۱۲۶۰ م متبرین می‌شمارند یعنی عشق لیل به معنای سال ۱۲۶۰ است.

### جرح و تعدیل

برخی نقل‌احادیث ایشان آنچنان درباره نسخ شریعت اسلام طرح کرده‌اند، در اینجا به مختصر به اختصار بر ادعای تاریخی و الهیاتی ایشان می‌پردازیم. به لحاظ تاریخی باید متذکر شد که مخالفت غالب قریب به اتفاق بیرویان علی محمد باب با این ادعای طاهره و بهاء در زمان و محکوم شیعیان است. در تاداد، دلیل روشنی بر بدعت طاهره و بهاء است. از نظر الهیاتی نیز مفسران شیعه و سنی به مخالفت با این تفسیر بهائیان و بابیان درباره نسخ شریعت پرداختند. تمامی مفسران مسلمان این ۷۸ ابی سوره اسراء را به معنای نزول طاهره ایشان دانستند. «زیر این پنج ابی سوره سجده نیز به تفسیر این معنی ترویج امر به این معنای دین و مذهب، و به عروج را به معنای نسخ قرغه‌اند». علاوه بر همه این مباحث لفظی، ایراد بدشتر در محاسبه تاریخ ایشان است که از آغاز دین اسلام تا ظهور فرق بهایی ۱۲۶۰ سال گذشته است و نه هزار سال. ایشان به اشتباه با این عمده این تاریخ از زمان غیبت امام زمان عجله محاسبه نمودند تا بدینساند مبنای ساختگی بر وی خویش جعل کنند.

### پی‌نوشت:

۱. شیخ انوری، عقاید و عقاید، ص ۲۵۵.  
 ۲. علی‌احمد، مفاتیح‌الایان، القیود، بقاهره، مکتبه‌التحقیقه، ص ۱۷۳ (۱۷۳۷).  
 ۳. نبوی، مدهای مذهب‌ها، ترجمه تفسیر لسان‌هم، دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین قم، زمستان ۱۳۷۷، ص ۲۴۲.  
 ۴. بابای احمدی، برگزیده تفسیر سوره نهران، دارالکتب‌الاسلام، (۱۳۷۳)، ج ۳، ص ۵۷.



## افتخار این کشف برای باب و پیروانش است!!

محمد حسن جویبویی (دانشیار و دوکشته‌سابقه عالی‌جناب)

اجرای ساخت‌افزای برنامه کشف حجاب توسط یک قزاق در ایران صورت گرفت؛ اما باز هم مسئولیت کارهای فرهنگ در این زمینه و بخش نوزم اجرای کشف حجاب به بهائیان سپرده شد. «فردین پارسای» که عنوان یک بهائی، نقش بسیار رنگی در ساماندهی و سیستمی کردن اینجمن‌های فمینیستی و زنان بر عهده داشت، وی از چهارچهره رموز در رژیم پهلوی است که در فاصله‌ای کوتاه مراتب ترقی زارده فعالیت‌های مطبوعاتی طی کرد. سردبیری روزنامه اطلاعات و مدیریت مجله «اتفاق تجار» توفا در اینجمن‌های فمینیستی وی و «ایران» از جمله سطوح عالی مطبوعاتی وی به‌شمار می‌رود.

فردین پارسای از یک کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، قدرت‌بیشتری در این رژیم کسب کرد. مطبوعاتی که حمایت مستقیم عبدالکریم ابراهیمی (زینک مخصوص شام) و نیز سپهبد علی محمد دجانی (مقدم عامل هواپیمایی ملسی ایران)، خود را در پیوند با اخبار وی قرار می‌گرفت. بسیاری از اینجمن‌های زنان و مطبوعات حوزه زنان، برای گرفتار شدن بهای مجبور به اجرای نامه‌های وی بودند. همین و بهائیت بود که در دوره بهائیت احساس قدرت می‌کرد و در صدای ترقی‌تند، برنامه‌های استعماری دیکته‌سده غربیان بود. این مسئله در بسیاری از کتاب‌ها و موضوع آمده است؛ مثلاً در جلسه‌ای در شیراز روزیاب‌زادی را فرقه تانید پیشرفت کرده بود. «در ایران و کشورهای سلبات، هر چه بتوانید یا پیروی از مد و تبلیغات ملت‌استعمار را بچینید تا بتوانید خود را نشان دهید تا بتوانید خود را نشان دهید تا بتوانید خود را نشان دهید».

همان‌طور که مشخص است، برای قرن‌ها اینجمن‌ها به حدت باستان‌مادران را سیر استخوانی این مسلمانان از بدعت بهائیان از می‌روند و دنیای حضرت بهائیه الهی رونق می‌گیرد!

به راستی چرا بهائیت عهددار این مسئولیت خطیر شده است؟ اگر اندکی به گذشته بازگردیم

این مطلب روشن می‌شود که سران بایب و سپس بهائیت، از همان ابتدا تمام فشار تبلیغی خود را بر پایه حذف حجاب از چهره زنان مسلمان گذاشته بوده‌اند.

تمام ادیان جهان، زنی را به عنوان نمونه‌ی دنیسالی به بیرون خود معرفی می‌کنند که در مشرق‌زمین برای برگزیدن برای آن روز و بدین است. سران فرق‌ها، قلمه بایب هم، پس از ظهور بنیان گذارش، سعی کردند که زنی را با همین طرح الگو قرار دهند. صد البته این زن الگویی است متمایل به فساد، جسور در کشف حجاب و توانا در ایجاد بدست‌چهره در میان بیرویان. قرعه به نام «قره‌الین» یا نیز تاج قرونی درآمد که سخت دلپسته و شیفه بایب شده بود که از هیچ کاری برای تبلیغ تبریع نمی‌کرد. گستاخی از زن نسبت به اسلام به‌قدری زیاد بود که در همه شهر با قدر با اعتراض مردم مواجه می‌شد که ولی‌ها چه جرات می‌کنند که اوج کار وی به «بدشتر» و کشف حجاب وی جلوی دیدگان سحر و متعجب بابیان بود.

پس از جریان بدشتر، برخی بیرویان به نام‌های حجاب حفظ مخصوص زنان پیامبر می‌گویند. مسلمانان مکلف به انجام آن هستند. در هیچ زمان و موقعیت مکانی نسخ نمی‌شود. در پایان داستان این نکته‌ی کلیدی است که بهائیان روز ۱۷ و یا همان روز کشف حجاب را، روز زوال حجاب می‌دانند که خوبی می‌دانند که عادت قدیمه حجاب برای مردم و روشنفکر جهت اینکه مبادا با کشف حجاب در راه علم و ذوق تعصب و طریقت مخافتان را برانگیزد تا انسانین به شوخ با مسکوت گذاشته‌اند.

نظر به قدیمش محترم است، و اگر این عادت به عکس جاری شود موجب اصلاح اخلاقی فاسد شهرهای ما خواهد شد»؛ و اینکه «هر چند زنان بهائی به خوبی می‌دانند که عادت قدیمه حجاب برای مردم روشنفکر گریز از رحمت فرستاست مع ذلک از جهت اینکه مبادا با کشف حجاب در راه سلام طرفان تعصبات و ضللت مخافتان را برانگیزد، بنابراین این موضوع را مسکوت گذاشته‌اند. اما با این حال خود محمد علی با اعتراف کرده که «حلال محمد حلال است نوز قیامت و حرام او حرام است نوز قیامت»؛ «طبق تصریح آیات قرآن و روایات صحیح، حجاب مسلمانان و نیز در این گذشته واجب بوده است. خوانند در قرآن کریم می‌فرماید: «ای پیامبر به زنان و دختران و به زنان مؤمنان بگو پوشش‌های خود را بر خود فرود نیاورید، این برای آنکه شناخته شوید و مورد آزار نگردید» (احیاء) دیگر تکرار است و خدا مرزنده مهربان است».

نیز این ۳۱ سوره نور که اشاره به احکام پوشش و حجاب در شان مسلمانان هستند این مطلب است که محارب حفظ مخصوص زنان پیامبر می‌گویند. مسلمانان مکلف به انجام آن هستند. در هیچ زمان و موقعیت مکانی نسخ نمی‌شود. در پایان داستان این نکته‌ی کلیدی است که بهائیان روز ۱۷ و یا همان روز کشف حجاب را، روز زوال حجاب می‌دانند که خوبی می‌دانند که عادت قدیمه حجاب برای مردم و روشنفکر جهت اینکه مبادا با کشف حجاب در راه علم و ذوق تعصب و طریقت مخافتان را برانگیزد تا انسانین به شوخ با مسکوت گذاشته‌اند.



هر چند زنان بهائی به خوبی می‌دانند که عادت قدیمه حجاب برای مردم و روشنفکر جهت اینکه مبادا با کشف حجاب در راه علم و ذوق تعصب و طریقت مخافتان را برانگیزد تا انسانین به شوخ با مسکوت گذاشته‌اند.





# قلب بهائیت در بدن اسرائیل!!



امروزه بیت‌المقدس قلبت‌هایت جامعه جهانی بهائیان را هدایت می‌کند. بهائیان بیت‌المقدس را به عنوان هیئت مرکزی و رأس قانون‌گذاری نظم اداری خود قلمداد می‌کنند.

بهائیان‌الله به همراه خانواده و بعضی از پیروان در تابستان سال ۱۸۶۸ م به شهر حاکه وارد شدند. در آن زمان عکا شهر شیعی بود و جایگاه حرمین بهائیان‌الله در سال ۱۸۹۰ م هلاله مرکز شد. جهانی بهائیان را در شهر حیفه مجاور شهر حاکه تأمین کرد. از امگاهوی، اکنون در شهر حاکه عکاست. از این رو، این شهر زیارتگاه بهائیان است. پی از عبدالعلاء (عباس افندی)، این شهر زیارتگاه بهائیان است. حمله‌های متشعب به بهائیت، تنها جناح شوقی راه به «سیمت نامت» شناخت. تمامی اختلافات بین شاخه‌های مختلف با هم تفاهت یافته که در مسئولان اسرائیلی، یک یک به نفع جناح شوقی تلگشت.

بعاد در گذشت شوقی افندی با ابدان امرالله به مدت شش سال رهبری جامعه جهانی بهائیت را بر عهده گرفت. تا اینکه در سال ۱۹۶۳ اولین انتخابات بیت‌المقدس را برگزار شد و مؤسسه مقر این تأسیس گشت. مقر این مؤسسه به بروی دامنه کوه کرم به نام «هلاله» است که بهائیان‌الله ۱۸۹۰ میلادی در طی لوح اولیاد دووسه‌بوی بهائیت

## از امگاه‌الله در عکا



۱۸۶۸ م که میرزا حسنعلی‌نوری (بهائیان‌الله) و همسرانش به بندر عکا منتقل شدند. پیوند بهائیان با کانون‌های متعدد بههودی غیر تداوم یافت و مرکز بهائیانگی در سرزمین فلسطین و اهلی بر برای بهائیانگی از عملیات ایشان و شرکتیان در دستگام‌تعمیری بر تپا می‌باشد شد. این پیوند در ریاست عبدالعلاء، تداوم یافت. در این زمان بهائیان در تحقق راهبرد تأسیس



شوقی افندی رهبر سوم فرقه بهائیت

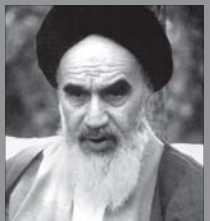
تولد پیود در فلسطین، که از دهه‌های ۱۸۷۰ و ۱۸۸۰ م آغاز شده بود، با جدیت شرکت کردند و این تلقی در اسناد ایشان بازتاب یافت. در سال ۱۹۴۷ سازمان ملل کمیته‌ای را برای رسیدگی به مسئله فلسطین تشکیل داد که شوقی افندی در ۱۴ جولای همان سال طی نامه‌ای به رئیس کمیته می‌رور بر مطالب جالب توجهی از علایق مشترک که بهائیت و صهیونیسم به فلسطین تأکید ورزید: «تنها بههودیان هستند که علاقه آن‌ها نسبت به فلسطین تا اندازه قابل قیاس با علاقه بهائیان به این کشور است. زیرا که در او شلیم، بقایای مبدع مقدشان قرار داشته و در تاریخ قدیم، این شهر مرکز مؤسسات مذهبی و سیاسی آنان بوده است.»

شوقی افندی در پیام نوروز ۱۳۳۰ نیز نظر مثبت خود را بر ابراهون تأسیس اسرائیل این چنین تصریح کرد: «مصداق علاقه به ایبا، خلیل و وراثت کلیم، طاهر و باهر، ودولت اسرائیل در ارض اقدس، مستقر به استقلال و اصالت امین.» بدین ترتیب شوقی افندی به عنوان «مبتکر ارتباط صمیمانه با اسرائیل» پس از تأسیس این رژیم، روابطی را با آن بنا نهاد که فصل مشترک آن، حمایت و اعتماد دو جانبه بود. بر همین اساس باجماعت کامل دولت اسرائیل، شوقی اسات‌های گوناگونی گرفت و بر مخالفان خوش خلق آمد. دولت اسرائیل از بین همه تله‌های متشعب به بهائیت، تنها جناح شوقی راه به «سیمت نامت» شناخت. تمامی اختلافات بین شاخه‌های مختلف با هم تفاهت یافته که در مسئولان اسرائیلی، یک یک به نفع جناح شوقی تلگشت.

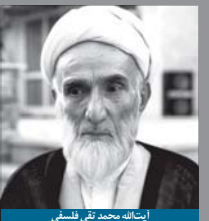
بعاد در گذشت شوقی افندی با ابدان امرالله به مدت شش سال رهبری جامعه جهانی بهائیت را بر عهده گرفت. تا اینکه در سال ۱۹۶۳ اولین انتخابات بیت‌المقدس را برگزار شد و مؤسسه مقر این تأسیس گشت. مقر این مؤسسه به بروی دامنه کوه کرم به نام «هلاله» است که بهائیان‌الله ۱۸۹۰ میلادی در طی لوح اولیاد دووسه‌بوی بهائیت

# مرد شماره یک مبارزه علیه بهائیت

محمد ابراهیم اکراشانی از شادایان



آیت‌الله محمد تقی فلسفی



آیت‌الله بورجری



آیت‌الله بورجری

از مهم‌ترین ماهیات شکل‌گیری بهائیت، بر اندازی ایندولوی اسلامی بود. آنها انجلی سنت‌ها و رسوم غیراسلامی مثل جشن گرفتن در سال روز شرف حجاب راه‌اندخته بودند. از مهم‌ترین اقداماتشان حمله به معارف اسلامی و مقهور کردن احکام بهائیان بود.

مبارزه علیه بهائیت با آیت‌الله بورجری شروع شد. در اسفندماه که درباره کیفیت ماره‌ها با بهائیان آوی شده، ایشان نوشتند لازم است از منکر کفر و باطنی به این فرقه معاشرت و معامله سرتنگ کنند. همچنین آیت‌الله بورجری بارها به شاه گفته بود که سلسله‌های بهائیان را تعطیل باید باشد. آن دوران تنها یک بار موفقیت بهائیان به فرآیند افکار و زمانی بود که مدتی فلسفی حملات شدیدتری را علیه بهائیان شروع کرد. فلسفی به دستور آیت‌الله بورجری، در رمضان ۱۳۳۳ در مسجد شاه به سخنرانی علیه بهائیان پرداخت. این سخنرانی‌ها موجب اعتراضات راه علیه بهائیان به وجود آورد. این کار به مذاق درباریان ناپسندید. چایی که آیت‌الله علم‌به فلسفی زنگ زد، دوباره اعتراضات کرد.

بعاد یکی مبارزه رژیم پهلوی مانع تبلیغات شیون جلوی سخنرانی‌های فلسفی را گرفت. آیت‌الله بورجری در اسفندماه سخنرانی کرد و برخی افراد که علیه بهائیت تبلیغ می‌کردند دستگیر شدند. در نفع بهائیان خاص، هنگام بدبینی مردم نسبت به شاه و اعمال او، شاه برای مذهبی جلوه دادن خود استفاده از چو مذهبی به نفع خود، اجازه مبارزه و تبلیغات علیه بهائیت را می‌داد. از آن به بعد، زوایای نامگاران و نویسندگان نیز اجازه انتقاد مستقیم از مسائلی که در ارتباط با بهائیت

بود را داشتند. از سردبیران و ناشران تهدید گرفته شد که هیچ کس مسلمانان حمایت می‌کند. دوران قدرت آید، تماد بهائیان در ایران سه برابر شد. امام بر این اعتقاد بود که بهائیت مملول و جود بود. از امور اجتماعی به دست آمده. لذا حرکت سندیاتی‌اش را شدت بخشید. دولت نوعی بعضی از قوانین اسلام را در امور با هم و تحت عنوانی خاص شروع کرد. امام با هشاری تمام، متوجه خطر شد و به صورت فعال وارد صحنه سیاست کشور گردید. امام علیه‌الفرق کار را با کمیت بهائیان به سر نوشت این آریزایی می‌کرد، با فرآیند افکار و زمانی بود که مدتی فلسفی ایشان را در ۱۳۳۱ نخستین پیام از خطاب به مردم صادر کرد که طبق آن اعلام شد قرآن و اسلام در خطر است. استقلال مملکت و اقتصاد آن در معرض فضا صهیونیست‌هایی است که در ایران به نام بهائیت ظاهر شده‌اند. امام در بهشت سخنرانی‌های خود از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۳ در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۳۳ اعلام کرد که مردم با باهوتی و کافر و نجس هستند و ادواج با آنها جایز نیست و به حمام مسلمان نباید وارد شوند. امام در جمع روحانیون و مردم گفتند که دولت می‌خواهد، به دست بهائی‌ها ایران را از بین ببرد.

همزمان با این مبارزات تلاش به نفع بهائیان در دهر بهر می‌زد. شاه امر عباس هوندا نفوذ بهائیان در تمام سلطوح مذهبی کشور را به حد کمال گسترش داد. همچنین برخی از دوستان نزدیک شاه نیز بهائی‌ها را و ترمیم صهیونیستی‌ها بر خوردار بودند. کریم ایادی که مهم‌ترین این افراد است،

و حامی اصلی بهائیان ایران بود آنها را برابر فشار مسلمانان حمایت می‌کند. دوران قدرت آید، تماد بهائیان در ایران سه برابر شد. امام بر این اعتقاد بود که بهائیت مملول و جود بود. از امور اجتماعی به دست آمده. لذا حرکت سندیاتی‌اش را شدت بخشید. دولت نوعی بعضی از قوانین اسلام را در امور با هم و تحت عنوانی خاص شروع کرد. امام با هشاری تمام، متوجه خطر شد و به صورت فعال وارد صحنه سیاست کشور گردید. امام علیه‌الفرق کار را با کمیت بهائیان به سر نوشت این آریزایی می‌کرد، با فرآیند افکار و زمانی بود که مدتی فلسفی ایشان را در ۱۳۳۱ نخستین پیام از خطاب به مردم صادر کرد که طبق آن اعلام شد قرآن و اسلام در خطر است. استقلال مملکت و اقتصاد آن در معرض فضا صهیونیست‌هایی است که در ایران به نام بهائیت ظاهر شده‌اند. امام در بهشت سخنرانی‌های خود از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۳ در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۳۳ اعلام کرد که مردم با باهوتی و کافر و نجس هستند و ادواج با آنها جایز نیست و به حمام مسلمان نباید وارد شوند. امام در جمع روحانیون و مردم گفتند که دولت می‌خواهد، به دست بهائی‌ها ایران را از بین ببرد.

همزمان با این مبارزات تلاش به نفع بهائیان در دهر بهر می‌زد. شاه امر عباس هوندا نفوذ بهائیان در تمام سلطوح مذهبی کشور را به حد کمال گسترش داد. همچنین برخی از دوستان نزدیک شاه نیز بهائی‌ها را و ترمیم صهیونیستی‌ها بر خوردار بودند. کریم ایادی که مهم‌ترین این افراد است،

شماره ۱۶۴  
پیشین  
۱۳۹۱

۱. صخفه امام، ص ۱۰۳.
۲. جشنواره عروج جمعیت، ص ۱۰۳. جریان و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، ص ۱۶۹. تاریخ عقاید انقلاب اسلامی، ص ۱۵۶. ظهور و سقوط مشائخ‌نویان، ص ۱۰۳.
۳. فرار و فرود آمدن بهائیان، ص ۱۰۸. صخفه امام، ص ۱۰۳.
۴. بهشت امام خمینی، گفتار اول، ص ۱۰۸.
۵. بیان امام به یک مسأله فلسفی، ص ۳۰. بهشتیان، ص ۴۰.
۶. ۱۴۰۰ معانی هوندا، ص ۱۰۸. ظهور و سقوط مشائخ‌نویان، ص ۱۰۳.
۷. ۱۳۹۱، ص ۲۰۲.
۸. سه ماه روشن‌نگاری، ص ۱۰۳.
۹. بهائیان، ص ۱۰۳. استنادات علمی، ص ۱۰۳.





## امامت در روایات

رخساکاظمی را با دانشجوی دکتری ایران

«ای تارک فیکم التقلین کتاب الله و عترتی ما ان تمسکتهم بهمان تفضلوا»

یکی از مهم ترین احادیسی که به طور متواتر از رسول خدا ﷺ نقل شده و به یادگار مانده، حدیث تقلین است. این حدیث دلالت مستقیمی بر تلاموس راه ان حضرت از طریق اهل بیت ایشان دارد. روزی پیامبر اکرم ﷺ بالای منبر رفتند و پس از حمد و شای الهی فرمودند: «ای مردم گویا من ایه سوسی پروردگارم ادعوت شما هم و به زودی ان را اجابت خواهم کرد. من در میان شما دو چیز گران قدر به جای می گذارم کتاب خدا و عترت. همان کتاب است. تا زمانی که به ان دو تمسک کنید هرگز گمراه نخواهید شد. [معارف و معالم دین را از ایشان بیاموزید. زمین هیچ گاه از آنان خالی نمی ماند و اگر چنین شود اهلش را از بین می برد.]. اگر هیچ سند و مدرک دیگری اعم از ایه و روایت در اختیار شیعه نبود، همین حدیث شریف از پیامبر ﷺ کفایت می کرد تا ادعاهای بهائیت را پاسخ دهد. مهم ترین دلیل انحراف بهائیت از صراط مستقیم، عدم تمسک به اهل بیت ﷺ و پیروی نکردن از قرآن و اهل بیت این دو گوهر گران بها بود. در واقع است که هر کس از مسیر قرآن و اهل بیت ﷺ روی برگرداند، به انحراف و گمراهی کشیده خواهد شد. حدیث غدیر نیز از مسلمات تاریخ اسلام است که در آن پیامبر اسلام ﷺ، حضرت علی ﷺ را به عنوان جانشین خود برگزیدند. پس از واقعه غدیر است که خداوند می فرماید: «لایوم اکملت

لکم دینکم و انتمت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا. امروز دین شما را کامل و نعمت را بر شما تمام کردم»<sup>۱</sup>. آخرین حدیث این نوشتار به صراحت هر گونه مدعی نبوت را بدعت گذار و کذاب معرفی می کند؛ پیامبر ﷺ می فرماید: «ایها الناس انه لانی بعدی و لاسنه بعد سنتی؛ یعنی ادعی ذلک فذغوا و بعد عنی. ذلک النار، فاقنوه و من تبعه فانه فی النار»<sup>۲</sup>.

حسینعلی نوری بنیانگذار فرقه بهائیت دست به تاولی تفسیر و توجیه آیات و روایات بر اساس پندارهای خود زده است. برای مثال لودر معنای خاتمیت گفته است: «در این رتبه، اولویت، نفس احریت و آخریت، نفس اولویت باشد و اگر بصر حدید یافت شود، مشاهده می نماید که مظهر اولویت و آخریت و طاهریت و باطنیت، این ذوات مقدسه و ارواح مجرد و انفس الهیه هستند»<sup>۳</sup>. در این عبارت، او تفاوتی میان اولیت و آخریت قائل نمی شود. یادآور توجیه دیگری می گوید: «هر پیغمبر، نسبت به پیغمبر قبل از خود، آخرت نسبت به پیغمبر بعد از خود اول است». هر دوی این توجیهات، کاملاً سطحی و معالطه آمیزند که با اهداف محکم مبنی بر خاتمیت قدرت مقابله ندارند. به طور کلی بهائیان بزرگی پاسخ به پرسش های بی شمار مردم است که نتوان آن قطعی بودن ختم نبوت و رسالت نزد آنها دارد، توجیهاتی خلاف واقع بیان می کنند که بطلان آنها واضح و مبهرهن است.

### پی نوشت:

۱. اجزای، ۴.
۲. گروه پژوهش و آموزش محمد: خاتمیسم ایران، تهران: گوی (۱۳۸۲)، ص ۲۲.
۳. فلاحتی، محمد: فاطمی ایام مهدی، دیندار با تاریکی، تهران: غدیر (۱۳۸۲)، ص ۲۱۴.
۴. آل عمران، ۸۴.
۵. آل عمران، ۸۴.
۶. بروکلی، محمد: یک کشف جمعه در ساری، نشر موقف (۱۳۸۲)، ص ۱۱.
۷. بهائیان می گویند چون از نظر عقل، اوم وجودی و شهودی معانیات بهائیان، با باطن و خاتمیت و اقصای باطنی دربار عام جدید شریعت ثابت می شود (روحی و روشنی، خاتمیت دربار عام جدید علی بن ابی طالب) ص ۱۰۷-۱۰۸ (پی ۸).
۸. مجلسی، محمد باقر: بحار انوار و بیروت، موسسه الوفا (۱۳۴۲)، ج ۱، ص ۳۳۳.
۹. مقاله ۲.
۱۰. موسوی، ابی جعفر: حدیث جنین من لحم من عذوق، قوم، موسسه سوره، رامهرمز (۱۳۷۷)، ج ۱، ص ۱۶۳.
۱۱. نوری، حسینعلی، ایقان، نشر فرهنگ اسلامی، قم، (ص ۱۲۱) ص ۱۲۷.

## معرفی کتاب

رواق | کتابخانه مسجد

فلمنه سادات میررحیمی

فلاحتی، حمید و فاطمی نسا، مهدی: دیدار با تاریکی، نقد و بررسی عقاید، احکام و تفاسیر فرقه ضالاه بهائیت، تهران: عقاید (۱۳۹۰). این کتاب در دره فرقه ای ضالاه بهائیت و نقد و بررسی عقاید پیروان آن به نگارش در آمده است. نویسندگان، کتاب را در چهار فصل تألیف نموده اند که هر فصلی به اقتضای مباحث مربوطه، شامل چندین بخش است. فصل اول در معرفی رهبران بابیت و بهائیت، پیدایش این انحراف، اقدامات و تشکیلات بهائیت است که بیشترین حجم کتاب را به خود اختصاص داده است. در این فصل زندگی خود اسطخعی و معالطه آمیزند که با اهداف محکم مبنی بر خاتمیت قدرت مقابله ندارند. به طور کلی بهائیان بزرگی پاسخ به پرسش های بی شمار مردم است که نتوان آن قطعی بودن ختم نبوت و رسالت نزد آنها دارد، توجیهاتی خلاف واقع بیان می کنند که بطلان آنها واضح و مبهرهن است.

فصل اول در معرفی رهبران بابیت و بهائیت، پیدایش این انحراف، اقدامات و تشکیلات بهائیت است که بیشترین حجم کتاب را به خود اختصاص داده است. در این فصل زندگی خود اسطخعی و معالطه آمیزند که با اهداف محکم مبنی بر خاتمیت قدرت مقابله ندارند. به طور کلی بهائیان بزرگی پاسخ به پرسش های بی شمار مردم است که نتوان آن قطعی بودن ختم نبوت و رسالت نزد آنها دارد، توجیهاتی خلاف واقع بیان می کنند که بطلان آنها واضح و مبهرهن است.

شماره ۱۶۷  
دوره ۵  
۱۳۹۷  
سرویس محراب



## شبکه گفتمان اجتماعی

در کنار شبکه های اجتماعی که در دنیا وجود دارد از مسجدهای توان به عنوان تنها شبکه ای یاد کرد که در آن تمام اقسام جامعه از بی سواد و بی سواد سیاسی و غیر سیاسی، هوش و از هر نوع مشاغل در آن حضور دارند. ولی تفاوت اصلی آن با سایر شبکه ها در این است که محور اصلی مباحث در مسجد بر پایه اخلاقی است. ایجاد گفتمان در بین مخاطبان مسجدها استفاده از نظر فرقی فکری و عملی است که در این شبکه توان بدین تمام مباحث اجتماعی مسجدها و نوز قائل نشان دهد. طرح مسائل و معضلات اجتماعی مانند فقر و فحشا، پول شویی، رباه، سرکشی، پوشش نامناسب، ادبیات رایج و... و تشکیل جلسات فکر جهت ارائه نظرات و پیشنهادات به همراه استفاده از اسنادی مطرح جهت کارشناسی نظرات در ایجاد فضای مفاهیم فکری در بین اعضای محل و ایجاد حس مسئولیت در بین آنها و متزی باشد.





شماره ۱۶  
مهرماه ۱۳۹۱

### جذب می‌شوند؟

مگر یک جوان یا جوانی چه می‌خواهد؟ گاهی ما می‌خواهیم جذب کنیم، خوراک فکری و فزونی برای جوان‌ها نداریم. هرگز در این ارتباط، که هست ارائه کنیم، جوان جذب می‌شود. باید رای گرفته است، چگونه با جوان برخورد کند، در خودش در مقطع کارشناسی ارشد درس می‌خواند، در حوزه در سطوح بالاتری آن درس می‌خواند، روزی که کمریند مسکنی دار، دیگران تو جوان چه می‌خواهد؟ اگر مری اخلاق خوبی داشته باشی، تو جوان و جوان با او دوست خواهد شد و مری نقش یک الگو و راهنما را بازی خواهد کرد. تا مری ویژگی بازاری نداشته باشد، جذب صورت نمی‌گیرد.

### مدارس تحت پوشش مسجدها چگونه تأسیس کردید؟

این جریان تشکیل گروه‌ها داشت تا سال ۸۲ ما توجه شدید کردیم که در مدارس مختلف سخت است، دست مری مدرسه اگر مری خوشش بیاید می‌گویی یا اگر خوشش نیاید می‌گوید. معلوم نبود مدارس مختلف از مساجد مری برای تدریس بخواهند، به فکر افتادیم یک مدرسه درست کنیم، طرح نوشتیم و به جاهای مختلف ارائه کردیم. همه گفتند شما روید، پول ما شما را پشتیبانی می‌کنیم، ما فکر می‌کردیم آنها ما را از نظر مالی کمک می‌کنند. ما همه جوان بودیم و اصلاً پول نداشتیم. برای مدرسه یک ساختمان ۱۹۰ میلیون تومان قول نامه کردیم، یک چک ۱۹۰ میلیونی دادیم، بقیه پول را هم هر طور بود جور کردیم؛ البته ما که نه خدای خود را

با ۱۱۰ دانش آموز مدرسه راه‌آهن کردیم. مدرسه جاشکی داشت مثل مسجد و تک کلاس‌ها هم بود. کمبود زمین نبود، زمین داشت. لباس مخصوص بچه‌ها هم در آن مجراب سفید و شلوار سرمه‌ای بود. خیلی آن بچه‌ها

مسجد زندگی می‌کردند، نحوه رفتار و گفتار و عبادت و زندگی و سلوک مری خود را می‌دیدند و یاد می‌گرفتند. اگر باز هم علاقه‌مند بودند برای شان کلاس گذاشته می‌شد و همین طور تا مراتب بالاتر هنوز هم مسیر تربیتی مسجد صفا این طور است. (اینجا باید که من به جواب اولین سؤال در مورد مسجد صفا رسیدم؛ اینکه چرا تعداد نمازگزاران جوان مسجد از میانسالان و پیرمردهای محترم بیشتر است).

**طرح تربیت جوان‌ها چگونه اجرا می‌شود؟**  
برای تربیت جوان‌ها هر دو، سه سال بچه‌ها را گروه‌بندی می‌کردیم؛ بر اساس سن افراد این گروه‌ها تشکیل می‌شد. برنامه‌های مختلفی برای هر گروه اجرا می‌شد. بعضی برنامه‌ها برای نامیه‌ها مستمر و همیشگی است. هر گروه مری ای دارد و با بچه‌ها کار که نه «زندگی» می‌کنند. ما استاد در نظر نگرفتیم؛ چون استاد درس می‌دهد و می‌روند اما مری آموزش می‌دهد و همه چیز را در زمینه‌های مختلفی که مدنظر دارد پرورش می‌دهد.

گروه‌هایی که قدیمی‌تر هستند خودشان مری بچه‌های چندتری می‌شوند؛ مثلاً بچه‌های صفای سه، مری صفای هفت هستند که شش-هفت سال اختلاف سنی دارند البته طی مراحل مری‌گری بسیار سخت است. از سال سوم راهنمایی جذب بچه‌ها آغاز می‌شود. بیشتر مری‌ای کارمان بر اساس جذب بچه‌های راهنمایی بود. جذب به وسیله مری‌ایان پرورش در مدارس صورت می‌گرفت. این بچه‌ها تا پنج و شش سال‌ها بعد از آن با مسجد ارتباط دارند یعنی با مری‌شان از تیما دارند. اینجا یک جامعه کوچک است.

### این جذب چگونه است؟ چگونه بچه‌ها

حاج آقا علوی امام جماعت مسجد صفا است. در سال ۱۳۱۴ در بیرجند به دنیا آمده است و اجادش روحانی بودند. همانجا به مدرسه رفت و درس دینی را شروع کرد. بعد از آن به مشهد رفت و شاگرد اساتیدی مانند آقای مروی و آقای مهدوی... بود. بعد از آن به تهران و قم آمد و در حدود سال‌های ۵۷۵۶ بود که امامت جماعت این مسجد را در خیابان شهید مدنی تهران به عهده گرفتند.

### اصل بحث مسجد ما

آقای خوانین زاده رئیس هیئت امنای مسجد صفا که هم‌زمان مسئولیت بسیج مسجدران نیز به عهده دارند با روحیه خاص و خستگی‌ناپذیر خود چند ساعت با کمال میل وقت گذاشتند، کنار ما نشستند و با حرارت حرف زدند. اینها همه نشان می‌داد که به هر چه می‌کنند و آنچه در موردش با ما صحبت می‌کنند عشق می‌ورزند و کاملاً اعتقاد دارند.

احراج آقا علوی فرزندی دارد (ما به ایشان حاج آقا علوی کوچک می‌گوییم) که پایه‌گذار امر تربیت جوانان و ایجاد یک جریان فرهنگی در مسجد صفا است. شروع این کار از سال ۶۶ بود و ما چهار نفر به انگیزه انجام کار فرهنگی دور هم جمع شدیم. حاج آقا علوی کوچک که آن زمان متجرح از عملیات کربلای پنج بر گشته بود، دیده که دیلم بود و می‌بهدا، ادامه تحصیل داد. آقای کریمی که پروژه ساخت مسجد را کرد و معماری شده و هر چهارم دوم دبیرستان بود و بعدها با خانم شد.

### شما دقیقاً قصد انجام چه کاری داشتید؟

ما می‌خواستیم جوان‌ها را به مسجد بیاوریم و تربیت کنیم. تربیت به معنای واقعی نه اینکه یک کار برای برای جوان بکنیم، یک کلاس قرآن و احکام و بعد هاشب کنیم به امان خدا. کار تربیتی به این معنا که بچه‌ها و مری‌شان سال‌هاست در این مسجد با هم زندگی می‌کنند. کسانی که در این سال‌ها جذب مسجد شدند هنوز هم در مسجد در سطح خارج گفته است.

در واقع جوانانی که ابتدا دور حاج آقا علوی جمع شدند در مری‌ها اول به خودسازی پرداختند. در آن زمان بیشتر آنها از جبهه بر گشته بودند و هنوز از خراش‌ها و اثرات جنگ با خود داشتند. آنها به عنوان دبیر به دبیرستان‌های پسرانه می‌رفتند. بعضی از بچه‌ها بعد از خود به مسجد می‌آمدند فضای مسجد و حاج آقا علوی و دوستانش را می‌دیدند اگر خوششان می‌آمد می‌ماندند و با مری خود در



### مجراب به گفتگو



## صفای قدمتون

به گوش: علی اصغر غلامی

اصل جریان مسجد صفا این است که متولیان مسجد به آنچه اعتقاد داشتند عمل کردند، آنها معتقد بودند و هستند که تنها نماز خواندن نمازگزاران بدون تربیت صحیح اسلامی کافی نیست. در واقع آنها در مقابل مردم احساس مسئولیت می‌کنند. تربیت به اعتقاد و احساس مسئولیت راه‌اندازی یک سیستم تربیتی در مسجد صفا است.

۳۸

پایه‌های فرهنگی مری‌گری





شده است.

(با خود فکر می‌کنم چه‌جایی که می‌گوید در حد شعار و طرح است و باورش مشکل است؛ بی‌سوال می‌کنم)

**۲ در مورد طرح حتان به صورت جزئی تر توضیح می‌دهید؟ چند در صد طرح مورد نظر تان اجرا شده است؟**

سال اول بچه‌ها معمولاً مسجد نمی‌آیند و هیچ اجبار و نمره و امتیاز خاصی برای مسجد امن نیست. سال دوم یک شب در هفته شب جمعه‌ها را در مسجد می‌مانند. در مسجد یک فضای خاصی را ایجاد می‌کنیم؛ مثل فضای چپه‌های یک جور فضای منوی، بعد از شام قبل از خواب سوره واقعه را می‌خوانند و با وضو می‌خوانند. نیم ساعت قبل از اذان یا یک نوبت خاصی که در نماز شب می‌خوانند بچه‌ها را بیدار می‌کنند. گروه سوم دو شب در مسجد می‌مانند و پیش دانشگای ۴ شب، دانشجویان با طلبه دو شب می‌رود خانه و بقیه اوقاتشان را در مسجد می‌گذرانند. ۲۵ تا ۶۰ درصد طرح‌مان تا کنون اجرا شده است.

**۳ این برنامه چه مزایای انجام می‌شود؟**  
این برنامه‌ها هر شب در مسجد هستند، اینجا گوشه‌ای از برنامه تربیتی ماست. بچه‌ها در مسجد زندگی می‌کنند.

**۴ در مورد دیگر برنامه‌های تربیتی تان بیشتر توضیح دهید**

از دیگر برنامه‌ها ما هارو از است. در سال اول سه چهار روز در ماه اردوی درسی داریم، آخر ترم اول که بچه‌ها تازه وارد آن فضا شدند، بچه‌ها شبانه‌بازی می‌شوند بعضی‌ها اصلاً نمی‌دانند که ملاقات‌ش چیست، می‌بیند که مربی با بچه‌ها به باز و نیاز ایستاده است، خوب بعد از آن برای بچه‌ها صحبت می‌شود.

ما از سال ۱۳۶۷ اردوی هر سه شهید داریم. اولین تمدن‌مان کم می‌بود ۵۰-۵۰۰ نفر می‌رفتیم، ولی دارالسلام می‌نشدیم و قرآن می‌خواندیم، آن سال‌ها هنوز چنین چیزهایی مرسوم نبود که تمدنی جوان سحر بشنوند و آرزو گر به وراز و نیاز کنند. دعا قرآن می‌خواندیم.

مردم جمع می‌شدند و به گریه می‌گریه می‌کردند و راه‌بسته می‌شدند. گویهر شاد بازم به نماز یاد شد و صدای ملاح به خودمان نمی‌رسید. روزی دارالهدایه ساعت دو و نیم هسته می‌شد. شرفیتم و صحبت کردیم و توانستم یک ساعت قبل از اذان برنامه داشته باشم، سال گذشته ۹۲۰ نفر بودیم و امسال ۱۰۰۰ نفر که ۲۲ اسفند شهید بودیم، قبلاً عیدها برای آن نقل می‌رفتیم.

کل مجموعه آقایان و خانم‌ها برای ابرای زیارت همراه خود می‌بریم.

در مشهد یک برنامه منسجم داریم و یک حرم دسته جمعی داریم. همان طور که گفتیم سرچرا رونق دارالهدایه برای مجموعه ما است، بچه‌ها به باز نمی‌بریم، یک چیزی می‌خریم و بین آنها تقسیم می‌کنیم.

اردوی تابستانه هم داریم که در این اردوها فضای عمومی خیلی پرور دارد. در تابستان اردوها تخصصی است؛ مثل شناخت امیرالمؤمنین، بعد از اردو بچه‌ها از یک شناخت نسبی نسبت به امیرالمؤمنین پر خوردار می‌شوند. در اردوی امیرالمؤمنین بچه‌ها را جمع می‌کردیم که فضای خوب صغیر را بیندازیم و از این نوع فعالیت‌ها نمایش، سخنرانی، فیلم و نقد فیلم، در اطراف تهران بچه‌ها خودشان یک اردوگاه ساختند که از آن مکان ما استفاده می‌کنیم.

**۵ برای اهل مالی حامی دارید؟**  
ما حامی نداریم؛ با اینکه خود بچه‌ها استطاعت مالی چندانی ندارند؛ از دوپچه‌هایی گیریم همه چیز برنامه‌ها تمهید بچه‌ها، شام و ناهار و میان وعده‌ها خودمان است. هیچ‌جا از ما حمایت مالی نمی‌کنند. هیچ‌گونه مفازه و یا جایی که از مسجد باشد و ما از طریق آن درآمدی داشته باشیم هم الحمدلله نداریم.

**۶ طرح توسعه مسجد چگونه بوده است؟**  
سال ۱۳۶۸ خلیفه کار مسجد را خریدیم و برای هر گروه‌هاست و هر گروه‌های یک سالن مجزا است. طبقه آخر حوزه است. سال دومی است که این حوزه تأسیس شده است. البته‌ها مقطع دیپلم چندمی بودند؛ از بچه‌های خودمان کسانی که می‌خواهند طلبه شوند انجام می‌روند.



فضای جدید ۴۰۰ میلیون تومان بود. با ۵۰۰ هزار تومان - پروژه است - وقت کنید فقط ۵۰۰ هزار تومان - پروژه است و طبقه آخر حوزه علمیه است.

**۷ چرا اسم سالن شهیدان اشتی است؟**

سالن را می‌خواستیم بزرگ‌ترین بزرگ‌ترین، یکی از بچه‌ها سالن نوم الکربوک بود گفت تریه بلوک طبقه‌ها، ۲۱۰۰ خریدار بود اصح درس خوانده بود. گفته بود تریه‌ها را جایی می‌کنم و جسامی زبیر، در حین کار از بالای آن طبقه افتاد و مرگ مغزی شد و بعد از دنیارفت اسم سالن هم به نام ایشان شد شهید یوسف اشتی، شاید باور نکند برای این کارش نمی‌توانی گرفت.

**۸ کشف این عشق**

سال ۸۹ گفتیم با دو چرخه از حرم امام رضا برویم که چهارده نفر نیت چهارده معصوم، طرح نوشته شد. ما گفتند این طرح را از تخت جمشید - ابراهیم‌زاده - ۲۰ میلیون پول می‌دهیم؛ اما ما قول نگرفتیم، چهار نفر باز دادند؛ شهید تهرانی و اسفهان و بوشهر سوار کشتی شدند تا کویت، یک هفته در کویت ماندند، عربستان اجازه ورود نداد و بچه‌ها گفتند.

بعد از آن حاج آقا گفتند بچه‌های صفای سه اگر لایسنس‌شان را بگیرند مجانی می‌برمشان سوریه. ۱۵۰ نفر لایسنس گرفتند. حاج آقا گفت نفری ۲۰۰ هزار تومان یک ماهه می‌قرض بدهید. یک پینی بوس خریدند و فرستادند رفتند سوریه کل عطر خریدند. هر گشتیم مینی بوس و عطرها را فرستادند. ۲۰۰ هزار تومانشان را پس دادند و ۲۵ هزار تومان هم سود کرد.

اینجا درگیری امام جماعت، بسنج و هیئت امتنا خود نمدار دادای خواینه‌ها داماد حاج آقا، فرمانده یک‌پاکه بسنج و مسئول هیئت امتنا هستند. خود بچه‌ها می‌گویند که ایشان باشد و می‌گویند هماهنگی با ایشان کار ما. ایشان شش‌شش سالان می‌جانی مدیر پسرستان و مدیر مدرسه راهنمایی هستند.





## حقوق مساوی

محمد رضا قرنتی

محور اصلی تعلیم کتابه حکمت تزکیه و تهذیب که بر پایه رسمی پیام‌آور الهی است، گوهر ذات انسان است که موجودی مجرد است. انسان از این جهت تا مدت‌ها است که مؤثر، فرق میان زن و مرد علاوه بر ساختار بدن که ابزار روح است در برخی از شئون نفس مجرد نیز هست. بر این اساس روح مجرد مرد، بعضی اوصاف و بینش‌ها و گرایش‌های خاصی دارد که با تجربه نفس او سازگار است و روح مجرد زن نیز برخی اوصاف

مخصوص به خود دارد. براساس وظایف مشترک زن و مرد نشان خواهد داد که خطوط جامع تعلیم و تربیت که مهم‌ترین رسالت انبیا است، در آنها حضور دارد و نیز برسی وظایف خاص هر یک از دو صنف مزبور نشان خواهد داد که وظایف تخصصی هر یک به منزله شرح معنی جامع و مشترک است و هرگز مایه این با آن نیست، بنابراین اگر برخی از اوصاف مانند عاطفه در زن جلوه بیشتری دارد، نه مایه این با تجربه او، نه صفاتی با هدف مشترک است و نه موجب کاهش جنبه عقلی و علمی است.

زنان به دلیل عاطفی بودن نسبت به مردان تأثیرپذیری بیشتری از فضای معنوی مسجد دارند و زنان در طول تاریخ در مهم‌ترین اهالی مسجد بوده‌اند.

استفاده از زنان در مسجد علاوه بر اینکه از جهت کمی زیادتر است، فایده و نعمات بیشتری نیز دارد چرا که روح معنوی که مسجد به اهل خود عطا می‌کند، در زمان نهادینه می‌شود و در تربیت فرزندان که از وظایف زنان است، مؤثر خواهد بود و فرزندان نیز با همین معنویت بزرگ خواهند شد. معنویتی که روح عبادت و اطاعت الهی است و قرآن آن را دلیل خلقت جن و انس معرفی می‌کند!

**پی‌نوشت:**  
۱. آل عمران، ۱۶۴  
۲. بقره، ۲۲۰



سید مرتضی موسوی

در اسلام مرکز تجمعی غیر از مسجد برای مردم در نظر گرفته نشده است. در طول تاریخ اسلام حتی برای کارهایی که نمی‌توانستند داخل مسجد انجام دهند، مکانی از کنار در ورودی مساجد می‌ساختند که پیوندشان با مسجد قطع نشود. مثلاً احکام قضایا را که موجب خجندی می‌شد، بیرون از مسجد و در کنار مساجد انجام می‌دادند.

چرا این رفتار را می‌توان در این دانست که مسجد با یگانگی مذهبی و باعث تقوا است؛ تقوایی که با بسیاری از گناهان رفتاری و گفتاری جلوگیری می‌کند. همچنین در این مکان اخبار و اطلاعات به صورت صحیح‌تر به گوش بقیه خواهد رسید و در صورت عده‌ای از افراد صالح انجام می‌شود.

این را باید بدین‌گونه که بنا بر آنچه در روایات آمده و به تبع آن بنا بر فتاوی فقهای عظام، در مسجد همه کارها باید مقرب به خدای متعال باشند. پیامبر حتی از ساختن تیر در مساجد نهی می‌کردند؛ زیرا برای کثرت نشان چندان با کفار ساخته می‌شدند. این نشان می‌دهد که کارها در مساجد باید هر چه بیشتر مآزه یا خاندن‌زنگ کنند پس اگر کلامی در مسجد بیان می‌شود، باید مقرب الی الله باشد یا اگر کلامی سرگزار می‌شود، باید برای تقویت دین افراد باشد؛ نه اینکه مقدمه‌ای برای جذب باشد و بعد از آن دین، خنثا آموزش دهدیم.

اینجا نشانه‌هایی از نقش رسانه‌ای مسجد است که بدون مقدمه قریب و بعید مآزه، حق و حقیقت نزدیک می‌کند. علاوه بر این، مسجد بهترین رسانه است. در طول تاریخ هر گاه می‌خواستند، سخنی یا عملی را علنی کنند، ابتدا در مسجد اعلام می‌کردند و عمل و نصیبه‌های حکومتی را در این مکان مقدس اعلام می‌کردند. حتی امیرالمؤمنین علیه السلام هنگامی که بعد از سه خلیفه، قرار بود به خلافت برسد، فرمود: در مسجد بیعت می‌کنیم و بیعت مخفیانه نداریم.

اینکه در میان همه بزرگواران تن فرصت حکومت یافته و خواهند یافت، یکی امیرالمؤمنین علیه السلام و یکی هم امام زمان علیه السلام و هر دو تن مرکزیت حکومتشان

# مسجد رسالت

مسجد است، نشان دهنده این است که فرصت اطلاع‌رسانی سخنی در این مرکز دینی فراهم است که می‌توان به خوبی از آن بهره گرفت. معمولاً کفران در مورد گناهای که جنبه فردی دارند اگرچه از عذاب سخن می‌گوید، به رحمت خداوند توبه امید می‌دهد؛ اما سخنی که خداوند به آن بازدارندگان از مسجد ارتکاب می‌کند، تهدید شدیدی است که در بقیه موارد، کمتر دیده می‌شود؛ چرا که اساس اسلام و پایه مستحکم اسلام و حدت است و اولین و حدت در مستحکم‌ترین می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید:

«وَاللَّهُمَّ! اَلْبَعْدُ عَلَیْکُمْ وَاللَّهُمَّ! وَهَمَّ یَصْطَلُونَ عَنْ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ». یکی از دلایل چنین لحنی در خطاب به کفار این است که آنان از نقش رسانه‌ای حضور مردم در مسجد که خانه‌های شاهی آن‌ها هستند؛ چون باعث می‌شود نقشه‌های شوم آنان با اجتماع و تبادل اطلاعات مؤمنان بر باد رود.

توجه باید داشت که قید مسجد الحرام که در این آیه بیان شده، قید اختیاری نیست و این آیه در مورد صحنه همه مساجد است؛ چرا که همه مساجد خانه خداوند و خانه تقواست و شرط همه متولیان مساجد است. قرآن کریم در جای دیگر بزرگترین ظلم را با نشان مردم از مسجد می‌داند: «وَمَنْ أَظْهَمَ مِنْ مَسْجِدِ اللَّهِ» همه این موارد نشان از رسانه‌ای بی‌عیب دارد که علاوه بر رسالت پیام‌رسانی در سطح جامعه و اخباری که به نوعی اجتماعی و مربوط به قاطبه مسلمان است، در سطح روابط بین افراد نیز نقش بسزایی دارد.

به طوری که افراد در این فضای مقدس بگذرند و می‌بینند و از کم و کاستی‌های مشکلات هم با خبر می‌شوند و در صورت توانایی در حل مشکلات هم می‌کوشند؛ چرا که از اهل این اند و اهل نشانه‌های ایمان اند و اهل نشانه‌های ایمان اند. واقعی این است که به امور برادران دینی خود اهتمام داشته باشند. مکان مقدس اعلام می‌تواند، بیسان کلام خدای اگر بنا باشد دلیل کلامش را مطرح کند، معمولاً مهم‌ترین دلیل تمرین و ممارست زندگی در این الگوی کوچک داشته باشند. در مقام بیان، مهم‌ترین دلیل را بیان می‌کند. خداوند حکیم نیز در قرآن دلیل جهاد برخی از مردم با برخی دیگر را در دلیل اصلی دفع شر آنان را باقی ماندن محل‌های عبادت خداوند از جمله مسجد معرفی می‌کند: «وَلَا تَقَعُ اللَّهُ عَلَی الْفَاسِقِ إِذْ یَقُولُ مَعَهُمْ بَعْضُ الَّذِیْ هُمْ یَقُولُونَ» بیخ و صلوات و مساجد دیگر که پیام الله علیه السلام است؛ یعنی خداوند مهم‌ترین دلیل را حفظ مساجد معرفی می‌کند؛ چرا که همه شباهت اهل مسجد اهل عبادت خداوندند که منع نزول عذاب اهل زمین است و خداوند نیز در عذاب اهل زمین در عذاب اهل زمین می‌گذرد.

اینجا گواهی از آن است که مسجد در حوزه روحیه‌ها نشان این پاسگاه دینی است که به آن اشاره شد. در این زمینه به موارد زیادی نیز در تاریخ معصومان علیهم السلام اشاره شده که می‌توان به آن پرداخت.

**پی‌نوشت‌ها:**  
۱. شیخ زین‌علی، وسائل الشیعه، ۲/۲۸۰  
۲. مکارم عماد، ج ۱، ۲۳۰  
۳. انبیا، ۵۲  
۴. انفال، ۵۳  
۵. بقره، ۱۱۲  
۶. شیخ زین‌علی، کفای، ج ۳، ۱۶۴  
۷. حج، ۲۰



## الگوی برای جامعه

محمد رضا قرنتی

پیامبر صلی الله علیه و آله راهی سخت و دشوار برای ساختن جامعه‌ای الگویش روشی روی داشت و شاید یکی از مهم‌ترین دشواری‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در این مسیر، همساز کردن ساکنان ناخوشی مرکزی شبه جزیره عربستان با جامعه مطلوب بود. یکی از سؤدندترین و اثربخش‌ترین اقداماتی که می‌توانست به این اهدا هدف کمک کند، ارائه یک الگو و ماکت در مقیاس کوچکتر از جامعه مطلوب و فراهم آوردن فضایی مناسب برای تمرین و ممارست زندگی در این الگوی کوچک به منظور آماده شدن تدریجی برای شهروندی در جامعه مطلوب و مورد نظر پیامبر صلی الله علیه و آله.

اسره‌زویه نیز یکی از مهم‌ترین مباحث و چالش‌های برنامهریزی و مدیریت استراتژیک، جنگجویی همسو ساختن اعضای یک سازمان یا گروه اجتماعی با اهداف کلان است. از جمله راه‌حل‌ها ارائه ماکت‌ها و وضیعت مطلوب و فراهم آوردن زمینه رسیدن در آن کی کلی از آینده در مقیاسی کوچک است. در زمینه راه‌اندازی و ساخت و معرفی بنانهای عظیم هم مشاهده می‌شود که مردمی بر احکام و آداب مسجدها زندگی می‌کنند و مردمی در عهده مسجدها زندگی می‌کنند و اینها در واقع دو مکتب دینی هستند که در پی تقویت نفسی است و ماکت‌ها در پی تقویت نفسی است و این پس نیز همیشه از مساجد انتظار می‌رود.

مقایسه گزیده‌ای از مهم‌ترین آداب مسجد با ویژگی‌های جامعه اسلامی، ما را برای رسیدن به چمنی است که در کارگردهای مسجد مدد می‌رساند. این موارد و موارد مشابه آن در کنار حفظ جوهره عبادی خود، ترجمان یک بازگویی کننده مبارها و ویژگی‌های یک جامعه دینی است. جامعه‌ای که همانند مسجد باید به بزرگترها احترام کرد و آنها را در همه کارها مدد کند. در مسجد باید به معجزین در صف اول جای داد و بقیه افراد در صفوف فرار گیرند. کاری که در جامعه نیز با الهام از این ماکت جامعه دینی باید صورت پذیرد.

**پی‌نوشت:**  
۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ۳۰۸

۲. انبیا، ۵۲  
۳. انفال، ۵۳  
۴. بقره، ۱۱۲  
۵. شیخ زین‌علی، کفای، ج ۳، ۱۶۴  
۶. حج، ۲۰





## نمایسته‌های معماری

محمد شافق‌نژاد

پيامبر ﷺ نخستين اقدام خود را براي ساختن يك جامعه جديد و الكو با فعاليت معماری آغاز كرد. اين امر يي تواند نشان دهنده اهميت و نقش فضاهای شهری در يك جامعه آرمانی باشد. در شهرها ابتدا مكان مسجد مشخص می شد و سپس با محور قرار دادن آن محله‌ها، خیابان‌ها و بازار شکل می گرفت. دیندار بوینز مردم يك منطقه با تعدد مساجد شش‌ان پیوند دارد. برای نمونه به شهرهایی مانند کاتان و یزد، از قدیم، «المؤمنین» گفتند و وقتی از بالا به این شهرها می نگریم تعدد نمازگاه‌ها و کتبه‌ها از شهرهای دیگر بیشتر است.

در باره میزان مساحت مسجد در روایت آمده است که پیامبر اسلام بر قومی گذشتند که برای خود مسجدی می ساختند. فرمودند: وسیع و چادر

نایش کنید که در آن پندهن آن را بر خواهید کرد! قضاها اگر چه جاز استجابی که در مورد بزرگ ساخته شدن مساجد بیان کرده اند، اما در اندازه و میزان مساحت مسجد سختی نگفته اند؛ اما در مورد اینکه خواب کردن مسجد به جهت توسعه جایز است یا نه دو قول را مطرح کرده اند.

عده‌ای تخریب مسجد را به جهت توسعه جایز نمی دانند: «ولا یجوز نقض شیء من المساجد الا اذا استهدمت؛ جایز نیست تخریب چیزی از مسجد مگر خودش در حال ویران شدن باشد».<sup>۴۳</sup> شهیدین (اول و ثانی) این قول را بر گرفته و آن را مستند به ایه شریفه «من انظم من منع مساجد الله ان ینکر فیها المصوم و سعی فی زخاها»<sup>۴۴</sup> می دانند و این کار را از بزرگترین ظلم‌ها به حساب می آورند.

که دلیل قبول خوانند «من انظم من...»<sup>۴۵</sup> که در حدیث مسجدی «من انظم من منع مساجد الله ان ینکر فیها المصوم»<sup>۴۶</sup> بزرگ‌تر یا بهتر از آنست.<sup>۴۷</sup>

**پوشه است:**  
۱- ابن کثیر، التفسیر، ج ۲، ص ۳۳۰  
۲- ابن کثیر، التفسیر، ج ۲، ص ۱۶۲  
۳- ابن کثیر، التفسیر، ج ۲، ص ۱۶۲  
۴- ابن کثیر، التفسیر، ج ۲، ص ۱۶۲  
۵- ابن کثیر، التفسیر، ج ۲، ص ۱۶۲  
۶- ابن کثیر، التفسیر، ج ۲، ص ۱۶۲  
۷- ابن کثیر، التفسیر، ج ۲، ص ۱۶۲

## مجموعه مسجد

گریزی کوتاه به نقش مسجد ر ویدادهای اجتماعی

غزال سادات حسینی

بی گمان در طول تاریخ پر فراز و نشیب، بشر، بناها و مکان آتش همی را در شکل گیری تحولات اجتماعی ایفا کرده اند. برای مثال قلعه باستیل که در ۱۴ ژوئیه ۱۷۸۹ توسط انقلابیون فرانسه فتح شد و جایگاه اولین مکان سر آفرینار میزبان مردمی علیه لویی شانزدهم، امروزه به عنوان نماد انقلاب بر معرفی می شود. در روزگار معاصر نیز نمی توان از محوریت میدان التحریر مصر و میدان اولوتیزین به عنوان نگاهگاه تحولات اجتماعی در رویداد بزرگی چون بیضاری اسلامی چشمپوشی کرد. اما آنچه در این میان حائز اهمیت است، توجه به محوریت مکان است که به عنوان نماد و سمبل تحول اجتماعی انتخاب می شود. مکانی که انتخاب آن به عنوان نماد، بی تردید با شمار و کیفیت فضا بی ارتباط نخواهد بود. در تاریخ تحولات اجتماعی اسلام پیش از بازار، میدان و دیگر عناصر اسلامی شهر، مسجد را باید محور رویدادها و رخدادها تعیین کنند و اساسی دانست؛ مسجدی که محوریت خود را هم رنگ با دیگر عناصر اسلام اصیل از نماز اصلی و اساسی اسلام، یعنی توحید و توحید امام گرفته است. مسجد محور حرکت و نماد فعالیت اجتماعی گسترده‌ای است که مسیر خلیفه الهی را برای رسیدن به استقامت قرار تمام حکومت خلیار زمین طی کند. به همین دلیل اگر نقطه شروع این مسیر خلیفه الهی با اقدام اتم و تحقق تام و تمام آن را درون ظهور حضرت یقیناً الله بدینام، به مرور گزارهای تاریخی گذشته و استفاده از خبرهای غیبی آینده که به واسطه قرآن و معصومین به ما رسیده است، می توانیم محوریت مسجد را در تحولات اجتماعی و سفینده‌های حق و باطل به درستی اثبات کنیم و به خوبی نماد مسجد و نقش محوری آن را در تاریخ تحولات اسلام تا معمای عام و خاص آن مشاهده کنیم.

طبق آیات قرآن، شروع مسیر حق و باطل از جایی است که به دستور خدا همه باید بر موجودی که آدم نام دارد و پنهان مخلوق معرفی شده است، سجده کنند. اما شیطان با پرت دانستن خود در مقابل جریان حق ایستاده، پایه گذار جریان باطل شده و رهبری آن را نیز بر عهده می گیرد. از سوی دیگر، طبق روایات متعدد، پس از ظهور آخرین وصی، مسجد کوفه به عنوان پایگاه و مسجد سهله به عنوان محل نگهداری اموال حکومت ایشان انتخاب می شود. آنچه در ادامه می آید، چند ایپزود کوتاه از نقش کلیدی مسجد در شکل گیری و هدایت جریان‌های اجتماعی در بازه زمانی آدم تا آخر است.



پس از اتمام ساخت مسجد قیاسر، قیاسر خدادار میان غریب‌شادی مسلمانانی که چون خود را پسران سکنی در نرسه، مکه را ترک گفته بودند، وارد نرسه می شود؛ چیزی که چندین بعد با نام مدینه النبی شناخته می شود. اولین اقدام نبی اکرم پس از اسکان در منزل اولیاد انصاری، احداث مسجدی است که دیوارها و پایه‌های آن از خشت خام و سقف آن از شاخه‌های خرما است. حصار زمین طی کند. به همین دلیل اگر نقطه شروع این مسیر خلیفه الهی با اقدام اتم و تحقق تام و تمام آن را درون ظهور حضرت یقیناً الله بدینام، به مرور گزارهای تاریخی گذشته و استفاده از خبرهای غیبی آینده که به واسطه قرآن و معصومین به ما رسیده است، می توانیم محوریت مسجد را در تحولات اجتماعی و سفینده‌های حق و باطل به درستی اثبات کنیم و به خوبی نماد مسجد و نقش محوری آن را در تاریخ تحولات اسلام تا معمای عام و خاص آن مشاهده کنیم.



باروی آمدن گرشاه، عصر تجدد و نوگرایی هم با شتاب شروع شد؛ زیرا لومدی بود وقتی مردم ایامی محمدالشکل می پوشند، گاله پهلوی بر سر می گذارند و نسبت به تعقیبات سنتی دست می شوند، متمن خواهند شد. وی خیال و خرد جمعدی را از اوایل سلطنت خود در سر می پوراند و متحدالشکل کردن ایسه در سال ۱۳۰۷، ماجرای مخالفت مردم شیخ محمد باقی با حضور خانواده پهلوی در حرم حضرت معصومه علیها السلام در سال ۱۳۰۶ و نوع پوشش اعضای خانواده شاه و دیگر اقدامات او، مؤید این واقعیت بوده است. سفر ترکیه این تلقی و طرز تفکر او را تقویت کرد. پس از بزرگ‌تری جلست مخفیانه روحانیون مشهه، تصمیم گرفته می شود که این‌الله حاج حسین قمی به تهران برود و مستقیماً با رضاشاه وارد مذاکره شود؛ ولی آنگاه قمی در باغ سراج الملک توفیق و میوه المیراث شد می شود. انتشار این واقع در مشهه، خودشان آیت‌الله قمی و مردم زیادی را در مسجد گوهرشاد کرد هم آورد. سحر کابیسیت و عدم تیرامه در های مسجد گوهرشاد. مهم‌ترین پایگاه اجتماعی قیام علیه کشف حجاب. توسط هتک نظامی شاه شکسته شد. مردم به خاک و خون کشیده شدند.



اولین جرقه‌های انفجار نور در سال‌های ۴۰ و ۴۱ با سخنرانی امام خمینی در مسجد اعظم و مدرسه فیضیه زده شد. شعله‌ای که آرام آرام برگهای خشک فساد و تاهی را در می نورید. اهمیت مسجد در شکل گیری انقلاب مردمی به جایی رسید که شاه، نسبت به بزرگ‌تری مجالس بزرگداشت در ماههای محرم و صفر، در برخی مساجد و حسینیه‌ها، حساسیت زیادی نشان داد؛ زیرا این مکان‌ها به عنوان مبدأ حرکت‌های مردمی و رهنمای قدرتمند جهت اطلاع‌رسانی‌های اجتماعی شناخته می شد. بنابراین امر طبیعی بود که نظارت و کنترل و مراقبت ساواک بر روی این گونه مجالس، حتی در روستاها افزایش یابد. برای کنترل مساجد و محدود شدن فعالیت‌های انقلابی آنها، ادارا و اوقاف مساجد به دخالت در تعیین امام جماعت و برخی از ضوابط مسجد آمد. اما همکار این نظارت‌ها، مساجد به عنوان پایگاه اجتماعی مردمی از عهده وظیفه خود به خوبی برآمد.



مسجد، مهم‌ترین تریبون تبلیغات سیاسی حرکت انبوا، السلیمن در مصر شناخته می شد. پس از کشته شدن حسن انبوا، رهبر مردم‌شاه مصر السلیمن، در نتیجه سخت‌گیری‌های زیاد و سنگ اندازی‌های حکومت، مرکز اجتماع انخوان السلیمن، جایی جز مسجد نبود. یکی از مساجد، مسجد جامع قاهره بود که انخوان قاهره، برای برپایی نماز جمعه در آنجا گرد می آمدند. آنجا از امکانات مسجد برای تبلیغات و اشاعه افکار خود استفاده می کردند. حسن انبوا در اولین مقاله خود در مجله «الشبان الحسنین» در نوامبر ۱۹۲۵ میلادی اعلام کرد: مسجد از مهم‌ترین وسایل تعلیم و تربیت، تعلم و نیز تهذیب نفس است.

### مسجد کانون مبارزه:

حضرت امام می فرمایند: مساجد و محافل و دینیه را که سنگرهای اسلام در مقابل شیاطین است هر چه بیشتر گرم و مجهز نگه دارید

### مسجد پایگاه انقلاب:

این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد، این هرازگس حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند اینطور نباشد که خیال کنیم حالا دیگر ما پیروز شدیم دیگر مسجد میخواهیم چه کنیم؟ پیروزی ما برای اداره مسجد است

### مسجد و آموزش:

راجع به اسلام شروع کردند تبلیغات کردن به این که اسلام یک مکتبی است که مربوط به دعا و روابط بین مردم است و به سیاست کاری ندارد این را آن قدر تبلیغات کردند که در جامعه خود روحانیت هم اعتقاد پیدا کردند که روحانی به مسجد بروند و نماز بخوانند و درس بگویند و میباحثه کند و آداب شرعیه را به مردم نشان دهد

امام خمینی(ره) این مساجد سنگرهای اسلام است... این ها سنگرند برای اسلام حفظ کنید این ها را



مسجد و کمک های مردمی

مسجد و بانوان

مسجد و دانشگاه

مسجد قرارگاه جنگی نرم

مسجد و آموزش

مسجد قرارگاه مبارزه

مسجد و جوانان

مسجد سنگر است

مسجد پایگاه انقلاب

مسجد و ارزشهای دفاع مقدس

مسجد و انتخابات

مسجد و جوانان و محصلین

### مسجد و دانشگاه:

در دانشگاهها و دیگر مراکز انسانی انبوه، مسجد می تواند جایگاه امن و صفا باشد، و امام جماعت، غم‌گساری و راهنمایی و همدلی را در کنار اقامه‌ی نماز، در آن مهبط رحمت و هدایت الهی به نمازگزاران هدیه کند

### مسجد قرارگاه جنگ نرم:

جوان امروز اگر در آن دوره نبوده است تا در مقابل دشمن بایستد و از هجوم او ممانعت کند و از خانه‌ی خود و شهر خود دفاع کند، امروز میتواند در میدان شرف و افتخار دفاع از شخصیت ملی، از عزت ملی، از هویت ملی، از عقیده‌ی مستحکم اسلامی نقش ایفاء کند. دختران و پسران جوان، زنان و مردان مؤمن، در این منطقه‌ی دفاعی حساس کنونی، همه میتوانند نقش ایفاء کنند. این روحیه باید حفظ شود.



مقام معظم رهبری

در مسجد اسلامی، شور و بهجت عبادت خالص با نشاط زندگی پاک و خردمندانه و سالم، در هم می آمیزد و فرد و جامعه را به طراز اسلامی آن نزدیک می کند







## نرم افزار معراج نماز

ایوژرکمال

در این شمار نرم افزار می با کارایی بالا در باره نماز معرفی می کنیم. این نرم افزار جامع از ایجاد نمازنگاه تا معراج معظم رهبری در دانشگاه تهیه کرده است. در این نرم افزار چندرسانه‌ای از ابزارهای مختلف استفاده شده است تا فرد بتواند در محیطی کار ببیند، مستحای مختلف درباره نماز دریافت کند. این نرم افزار که «معراج نماز» نام گرفته شامل آموزش تصویری وضو و نماز، ۲۹ سخنرانی از بزرگان دین درباره نماز، اندیشه، مناجات، پرشش و پاسخ درباره نماز و متن کامل هفده جلد کتاب در موضوع نماز است.

آموزش تصویری وضو به همراه مستحای حجت الاسلام والمسلمین ناهیان آمده است. با معراج نماز می توانیم پای منبر آیات عظام جوادی املی و مصباح پزئی و حجج اسلام قمی، انصاریان، هاشمی نژاد و قرنی ششمین و اندیشه‌ها از بزرگان در موضوع نماز استفاده کنیم.

آزوبوگی های مهم این نرم افزار، کتاب رساله دانشجویی است که شامل ۱۳۴ سوال شرعی طبق فتاوی دین از مراجع عظام با قابلیت جستجو و چاپ است. همچنین در جای دیگری از این نرم افزار ۱۷۶ پرسش و پاسخ درباره نماز تعبیه شده است. از بخش های قابل توجه این نرم افزار جامع، آوزن مجموعه‌ای از نمازهای مستحی است. شامل نمازهای وارد شده در ایام هفته، نمازهای ماهیانه، رجب، عیدان، رمضان، شوال، ذی القعدة، ذی الحجه و نمازهای مستحی ای مانند نماز جمعه نماز آرش نماز گاهان نماز حاجت، نماز استغاثه متن هفده جلد کتاب نیز در نرم افزار معراج نماز آمده است که شامل کتابی با حجت الاسلام قرانی و کتابهایی چون آداب نماز و اسرار معنوی نماز، سیمای نماز، جامع ایت و احادیث موضوعی نماز، زوای نماز (جلد ۱ و ۲) است.

این نرم افزار را به عموم مسجدی های عزیز که می خواهند معارف خود را در موضوع نماز تکمیل کنند و مخصوصاً به مبتلین و فعالان عرصه دین که در فضای جوانان دانشگاه‌ها فعالیت می کنند، توصیه می کنیم.



## جوان مسجدی و فضای مجازی

www.javananemasajed.ir

مسجد بدون حضور جوان مانند درخت بدون میوه است. درخت هر چند تنومند باشد، زیبایی و طراوت خود را از ثمر خود دارد. با میوه‌ها است که درخت به چشم می آید و به آن توجه می شود. جوانان مسجدی اند که پویایی، ربه فضای مسجد می آورند و با نوگرایی خود باعث جذب جوانان دیگری می شوند.

در ادامه معرفی سایت های مسجدی در این شماره، به معرفی سایت «چشمواره بزرگ فرهنگی هنری جوانان مساجد» کاری از «حیر خانه دائمی چشمواره دائمی جوانان مساجد» می پردازیم. این چشمواره که زمانی با بجه تازه و آراستای پودمانگون به باغی وسیع تبدیل شده است و محلی است برای این معرجه چشمواره های مختلف مسجدی. این سایت اطلاع رسانی در آخرین خبر خود که مربوط به نهم آذرماه است، این گونه خبر می دهد: «مستندات چشمواره جوانان مساجد کشور از سال های ۸۱ و ۸۲ تا کنون برای تهیه بانک اطلاعات چشمواره جوانان مساجد در حال گردآوری و جمعیت است.»

در معرفی اهداف این چشمواره ریشه دار به این موارد می توان اشاره کرد: شناسایی استعدادهای برتر در رشته های مختلف فرهنگی و هنری در بین اعضای کانو های مساجد، ایجاد فضای رقابت سالم در بین فرهیختگان عرصه فرهنگ و هنر مساجد، ارتقای سطح اطلاعات تخصصی نیروهای مستعد در حوزه های فرهنگی و هنری از طریق برنامه های آموزشی مدون و فراگیر، ایجاد فضای جدیدی از تعامل و نیز هویت مشترک بین فعالان عرصه فرهنگ و هنر مساجد. ورودی سایت، مزین به جمله ای از بیانات رهبر فرزانه انقلاب است که مسجدی ها را حکیمانه و به زیبایی به «عمران معنوی مساجد» توصیه می کند. به نظر می رسد اهداف تعیین شده برای این چشمواره برای رسیدن به این هدف والا است.

در این سایت با این بخش ها روبرو و هشتیم: معرفی چشمواره های مهم با مشخصات، هنر در نگاه بزرگان و اخبار چشمواره ها، بیان بخش های مفید سایت، اخبار استان ها است که با طریقی صحنه های مجازی برای هر استان، کارپرا با آخرین خبرهای استان ها در موضوع برگزاری چشمواره های مسجدی آشنا می کند. بخش هنر در نگاه بزرگان، مارا یادگاه های مهم (ره) است. این سایت با خاتمه ای رهبر معظم انقلاب است. الله شهید مطهری، آیت الله جوادی املی و شهید صدر می آونی درباره هنر ناب دینی انسان می سازد. صفحه پیام شخصیت های نیز پیام های درس آموز و انگشای بزرگان و شخصیت ها را درباره چشمواره های مختلف قرآنی و مسجدی به تفکیک هر چشمواره آورده است تا معرجه ای از چراغ های این راه به چلچراغی بزرگ و روشنی بخش تبدیل شود.

بانگای به بخش پیوندهای این سایت، همان باغ پر درخت در ذهن ما مجسم می شود که میوه های آن خود نمایی می کند. به تعدادی از این پیوندها (لینکها) توجه کنید: فرخوان آیدهای مسجدی، جشنواره فرهنگی هنری سیبب التی، دومین چشمواره سرور و شوی، مسابقه قرآنی نگاره، چشمواره مهریگران.

این گونه است که این سایت به با توفی مناسب برای چشمواره های همسو جوانانه تبدیل شده است.



## آنچه شد و آنچه باید شود!

هر حرکتی برای دستیابی به هدفی آغاز می شود. انقلاب اسلامی ایران نیز برای رسیدن به اهدافی به وقوع پیوست. باز خوانی برخی از این اهداف در استانه سی و ششمین سال پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی می تواند نقطه ای را که اکنون نظام جمهوری اسلامی در آن واقع شده است نشان دهد. بالطبع این حرکت مرمی به برخی از اهداف خود دست یافته است و در برخی موارد نیز نه تنها نتایج مورد قبولی کسب نشده است بلکه در مواردی عقبگرد و دوری از نقطه مطلوب را نیز داشته است. برخی از این اهداف از دیدگاه امام خمینی (ره) چنین است:

۱. ترویج اخلاق و آداب اسلامی (اصحاح نورج ۱۲ ص ۲۶۱ و ۲۶۲)
۲. انسان سازی و تربیت نسل آینده و اصلاح فرهنگ (همان، ج ۶ ص ۱۶۲)
۳. تحقیق از روشهای اسلامی جهانی و خارج کردن مردم از اسارت نفس (همان، ج ۱۸ ص ۳۲)
۴. مبارزه با فساد و فحشاء، جنسی و اداری (همان، ج ۴ ص ۵۸ و ۱۱۶)
۵. قطع ریشه های فساد منبغ از انواع کجروی ها و حقوق از روشهای اخلاقی (همان، ج ۱۶ ص ۲۶۴)
۶. بکنار برستی و مبارزه با از روشهای جاهلیت (همان، ج ۵ ص ۳۹)
۷. تأمین رفاه همگان (همان، ج ۶ ص ۲۲)



## هر کسی از زن خود شد یار من

باید و نباید های احزاب سیاسی

به کوشش مرتضی ناصمی

به یقانه سالروز تأسیس حزب جمهوری اسلامی برای تبیین جایگاه احزاب در جامعه و حکومت با آیت‌الله‌مجدد فاضل‌کومام به گفت‌وگو نشستیم. آیت‌الله‌مجتهد کونام از فقهای معاصر شیعه هستند که در علوم و فنون و فلسفه، اخلاق، فلسفه، حکمت، عرفان، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تفسیر قرآن و دیگر علوم که در زمینه‌های علمی و معرفی هستند تخصص دارند. از فعالیت‌های علمی ایشان بیش از ۱۰۰ عنوان به چاپ رسیده است و بیش از ۵۰ عنوان کتاب و در حال چاپ دارند.



آیت‌الله مورتضی ناصمی

**تبیین تمیز جستی احزاب و تشکل‌های اجتماعی در جوامع مدرن، یغیر مایید که جایگاه احزاب در اسلام و متون دینی چیست؟**  
در جامعه‌شناسی مدرن حزب را ایجاد شده در دولتمو کرات می‌دانند و دول استبدادی را فاقد احزاب می‌دانند چنانکه تاریخ هم تاحدی این سخن را گواهی می‌دهد زیرا در حکومت‌های استبدادی و شاهنشاهی طرفیت فعالیت احزاب وجود ندارد ولی در حکومت‌های دموکرات به طور متوسط احزاب رشد پیدا کرده و طرفیت فعالیت در حکومت‌های دموکرات اپنایمی کنند. اما با نگاهی به قرآن کریم می‌توانیم در بابیه که از شناخته‌ترین عناوین اجتماعی قرآنی «حزب» است؛ به طور کلی که در قرآن مجید بارها نام «حزب» به کار برده شده است که هفت مورد آن به طور فردی و جنسی و میانه مورد آن به صورت کلی بیان شده است. این در حالی است که قرآن کریم در جوامع بدوی استبدادی و قومی - قبیله‌ای ظهور یافته و در چنین جوامع حزب را به صورت جدی تبیین کرده است و روی آن تأکید بسیاری دارد.

در اسلام، به لحاظ اجتماعی «حزب» به معنای یک روند عام مثبت تعریف شده است که در ظرف خاص خود می‌تواند برای ایجاد اجتماع مثبت شود و معنی آن «حزب الله» تغییر شده است و می‌تواند منفی واقع شود که به عنوان «حزب الشیطان» شناخته می‌شود.

در آیه «کل حزب بما لَدَیْهِمْ قُرْآنٌ مِّمَّ مَوْعُودٍ» (مومنون: ۵۳) خواننده متعال تمامی احزاب اعم از مثبت و منفی را در یک گروه دانده در همین راستا مقیاس‌های حزب الله و حزب الشیطان را نیز در قرآن بیان فرموده‌اند که در این مختصر مجال سخن از آن نیست.

جایگاه و اهمیت و ضرورت حزب در اجتماع با تأکید قرآن در رابطه با آن به خوبی قابل درک است.

**تبیین بررسی اجمالی فعالیت‌های احزاب در طول تاریخ جمهوری اسلامی ایران، ضرورت و زمینه‌های تشکیل‌گیری احزاب در دولت‌ها چگونه است؟**  
اگر نگاهیم به حکومت ایران تا قبل از انقلاب اسلامی نگاهی بیاندازیم، متوجه می‌شویم که اصلاً حزبی به طور جدی و فعال وجود نداشته و حتی تشکل‌های عمومی و اجتماعی نیز فعالیتی نمی‌کرده‌اند و تنها تشکلی که می‌توان در دوران قبل از انقلاب اسلامی مشاهده کرد هیات و مساجد هستند که به نوعی می‌توان آنها را حزب و یا تشکل اجتماعی دانست.

مهم‌ترین دلیل این امر، رژیم شاهنشاهی و سیستم دولتی قبل از انقلاب است که کاری که در این حوزه از سوی دولت‌مردان دیده شد تشکیل حزب راست‌گرا بود که باز نمی‌توان آن را به معنای واقعی حزب دانست زیرا حزب راست‌گرا به تشکل شاهانه و درباری بود که برای پیشبرد اهداف شاه و ملامت فعالیت می‌کرد و هیچ رقابت سیاسی و فکری در سطح تشکل دیده نمی‌شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی زمینه برای تشکیل و فعالیت احزاب و تشکل‌های سیاسی - اجتماعی به وجود آمد چنان که آزادی اندیشه در سطح سیاسی - اجتماعی موجب پدید آمدن احزابی شد که با مسائلهای موجود معین اداره می‌شد این آزادی باعث شد که از زمینه به وجود آمدن گروه‌های مخالف و رادیکال زیرزمینی در جامعه جلوگیری شود و توده مردم مطالبات خود را از طریق احزاب گوناگون دنبال کنند.

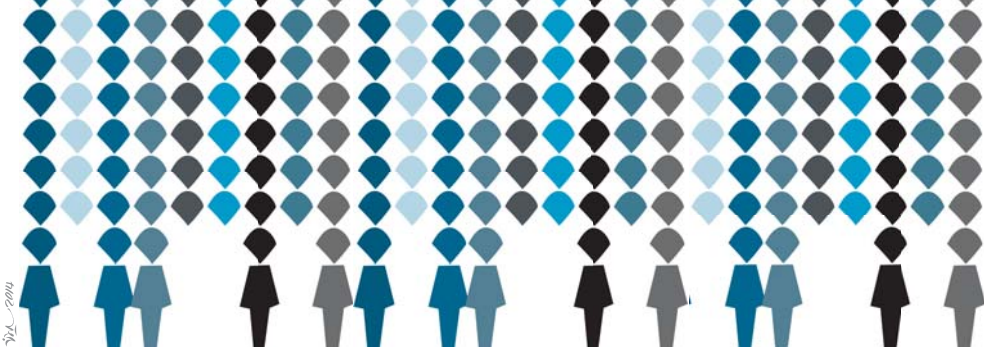
این در زمان می‌توان به تشکیل حزب جمهوری اشاره کرد و نیز تشکل‌های سیاسی آن روز مانند الله بهشتی یا این فرض که اگر حزبی تشکیل شود که موجب سوق و هدایت حرکت‌های ضد دینی

و ضد حکومتی در سطوح مختلف شود به این صورت که هم در مقابل اهداف و فعالیت‌های دوگانه و متضاد مخالفی که عباد با جمهوری اسلامی ندارند و هم در مقابل دشمنان قسم خورده نظام شکل بگیرد، می‌توان به تنها کار شکنی آنها جلوگیری کرد بلکه در طولانی مدت آنها را همراه با آرمان‌های انقلاب و جمهوری اسلامی کرد.

در مقابل این حزب گروهک‌های منافقی و حزب خلق نیز تشکیل شد تا با راپارویی سیاسی - اجتماعی در راستای مقابله با اهداف این حزب و در راستا این نظام جمهوری اسلامی از پیشروی به سمت آرمان‌های انقلاب جلوگیری کنند و در راستا این نظام جمهوری اسلامی از پیشروی به سمت آرمان‌های انقلاب جلوگیری کنند.

اسلام در زمان و مکان مناسب بود در واقع هم شکل‌گیری احزاب و تشکل‌هایی چون حزب خلق گواهی‌ده درست بودن و ضرورت حرکت حزب جمهوری را بیسان می‌کرد و هم تأثیر گذاری بسیار زیاد حزب جمهوری در حدی بود که دشمنان نتوانستند از طریق قتل‌عام و فقه‌های دست اول در رأس این حزب به طریق اولی مردم‌پسند و غیر متضاد تر از دیگر احزاب بود؛ اما مسأله‌ها غافلگیر و خمدنگاری به مردم و نظام را نشانستیم.

**لغفا به ضرورت‌های زمینه‌سازی تشکیل احزاب و تشکل‌های اجتماعی پرداختیم. از ضرورت زمینه‌سازی و طرفیت داشتن حکومت‌ها برای فعالیت احزاب می‌توان به آزادی**



اندیشه اشاره کرد. از آنجا که اگر این ظرفیت وجود نداشته باشد فعالیت احزاب به شکل رادیکالی و غیر قانونی به مسورت زیرزمینی صورت می‌پذیرد که هم برای جامعه و هم برای حکومت مضرات است.

یکی از تحولاتی که انقلاب اسلامی ایران پدید آورد زمینه‌سازی برای فعالیت احزاب بود که به دنبال آن آیت‌الله بهشتی و دوستان ایشان حزب جمهوری را تشکیل دادند.

یکی دیگر از ضرورت‌های زمینه‌سازی فعالیت احزاب، سالم‌سازی روند حکومت در عرصه سیاسی و اجتماعی است زیرا اکثر نخبگان و اهل علم در این احزاب فعالیت می‌کنند همان طوری که در حزب جمهوری می‌بینیم اصل ساختاری و کار کردی بسیار خوبی در زمینه سیاسی و اجتماعی را دارد و به دنبال فعالیت‌های مفید این حزب شدیدی تقویت انقلاب شد.

از دیگر ضرورت‌های تشکیل احزاب و تشکل‌های سیاسی و اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی ایران باید به عدم پیشبرد یک‌طرفه سیاست‌های نظام تأکید کرد که از آنجا که نظام جمهوری اسلامی ایران یک ساختار گسترده و کلی است قاعدتاً نمی‌تواند ساختاری در یک طریق - رادیکال تشکیل دهد و تشکل‌های وجود احزاب و تشکل‌های جامعه و تشکل‌های عمل می‌سازد.

یکی از ضرورت‌های سیاسی و اجتماعی وجود نوع در فضای اسلامی و دولتی است. این هم‌چنان زمینه‌سازی برای فعالیت احزاب و تشکل‌های سیاسی - اجتماعی صورت می‌پذیرد. جامعه اسلامی با تقدیم انقلاب شد.

شماره ۱۶۰ بهمن‌ماه ۱۳۹۱

یک دیگر از ضرورت‌های زمینه‌سازی فعالیت احزاب، سالم‌سازی روند حکومت در عرصه سیاسی و اجتماعی است زیرا اکثر نخبگان و اهل علم در این احزاب فعالیت می‌کنند همان طوری که در حزب جمهوری می‌بینیم اصل ساختاری و کار کردی بسیار خوبی در زمینه سیاسی و اجتماعی وجود نوع در فضای اسلامی و دولتی است. این هم‌چنان زمینه‌سازی برای فعالیت احزاب و تشکل‌های سیاسی - اجتماعی صورت می‌پذیرد. جامعه اسلامی با تقدیم انقلاب شد.

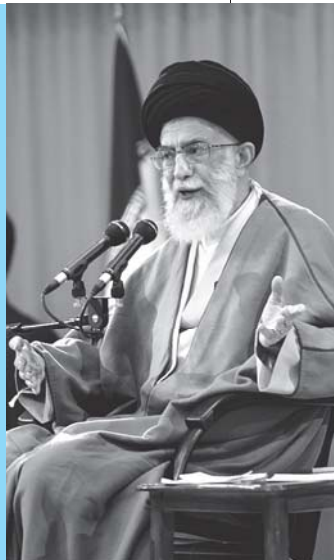






# خواص خوب! خواص بد!

جایگاه خواص و نقش آنها در جامعه به مناسبت سالگرد انقلاب ۱۳۵۷م سمانه بغیری



نوشته‌ها به جایگاه خواص و اهمیت تصمیم‌های ایشان در جریان‌های سیاسی اجتماعی و... با توجه به بیانات مقام معظم رهبری اشاره می‌کند به بحث از خواص به طور طبیعی و تاریخی عمر بشری گره خورده است. زمانی که بحث از خواص در جایی مطرح می‌شود در وهله اول ذهن انسان به سمت خواص و جایگاه آنها در طول تاریخ می‌رود. در تاریخ اسلام صحبت از خواص ذهن انسان را به نقاط متعددی از تاریخ می‌برد و شاید بی‌نگاه‌نیز آنها شامل نقش خواص در حادثه سقیفه و واقعه عاشورا باشد. بسیاری از بزرگان شیعه که از امام حسین (ع) دعوت کرده بودند تا گوچه برونه‌ند به مسلم بن عقیل کمک رسانند و نه به سید الشهدا در روز عاشورا. بسیاری از ایشان از جمله بزرگان و خواص قوم خود بودند که نتوانستند به موقع تصمیم صحیح (از اخذ کشتن و سپس از واقعه عاشورا خود را توبان نمایند) خود بخوابی سید الشهدایا بزنند.

تواین در اول تاریخ الهی تا سال ۵۱ هجری قمری قیام خود را آغاز کردند قیامی که در واقع پس از شهادت فرزندان رسول اکرم (ص) سودی نداشت. مقام معظم رهبری در مورد این گروه از خواص تاریخ می‌فرماید: «اما کسانی از خواص به کربلا هم ترفند نتوانستند برودند توفیق پذیران کردند البته بعد ماجرا، صحبت جزو تواین شدند چو، فایده و اوقای امام حسین (ع) کشته شد شوقی فرزند پیمبر از دست رفت و وقتی فاجعه اتفاق افتاد و حتی که تاریخ به سمت سرالشیبا آغاز شد، دیگر چه فایده! لذا در تاریخ، عده تواین، چند پاره عده شهیدای کربلاست، شهیدای کربلا هم در عده شهیدای کربلا نیستند تواین نیز همه در یک روز کشته شدند، اما اثری که تواین در تاریخ گذاشتند، یک هزارم اثری که شهیدای کربلا گذاشتند نیستند. به دلیل آنکه در وقت خود نیامدند؛ کار را در لحظه خود انجام ندادند. دیر

تصمیم گرفتند و دیر تشخیص دادند». (بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) ۱۳۷۵/۲/۲۰)

**خواص چه کسانی هستند!** «در هر جامعه و شهر و کشوری از یک دیدگاه، مردم به دو قسم تقسیم می‌شوند: یک قسم کسانی هستند که بر مبنای فکر خود از روی فهمیدگی و آگاهی و تصمیم‌گیری کار می‌کنند؛ راهی می‌نمایند و در آن راه... که به خوب و بدش کار نرایم. کام بر می‌دارند؛ یک قسم اینها نیستند که استمسان را خواص می‌نماییم. قسم دیگر، کسانی هستند که نمی‌خواهند بدانند چه راهی درست و چه حرکتی صحیح است. در واقع نمی‌خواهند بفهمند، به سببند تحلیل بی‌بردارند و در کشته‌بیمه تغییر می‌دهند، تابع خود بیه چگونگی جوته‌گامی کنند و دنبال آن جوته‌بیمه حرکت می‌کنند. این قسم از مردم را عوام می‌نماییم». (همان)

«وقتی عملی انجام می‌دهند، موضع‌گیری می‌کنند و راهی انتخاب می‌کنند، از روی فکر و تحلیل است. می‌فهمند و تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند. اینها خواص اند». (همان)

خواص در واقع کسانی هستند که اهل فکر و اندیشه و اهل تحلیل هستند؛ تا این تعریف دایره خواص را می‌توان کم و زیاد کرد به عبارتی هر شخصی که در جامعه دارای سواد کالبدی باشد صرفاً جزو خواص یک جامعه نیست؛ خواص یک جامعه به کسی گفته می‌شود که قوه و استعداد تحلیل را داشته باشد و در معرض جوته‌بیمه قرار نگیرد.

**خواص جبهه حق دوستند!** خواص نیز دارای تقسیم‌بندی‌های هستند که مقام معظم رهبری به آنها اشاره کرده است. علاوه بر این‌که هر یک از طرفداران حق و باطل خواصی هستند خود خواص جبهه حق نیز دارای دو دسته‌اند.

«خواص طر طرفی دارند؛ نوعی کنگ کوع کسانی هستند که مقابل با دنیا، زندگی، مقام، شهوت، پول، لذت، ارجحیت، نام و همه متاع‌های خوب قرار دارند؛ اینها کسی که در کریمه، همه از متاع‌های خوب است. همه‌شان جزو بی‌بای‌های زندگی است؛ «متاع الحیاة الدنیا» متاع یعنی بهره اینها بهره‌های زندگی است. در قرآن که فرمود: «فراحمی! متاع الحیاة الدنیا» معنایش این نیست که این متاع، بدنه متاع است و خدا برای شما فریاد شده است. متاعا اگر در مقابل این متاع‌ها و بهره‌های زندگی، خدای ناخواسته آن قدر مجنون شدید که وقتی پای تکلیف سخت به امام آمد، نتوانستید دست بردارید و ولایت است که ضمن بهره‌بردن از مآله‌های دنیا، آنجا که پای امتحان سخت پیش می‌آید، می‌توانید از آن متاع‌ها به این روحا دست بردارید، آن وقت حساب است.»

روی وی خواص به دنیا و متاع دنیا نه تنها خود آنها را در تصمیم‌های مهم سیاسی اجتماعی سست می‌کند، بلکه مایل به فرار تحت تأثیر سلوک و مشتاق دنیا طلبی آنها قرار می‌دهد. «گاهی اوقات دنیا طلبی، از اوضاع گوناگونی که جلوه‌های دنیا، آن چنان اثرهای می‌گذارد، آن چنان تغییرهایی در برخی از شخصیت‌ها به وجود می‌آورد که انسان نسبت به خواص به گامی قدری دچار اشکال می‌شود؛ چه بر سر آدمی مردم عامی»

بنا بر این نظریه تقسیم‌بندی می‌شود:

**انسان و دین‌خواه!** خصلت تصمیم‌گیری صحیح باید از جمله ویژگی‌های خواص باشد. تصمیم به موقع و صحیح، حضور به موقع و مؤثر، سخن چقا و محکم و در یک کلام مقین به هدف، هر حرکت که از راه و محکم به سمت آن باید در هر فرد از خود را از جمله خواص یک جامعه می‌نمایند؛ به چشم بخورد. یکی از ویژگی‌های متغرب که بسیار

ضررات مملکی به بدنه اجتماع ممکن است وارد کند خواص در تصمیم‌ها، عمل و هدایت به موقع مردم است. «نه، معتقدند به اسلام، اراد اغلط می‌روند، نواهای نفسانی کار دستشان می‌دهد. این، مشکل ترین وضع است که افراد را به شیعه می‌انند؛ به طوری که اصحاب عبدالله مسعود می‌آیند خدمت خضرت، می‌گویند «آیا قدشکنتنا فی هذا القتال!» چدر ایام بدش کنند؟ این شک خواص، پایه حرکت صحیح جامعه اسلامی را مثل مورانه می‌چود. بهره‌های زندگی، خدای ناخواسته آن قدر مجنون شدید که وقتی پای تکلیف سخت به امام آمد، نتوانستید دست بردارید و ولایت است که ضمن بهره‌بردن از مآله‌های دنیا، آنجا که پای امتحان سخت پیش می‌آید، می‌توانید از آن متاع‌ها به این روحا دست بردارید، آن وقت حساب است.»

اولی از آنجا که برخی مواقع در آنجا وجود دارد آنها را از تصمیم‌گیری به موقع باز می‌دارد.

**انگیزش خواص به دنیا!** از مهم‌ترین آفت‌هایی که در بسیاری از موارد مانع گیر خواص شده است روی آوردن آنها به دنیا است. مقام معظم رهبری در تحلیل جامعه بعد از پیامبر (ص) بیان می‌دارند که گرایش خواص به دنیا چنان تأثیر منفی را از ایجاد کرد که تنها بعد از گذشت پنجاه سال بعد رحلت ایشان واقعه کربلا اتفاق می‌افتد. برخی از شخصیت‌هایی که در همان دوره به علت گرایش به مادیات باعث فساد در جامعه اسلامی شدند عبارت‌اند از: سعد بن عبدالله ابوموسی اشعری، سحن بن ابی‌وفیاض، زبیر و شخصیت‌های بزرگ دیگری که هر یک در زمان پیامبر (ص) دارای جایگاه رفیعی بودند.

اگر خواص معیارها و اصول ارزشی اسلامی

را زیر پا بگذرانند و نسبت به آنها سست و بی‌اهمیت شوند جامعه اسلامی رو به انحطاط خواهد رفت؛ «وقتی معیارها از دست رفت، وقتی ارزش‌ها ضعیف شدند وقتی طوهر بوک شد، وقتی دنیا طلبی و مال دوستی طوهر انسان‌ها را حاکم کرد؛ که عمری را با عظمت گذرانند و سال‌هایی را بی‌اعتنا به رخا فراف دنیا سپری کرده بودند و وقتش بودند آن پرچم عظیم را بلند کنند، آن را توست در عالم فرهنگ و معارف هم چنین کسی سرشته‌اند امور معارف الهی و اسلامی می‌شود؛ کسی که می‌گوید: نه آنچه که اسلام گفته است، آن مسلمانان سابقه در مقدم است. آن وقت این مربوط به خواص است، آن وقت عوام هم که دنیا را رو خواص اند، وقتی خواص به همی‌نشدند خود را از آنجا که برکت‌گیرند بگریزند، آنجا که انسان‌های ممتاز و برجسته، اگر انحرافی از آنها سپردند، این می‌شود و در آن راه، که خوب و بدش کار ننداریم. گام بر می‌دارند؛ یک تفاسیم اینها نیستند که همگام از خواص می‌گذرایم. کسی هستند که ستم‌گرا هستند، نمی‌خواهند بداند طرف‌ها درست و چه طرف حرکت می‌کنند.»

بنا بر این نظریه تقسیم‌بندی می‌شود:

**انگیزش خواص به دنیا!** از مهم‌ترین آفت‌هایی که در بسیاری از موارد مانع گیر خواص شده است روی آوردن آنها به دنیا است. مقام معظم رهبری در تحلیل جامعه بعد از پیامبر (ص) بیان می‌دارند که گرایش خواص به دنیا چنان تأثیر منفی را از ایجاد کرد که تنها بعد از گذشت پنجاه سال بعد رحلت ایشان واقعه کربلا اتفاق می‌افتد. برخی از شخصیت‌هایی که در همان دوره به علت گرایش به مادیات باعث فساد در جامعه اسلامی شدند عبارت‌اند از: سعد بن عبدالله ابوموسی اشعری، سحن بن ابی‌وفیاض، زبیر و شخصیت‌های بزرگ دیگری که هر یک در زمان پیامبر (ص) دارای جایگاه رفیعی بودند.

اگر خواص معیارها و اصول ارزشی اسلامی

# قرمزی که سفید خوانده شد

بازخوانی انقلاب شاه و ملت در بهمن ۱۳۴۱

علی سعیدی



طوری بود که مخالفت با آنها مخالفت با منافع ملی به شمار می‌رفت. در واقع شاه از آنکه لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی با مخالفت شدید امام خمینی بنزدک و مراجع عظیم ماند و در پی آن هیئت دولت به طور رسمی ملغی شد، شاه تصور می‌کرد چنانچه خود به طور مستقیم مجری چنین اصلاحاتی باشد، از طرف علما و با موفقیت همراه خواهد شد. محمدرضا پهلوی با برکناری علی امینی، خود به امریکا تمهید داد که به طور مستقیم مسئولیت این کار را بر عهده بگیرد. انقلاب شاه و مردم در واقع همان لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود که بارنگ و بوی تازه تر خواجه گلور کرد. در فروردینی که شاه آن را اعلام کرد در واقع مجموعه فرانونامه‌هایی بود که امریکا به کشورهای توسعه یافته دیکته می‌کرد. با صدور این فرمان، امام خمینی بنزدک به همراه دیگر مراجع قم تشکیل جلسه دادند و برای بی بردن به نیت شاه قرار شد تا نمانده‌های آن تهران وارد گفتگو شوند. اما یک پهلوی برای مذاکره با علما جانبدار در به قم کرد ولی در نهایت به دلیل بی نتیجه ماندن این گفتگوها قرار شد تا نیت الله آقا روح الله که مانده آن در علمای بزرگ خرم آباد قرار می‌گرفت، به سیامی بورد با نزد شاه فرستند. شاه در پاسخ به گزارش مرحوم که مانده می‌گوید: «اگر آستان به زمین بیاید و زمین به آستان برسد، زمین باید این برنامه اجرا کنیم، زیرا اگر تکمیل می‌شود، در پایان نیز علمای ایران کلاه می‌کنند که جزاوار همانند علمای ایران سنت‌های اصلاحی را می‌پسند و برای اودا گو می‌بندند. پس بر مراجع ائمه که مانده می‌گوید: علمای قم جلسه تشکیل دادند تا نتیجه ملاقات و مشاوره اجرا شوند. پس از شنیدن سخنان وی، روشن شد که اصول ادعای شاه مورد حمایت کامل کیهان است تا آنجا که ادامه مستلزم به اجرای آنها بستگی دارد.

در دوم بهمن سال ۱۳۴۱ امام خمینی بنزدک با انتشار اعلامیه‌های فرانونامه و تحریم کردن آن را در مقابل حکم اسلام و قانون اساسی اعلام کرد. در پی این اعلامیه‌ها هزاران تعطیل شد.



سخنرانی شاه از ترمیم دستور انقلاب سفید تهران ۱۳۴۱

و گروهی از مردم و دانشجویان تظاهرات به راه انداختند که منجر به درگیری و بازپوهای انتظامی شد. شاه برای خاموش کردن خشم مردم برای متقاعد کردن علمای قم با اعلام قبلی وارد قم شد. اما امام خمینی با ریزبینی و بصیرتی که داشتند شجاعانه اعلام کردند که خروج مردم از خانه‌ها یاسان حرام است. شاه در روز چهارم بهمن وارد این شهر شد در حالی که شهر یکپارچه تعطیل بود و جز اندکی دستاوردی این شهر را ترک کرد.

با تمام مخالفت‌هایی که صورت گرفت این نرفت. در نهایت نیز وی پس از استنشاق تند و خشمگینانه علیه روحانیت و بدون دستاوردی این شهر را ترک کرد. با تمام مخالفت‌هایی که صورت گرفت این نرفت. در نهایت نیز وی پس از استنشاق تند و خشمگینانه علیه روحانیت و بدون دستاوردی این شهر را ترک کرد.



سخنرانی شاه از ترمیم دستور انقلاب سفید تهران ۱۳۴۱

و نه یک پیروزی برای هو کراسی و نه حکومت مردم به مردم به شمار می‌آید. همچنین یک مورخ فرانسوی چنین فهم این اصول را می‌نویسد: «بوج بودن نتیجه فرانونامه ۹۶/۹۹٪ آری وقتی آشکار شد که چند ماه بعد، مردم تظاهرات در خیابان‌ها به راه افتاد و این کار گروهی از روحانیان بر ضد رژیم موضع گیری کردند. این الله خمینی نیز تا کید می‌کنند: «به نظر می‌رسد این اعتراضات را رهبری می‌کنند. او از آقامتگاه خود در شهر قم مستقیماً شاه را با لحن تند و مخاطب قرار می‌دهد». با توجه به شرایط پیش آمده، روحانیان به پیشنهاد امام خمینی تصمیم گرفتند به عنوان اعتراضات راه ماه مبارک رمضان آن سال که از هجرت بهمن ماه آغاز می‌شد، از رفتن به مساجد خودداری کنند و برای جلب نظر عمومی در تمام ماه رمضان، مراسم سخنرانی‌ها و مساجد را تعطیل نمایند.

امام در پاسخ به استفتای جمعی از متدینان تهران که از تعطیل این سؤال کرده بودند، می‌نویسد: «فایده این جانب فرانونامه که لحاظ فر بعضی از اشکالات به اسم تصویب ملی خوانده شد، مخالفه رای جامعه، روحانیت اسلام و اکثریت قاطع ملت است». ایشان در ادامه به پاره‌ای از اشکالات این طرح اشاره کرده، بیان می‌دارد: «به پاره‌ای از اشکالات اشاره می‌نمایم: ۱. در قوایین اسلام فر قانون پیش بینی نشده است. ۲. معروض چه مقام صلاحیت دارد فرانونامه نماید این امری است که باید قانون معین کند. ۳. لایحه شش گانه مهمه‌اند و قاضی اعان آنها تا زمان بر کورای فرانونامه اندک است و مردم مهلت اندیشیدن

درباره آنها را ندارند. اکثریت جامعه ایران قوه تشخیص فهم این اصول را می‌نویسد: «بوج بودن نتیجه فرانونامه ۹۶/۹۹٪ آری وقتی آشکار شد که چند ماه بعد، مردم تظاهرات در خیابان‌ها به راه افتاد و این کار گروهی از روحانیان بر ضد رژیم موضع گیری کردند. این الله خمینی نیز تا کید می‌کنند: «به نظر می‌رسد این اعتراضات را رهبری می‌کنند. او از آقامتگاه خود در شهر قم مستقیماً شاه را با لحن تند و مخاطب قرار می‌دهد». با توجه به شرایط پیش آمده، روحانیان به پیشنهاد امام خمینی تصمیم گرفتند به عنوان اعتراضات راه ماه مبارک رمضان آن سال که از هجرت بهمن ماه آغاز می‌شد، از رفتن به مساجد خودداری کنند و برای جلب نظر عمومی در تمام ماه رمضان، مراسم سخنرانی‌ها و مساجد را تعطیل نمایند.

امام در پاسخ به استفتای جمعی از متدینان تهران که از تعطیل این سؤال کرده بودند، می‌نویسد: «فایده این جانب فرانونامه که لحاظ فر بعضی از اشکالات به اسم تصویب ملی خوانده شد، مخالفه رای جامعه، روحانیت اسلام و اکثریت قاطع ملت است». ایشان در ادامه به پاره‌ای از اشکالات این طرح اشاره کرده، بیان می‌دارد: «به پاره‌ای از اشکالات اشاره می‌نمایم: ۱. در قوایین اسلام فر قانون پیش بینی نشده است. ۲. معروض چه مقام صلاحیت دارد فرانونامه نماید این امری است که باید قانون معین کند. ۳. لایحه شش گانه مهمه‌اند و قاضی اعان آنها تا زمان بر کورای فرانونامه اندک است و مردم مهلت اندیشیدن



## اصطلاح‌شناسی

واژه پراگماتیسم مشتق از لفظ یونانی (pragma) و به معنی عمل است. این واژه اولین بار توسط چارلز ساندرز پیرس منتقدان امریکایی به کار برده شد. مقصود او از به کار بردن این واژه، روشی برای حل کردن و ارزشیابی مسائل عقلی بود. اما به تدریج معنای پراگماتیسم تغییر کرد.

پراگماتیسم تحت عنوان عمل‌گرایی، انجام‌گرایی تعریف و ترجمه شده است. این کلمه در فلسفه به معنای فلسفه‌های عمل است؛ اما در علم سیاست معنای اصطلاح عمل‌مصلحت‌گرایی می‌دهد.

این فلسفه اولین بار در اواخر قرن نوزدهم در امریکا توسط اندیشمندانی چون ویلیام جیمز و جان دیویی به وجود آمد. از نظر این اندیشمندان فلسفه پراگماتیسم طبعاً است. فلسفه ایده‌آلیسم که در آن تحقیقات و فایده‌ها صرفاً عقلی و منطقی محض است و فایده‌ای برای انسان ندارد، در حالی که فلسفه پراگماتیسم روشی است برای حل مسائل عقلی که می‌تواند بر سیر ترقی انسان مثبت و سودمند باشد.

به تدریج تعریف اندیشمندان، پراگماتیسم روشی است که با اعتراف از غیر ممکن بودن برخی مسائل و امور، آن مسائل را با توجه به کارکرد و کاربردشان در زندگی می‌پذیرد. از نظر طرفداران این نظریه، پراگماتیسم، عمل‌گرایی و متسامح است. ولی مخالفان پراگماتیسم پیران این نظریه به این باورند که فلسفه کار می‌دانند. این نظریه اولین بار در آمریکا پذیرفته شد و در فلسفه انگلستان با تأثیر از جان فراوان روهبه و شدت صورتی که گفته می‌شود اصل و فلسفه آموزش و پرورش انگلستان بر این پایه استوار است.

از دیدگاه پراگماتیسم معیار حقیقت عبارت است از سودمندی، فایده و نتیجه؛ نه تطبیق با واقعیت عینی. در واقع حقیقت هر چیز به وسیله نتیجه نهایی آن اثبات می‌شود. به عنوان مثال: دین از نظر فلسفه مدرن جای بحث ندارد چون علمی نیست؛ ولی پراگماتیسم آن را با توجه به کار بردش که فوایدی هم‌برای بشر دارد (اخلاقی، اجتماعی و غیره) می‌پذیرد.

منابع:  
۱. قرنی، عبد الوهاب، از مرجعیت تا تبعید امام خمینی، ص ۴.  
۲. روضی، باقر، جگندگرفت‌ها در ایران، مترجم محمود مشرفی، ص ۹۶.  
۳. دلاویز کرمین، سواک، ترجمه محمدالحسن بیگلرک، ص ۹۱.  
۴. روحانی، بیخند، تبیین امام خمینی، ج ۱، ص ۲۰۸.  
۵. جمعی از نویسندگان، انقلاب اسلامی و چراغی و چگونگی رخداد آن، ص ۲۷.



## واما کسانیکه هجرت کردند!

جرای هجرت در نظام اجتماعی اسلام

سید محمد مصطفا امام موسوی

حضرت عبدالعظیم حسنی<sup>۱</sup> یکی از عالمان و شرفای اهل بیت<sup>۲</sup> است که با هجرت به شهری و «هاربا من السلطان» نقش بسیار مهمی در ترویج مکتب اهل بیت<sup>۳</sup> داشت. حرم مطهر ایشان همواره محل رجوع خاص و عام بوده و در تحولات معاصر ایران تأثیر گذار بوده است؛ از آنجایی که شیعیان سید جمال الدین اسدآبادی تا هجرت علمای مشروطه خواه تهران، از نکات لطیف حیات و ممانت این سید واجب تعظیبه پیوند ایشان با اصل «هجرت» است که یکی از اصول اجتماع اسلامی است؛ اصلی که در قرآن کریم بارها بدان اشاره شده و در کتاب ایمان و جهاد از آن یاد شده است:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَآخَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي رَجْعَةِ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>۴</sup> خداوند در سوره انفال می فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَآخَرُوا بِمَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ أُوُوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَهَاجَرُوا مَا لَكُمْ مِنْهُمْ شَيْءٌ وَحَتَّىٰ يَهَاجَرُوا»<sup>۵</sup> در این آیات از سه مرحله ایمان، هجرت و جهاد به عنوان مراحل حیات انسان الهی سخن به میان آمده است. مسئله هجرت در تاریخ اسلام نیز از اهمیت زیادی برخوردار بوده

است و از همان ابتدا، پیامبر اسلام<sup>۶</sup> به مسئله هجرت توجه ویژه داشتند. از جمله مهم ترین آنها هجرت جمعی از مسلمان به رهبری جعفر طیار به حبشه و هجرت تاریخی پیامبر اسلام از مکه به مدینه بود که زمینه شکل گیری دولت اسلامی و در نهایت تمدن اسلامی را فراهم کرد. به دلیل همین اهمیت است که هنگام انتخاب مبدا تاریخ اسلامی توسط خلیفه دوم، امیرالمؤمنین علی<sup>۷</sup> هجرت را به عنوان مبدا تاریخ اسلام معرفی می کند؛ نه اصل بعثت و یسار وقایع دیگری مثل تولد یسار و پیامبر را. هجرت به انواع مختلفی در تاریخ اسلام ادامه داشته است. هجرت صحابه پیامبر، ائمه، فقهاء، محدثین و متکلمان به مناطق مختلف حکومت اسلامی نقش بسیار مهمی در گسترش فرهنگ اسلامی داشته است. همچنین هجرت از مرکز خلافت امویان و عباسیان به اطراف و انکاف مملکت اسلامی، به خصوص ایران، در حفظ و گسترش نقش تشیع بسیار مهمی داشته است. نمونه مهم آن مهاجرت محدثان و عالمان شیعه بود که هم در پی وادی هجرت است که موجب شکل گیری مدرسه علمیه قم و تدوین مهم ترین متون حدیثی، فقهی و کلامی شیعه در این دو شهر شد.

روشن است که بسیاری از این مهاجرت ها،

مهاجرت از روی خوف از شرایط اجتماعی و سستی های بوده است که از طرف حاکمان و اشراف بر مومنان وارد می شده است. مومنان با توجه به نص قرآن کریم در این شرایط چاره ای جز هجرت نداشته اند؛ چرا که هجرت در شرایط خوف و مشقت، بهترین راه برای حفظ اسلام و گسترش آن است.

انسان ها به طور عادی تحت تأثیر شرایط طبیعی، اجتماعی و حتی تاریخ هستند و در این تأثیر پذیری است که شخصیت خود را می سازند و سبک زندگی را انتخاب می کنند. از میان همه این عوامل نقش جامعه بسیار پر رنگ و سازنده است. از نظر برخی از اندیشمندان اسلامی، جوامع از هویت مستقل متمایز نسبت به یکدیگر برخوردارند و این هویت مستقل آنها برآمده از روح حاکم بر جامعه که همان فرهنگ است، می باشد. فرهنگ به مرور زمان در جامعه شکل می گیرد و در ضمیر بین الذهانی افراد جامعه ثبت شده، در سنت ها، ارزش ها و آداب و رسوم متبلور گشته است. عناصر اجتماعی همچون سیاست و اقتصاد و همه روابط انسانی افراد جامعه بر اساس فرهنگ و ارزش های حاکم بر جامعه شکل میگیرد. این رفتارها به تدریج مفصل بندی منسجمی را در سطوح مختلف

جامعه شکل می دهند؛ به نحوی که این جامعه نسبت به جوامع دیگر دارای غیریتی واضح و تمایزی عینی در اندیشه و رفتار می شود. وضعیت باعث می شود ذهن و فکر، میل و گرایش، و رفتار و فعالیت همه افراد تحت سلطه همین نظام گفتمانی حاکم بر جامعه سامان یابد و آنان را محکوم به پذیرش چارچوب ها کند. این روند امکان خروج از چارچوب های حاکم را از افراد سلب کند. اگر چه انسان در وضعیت عادی و به لحاظ اجتماعی محکوم به پذیرش و قبول شرایط است، اما در درون خود دارای توان و قدرت مخالفت با وضع موجود و نظام گفتمانی حاکم بر جامعه را دارد. فرد می تواند در عرصه فکر و عمل دست به تغییر بزند و خلاف شرایط مقبول فکر کند، موضع بگیرد و اقدام نماید. به تعبیری خلاف جریان اجتماعی حرکت کند حتی سعی کند که جامعه را نیز با خود همراه کند و غل و زنجیرهای که بر دست و پای افراد زده شده است را باز کند.

هرگاه چنین افرادی در جامعه پیدا شوند گمنان انسان و کلیت جامعه تعارض ایجاد می شود. حاکمان، اشراف و حتی نخنگان اجتماعی چون نقش حیاتیگری از وضع موجود را دارند جلوی اقدامات فرد متخاصمی را می گیرند و در برابر

انتشار دیدگاهها و انجام فعالیت های آن فرد به سختی می ایستند. در چنین شرایطی مخالفان وضع موجود، که اقلیت ناچیز جامعه را دارند، چندان بهیشت ندارند. سازش و ورها کردن آرمان ها و عقاید خود و جمسوسی با جریان موجود<sup>۸</sup>؛ شورش و کودتا<sup>۹</sup>؛ هجرت.

در آموزه های اسلامی دو راهکار اول نکوهش شده است و بر اهرارک سوم که همان هجرت است، تأکید شده است. از جمله آیهی که بر ذم ترکان هجرت در قرآن آمده است چنین است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا هُمْ كَتَمُوا كِتَابَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ قَالُوا لَوْلَا كُنَّا كُنْتُمْ ضَعِيفِينَ فَمَا جَاءُوا بِهَا فَيُهَا فَأَوْلَا كُنَّا هُمْ وَأَمْ هُمْ ضَعِيفُونَ وَأَسَاءَتْ صُورَةُ الَّذِينَ فِي رُؤْيَاهُمْ أَنَّهُمْ كَتَمُوا حَقَّ الْقَوْلِ مِن دُونِ مَعْلَمِهِمْ»<sup>۱۰</sup> در شرایطی که چه حق در اقلیت است و تسوان رویاروی مستقیم با چه باطل حاکم بر جامعه و منابع آن را ندارند، چاره ای جز هجرت نیست؛ تا هم خود را از غل و زنجیرهای اجتماعی اجتناب دهند و هم در شرایط و بستر مناسبی بتوانند به تقویت و گسترش اندیشه و فکر جامعه حق بپردازند و با تربیت انسان های ازاده زمینه یک تحول گسترده را فراهم کنند. در این نگاه، هجرت آزاد کننده و سازنده انسان است. هجرت ترک جامعه برای بازگشت دوباره به جامعه برای

بی نوشتار:  
۱. نجاشی، الرجال، قم، مؤسسه نشر اسلامی  
۲. وایسته، جامعه عربین، ۱۴۳۲، ص ۲۴۸.  
۳. بقره، ۲۱۸.  
۴. انفال، ۷۴.  
۵. اساء، ۲۷.

آغاز دوران نوین، فرهنگ تازه و انسان تازه است. هجرت یک اصل عملیاتی و راهبردی برای زمینه سازی جهاد و تغییر شرایط منحن زندگی انسان است؛ از این رو در آیات متعدد قرآن هجرت علاوه بر آثار و ثمرات مهمی چون حفظ جان مومنان و زمینه سازی برای جهاد آثار فراوان دیگری نیز دارد که تبیین همه آن آثار نیازمند نوشتاری مفصل است؛ برخی از آنها عبارت اند از: ۱. ایجاد نگرش کل نگر و بیرونی و درجه دوم به جامعه مدام ۲. بستری برای تبادل فرهنگی و انتقال فرهنگ ها، ارزش ها و دانش های بشری است؛ ۳. تبلیغ دین اسلام در سراسر جهان؛ ۴. تقویت روحیه جهاد و فرست های حرکت جهانی در کشورها در جهت مصالح اسلام.

هجرت آزاد کننده و سازنده انسان است. هجرت ترک جامعه برای بازگشت دوباره به جامعه برای آغاز دوران نوین، فرهنگ تازه و انسان تازه است. هجرت یک اصل عملیاتی و راهبردی برای زمینه سازی جهاد و تغییر شرایط منحن زندگی انسان است؛ از این رو در آیات متعدد قرآن هجرت مقدم بر جهاد آمده است.



## قانون باطن اخلاق

علی صادقی سرشت

پیامبر ﷺ ازواج را محبوب‌ترین بنا نزد خداوند بعد از اسلام معرفی کرده است. آذاره این بنا هم نیاز به قانون دارد و هم اخلاق. قانون این بنا اگر از کمال «مودت و رحمت» عبور نکند زبری آن با شیرینی اخلاق تلفیق می‌شود. از این رو در موازین حقوقی مربوط به خانواده توصیه به حفظ و رعایت اصل «معروف» بیان شده است. این توصیه در آریات مختلفی از قرآن به بیان های مختلفی می‌توان مشاهده کرد:

- «أَلَسْ كُنْتُمْ بِمُعْزُوفٍ أَوْ سُرْقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ» اگر ادامه زندگی میسر نبود زنان را طلاق دادید و عیاش به سر آمد، می‌توانید یا به طرز پسندیده و معروف آن را نگاه دارید و زمینه را برای آشتی فراهم سازید. او یا ایشان را به طریق پسندیده و مورد تأیید، هر سازید».
- «وَعَلَى الْمُؤَلَّفِينَ لَهُ رِزْقًا حَتَّىٰ يَضْمُوا يَأْتُمُوهُنَّ» هزینه زندگی مادر از نظر خوراک و پوشاک بر عهده کسی است که فرزندان آن اوست، به گونه‌ای شایسته در حد معروف».

این تلقیق لطیف، یعنی آمیختن مسائل حقوقی موازین اخلاقی که از شاهدگان و روشناسی تربیتی اسلامی است، به صورت از ناحیه دین مورد تأکید قرار می‌گیرد:

۱. توصیه به اصل «عفو»؛ «وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» عفو کنید به تقوی نزدیک است».
۲. توصیه به اصل «فضل»؛ «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَكْفَلُ يَتَّقُوا» گذشت و نیگوارگی در آرزوی دین خود می‌کنند».
۳. توصیه به اصل «صلح»؛ «وَالصَّلَاحُ خَيْرٌ» در هنگام بروز اختلاف صلح و آشتی بهتر و مفیدتر است».

در این نوشتار با تکیه بر منابع روایی، باورهای پدید آمده دینی یا موجود است و آشنایی و التزام به آنها سبب شکل گیری این اصل است. می‌شود ایرادی می‌گیرد:

۱. بخشش خاطر، بر عزت

**بخشندگی می‌آزاید** یک باور غیر منطقی و اشتباه در برخی زوج‌ها که نمی‌توانند همسرشان را ببخشند آن است که می‌گویند «اگر ببخشیم فکر می‌کند کم آورده‌ام یا اگر ببخشیم کوچک می‌شوم» حال آنکه دین مبین اسلام با فرمایشات اهل بیت ﷺ به اصلاح این باور غیر منطقی اقدام می‌فرماید و این باور را با اگر ببخشی، عزیز می‌شوی عوض می‌کند. پشت پرده این باور را می‌توان این دانست که اگر ببخشی در حقیقت به سخن خداوند متعال کرده‌ای و هر آنکس با خدا باشد از آنجا که خداوند عزیز است، عزیز خواهد شد. بنابراین بخشش همسر بر عزت خود خواهد افزود. اگر باور یک فرد مسلمان این شود که بخشش همسر، نه تنها موجب خوری نیست، بلکه به لطف الهی باعث سر بلندی خواهد شد، در نتیجه زمینه تأیید عفو در زندگی فراهم خواهد شد. در این زمینه می‌توان به روایات تأیید کننده باور مورد بحث اشاره نمود:

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

کسی که از ستمی در می‌گذرد، در عفو، خداوند در دنیا و آخرت، به وی عزت می‌دهد.

حضرت در طی حدیثی برای تحقق سه ستمی سوزگند می‌خورد، از جمله هر کس از ستمی بگذرد، خداوند عزت او بفریاد».

● بر شما باد گذشت کردن، که عفو جز بر عزت بنده نیفزاید؛ پس عفو کنید تا خداوند شما را عزیز گرداند».

۲. از همسر خود به سبب لطفی که در حق او کرده‌ایم، توقع تشکر نداشته باشی. اگر این باور در ما شکل نگیرد، به آنچه از لطف به همسر کرده‌ایم، در حقیقت به خود کرده‌ایم. دیگر همسرمان را بر سرک منصوب شده است، از فراموشی بزرگ که همانا ضایعیت پشت است و غرضش شهادت نمی‌کند. البته وظیفه همسر در مقابل لطفی که در حق او شده است تشکر است؛ اما اگر نکرند نباید خود را راحت کرد؛ چرا که ما

بالمقابل خود به او در حقیقت توبایی از ناحیه خداوند منتوجه خود کرده‌ایم و در حقیقت طرف حساب ما خداوند است نه همسرمان. وجود این باور در هر یک از زوجین سبب می‌شود تا توفیقی نسبت به تشکر و جبران از طرف مقابل نداشته باشد. روشن است که از بین رفتن زمینه توفقات، یعنی از بین رفتن سلسله‌ای از کشمکش‌ها و روحیه شکل گرفته از این باور، زمینه‌ساز همان روحیه فضل و بزرگواری در زندگی زناشویی است که البته در نهایت این روحیه زمینه صلح راهم فراهم خواهد کرد. در این راستا توجه به روایات زیر مفید است:

● امام صادق علیه السلام کسی که بلد آنچه کرده، به خود کرده‌ام در می‌سازد؛ کنده می‌شرد و انتظار افزایش مودت از آن‌ها ندارد؛ پس تشکر کنی که به خود سود کرده‌ای و ابوی خود را با آن حفظ نموده‌ای؛ از دیگران محروم».

● امام علی علیه السلام کسی که از تو میساز کناری نمی‌کند؛ نباید تو را نسبت به نیکی کردن، بی‌غبت سازد؛ زیرا بی‌غبتی کسی که او را نکر کنی تو بهراری نمی‌برد؛ یعنی خداوند از او قدر دانی می‌کند و او سبب کناری این کنی، به بیش از آن چیزی می‌سی که فرد سبب فرزند گشته است و خداوند، نیکی کاران را دوست می‌دارد».

۳. زن خود را خادسی از ناحیه خداوندی از شوهرش بیاندازد این باوره و صورتی است تا نزد میساز تقویت فعلی و بزرگواری در خاتم خانه باشد؛ کسی که خود را خادم و خدمت گزار دیگری بداند، از فراموشی باور پیچی نمی‌کنند؛ زن اگر این باور را داشته باشد تا آنچه خداوند به خدمتکاری بزرگش منصوب شده است، از فراموشی بزرگ که همانا ضایعیت پشت است و غرضش شهادت نمی‌کند. رضایتی در قیامت بالاترین قوز و رستگاری است، سر یاز نند. وقتی ما خود را خدمت گزار کردیم فرزندان و

کریمی بدانیم سعی می‌کنیم تجلی دهنده روح اوست و بزرگواری را با پیشیم. خداوند بالاترین مصداق فضل است و چنانکه مختار فردی، سعی می‌کند خود نیز در این صفات استوار باشد. از سببی وقتی مردم ببینند همسر او چنین باور دینی لطفی دارد، او را نیز زمینه فضل و کرم برانگیخته خواهد شد.

در تأیید این باور می‌توان به روایات زیر اشاره نمود:

● خیر سناکم الخس ... نزد خوی اهل مدارا که اگر شوهرش غضب کند، خشم نمی‌گیرد و از او راضی است. او خدای از خادمان الهی است و خادم الهی خبات نمی‌کند».

● رسول خدا ﷺ: هر زنی که به همسرش آب دهد، از یک سال که روز هایش را روزه و شب هایش را نپزد، تا بزرگوار شود، برتر است».

● رسول خدا ﷺ: هر زنی که در خانه شوهر خود، به قصد مرتب کردن آن، چیزی را جابه‌جا کند، خداوند به او نظر (لطف) می‌کند و خدایه هر کس نظر (لطف) کند، عیاشی نمی‌دهد».

۴. همسرمانت را از ناحیه خداوند نبرد، مرد است و وقتی امتی از کسی نبرد ما گذشته می‌شود، هم عقلم، هم فرا هم و شرعاً بر ما لازم است که از آن امت به نحو شایسته مراقبت کنیم. ما این حال هر چه امتان گزار، شخصی کبریت و محترم‌تری باشد، مراقبت از امتی او از اهمیت بالاتری برخوردار است، به خصوص اگر در حفظ آن تا کید هم داشته باشد. خداوند بی‌زور وایت، زنان را در دست شوهر نشان قرار داده است؛ تا برای آنها آرام است که از سلامت این امتان تا آرام جسمی و روحی و امانت حاصل نماید. تا سزاوار امتی است و صالحه به حدیثی است که از آنجا می‌آید: رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «ای مرد جوان! نزد شوهر اصبرند. اختیار سوز و زانی برای خویش ندارد. آن‌ها را به عنوان امانت خداوند گرفتند و باید کلمات

کرمی بدانیم سعی می‌کنیم تجلی دهنده روح اوست و بزرگواری را با پیشیم. خداوند بالاترین مصداق فضل است و چنانکه مختار فردی، سعی می‌کند خود نیز در این صفات استوار باشد. از سببی وقتی مردم ببینند همسر او چنین باور دینی لطفی دارد، او را نیز زمینه فضل و کرم برانگیخته خواهد شد.

خداوند بر خوشن حلال کرده‌اید».

یاد که در حفظ این امانت توجه به فضای فصل در زندگی است تا بزرگواری اصل سلامت روانی این امانت الهی حفظ شود. وقتی همسر مشاهده کند شوهرش دید امانت گونه و مقتدی نسبت به او دارد، از ناحیه او نیز میل به عفو، فضل و صلح تقویت می‌شود. او تلقیف معین شده در حفظ این امانت است که چندی شدن آنها جلوگیری کنیم. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا».

### پیشنهادهای:

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۲.
۲. تفسیر آیه ان علی بن ابی طالب است و انما یحضره الفقیه و انما یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۲.
۳. تفسیر آیه ان علی بن ابی طالب است و انما یحضره الفقیه و انما یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۲.
۴. تفسیر آیه ان علی بن ابی طالب است و انما یحضره الفقیه و انما یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۲.
۵. تفسیر آیه ان علی بن ابی طالب است و انما یحضره الفقیه و انما یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۲.
۶. تفسیر آیه ان علی بن ابی طالب است و انما یحضره الفقیه و انما یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۲.
۷. تفسیر آیه ان علی بن ابی طالب است و انما یحضره الفقیه و انما یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۲.
۸. تفسیر آیه ان علی بن ابی طالب است و انما یحضره الفقیه و انما یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۲.
۹. تفسیر آیه ان علی بن ابی طالب است و انما یحضره الفقیه و انما یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۲.
۱۰. تفسیر آیه ان علی بن ابی طالب است و انما یحضره الفقیه و انما یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۲.
۱۱. تفسیر آیه ان علی بن ابی طالب است و انما یحضره الفقیه و انما یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۲.
۱۲. تفسیر آیه ان علی بن ابی طالب است و انما یحضره الفقیه و انما یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۲.
۱۳. تفسیر آیه ان علی بن ابی طالب است و انما یحضره الفقیه و انما یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۲.
۱۴. تفسیر آیه ان علی بن ابی طالب است و انما یحضره الفقیه و انما یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۲.
۱۵. تفسیر آیه ان علی بن ابی طالب است و انما یحضره الفقیه و انما یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۲.
۱۶. تفسیر آیه ان علی بن ابی طالب است و انما یحضره الفقیه و انما یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۲.
۱۷. تفسیر آیه ان علی بن ابی طالب است و انما یحضره الفقیه و انما یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۲.



شهر ۱۶۶  
مهر ۱۳۹۱



ایستادگان ادبیات و هنر

## عارف شاعر

بررسی کوتاه زندگی عارف دلسوخته حضرت آیت‌الله‌عاجب‌عباس‌تهرانی  
حمیدشهبندی



سلوک مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی شد و دوستی گرم و مجالست با امام خمینی و برخی دیگر از شاگردان برجسته حاج شیخ را برگزید.

مولف آثار اجتماعی او از چنین می‌ستاید: «عارف مجاهد و اکابر مدرسن و اصحاب مرحوم آیت‌الله حاجی آقا جمیع معقول و منقول، حاوی فروع و اصول، عالم ربانی و استاد اخلاق و حکمت است. منظرش نورانی و مطمئن الهی است، کلماتش حکیمانه و بیانشان خالصانه، گفتارش روح افزا و مواظقتش دلنشین، طبعش روان و دوشش فراوان است».

شیخ عباس‌تهرانی اگر چه از فرزندان فقه و اصول و حکمت و عرفان بود؛ اما مواضعنامه تمام توان خود را در تربیت طلاب و عامه مردم گذاشت. مساجد این شهر قلم، به یزید مسجد مدرسه سقایی و مدرسه و حجتیه، خاطرات ماندگاری را از مواظبتش و بیدار کننده او در حافظه دارند. مجلس دعای ندبه وی، محفل سلوک و سیر الهی و مجلس خوسدازی و پروراز روح بودی نوای گرم و سوزان و صفای باطنی و معنوی خاصی به مجالست می‌بخشید.

سرانجام آن حکیم فرزانه و عارف شوریده پس از ۷۶ سال خدمت به مردم و تربیت نفوس در سال ۱۳۸۵ هجری قمری (۱۳۴۴ شمسی) روح پاکش در عرش آشیان آن دروس از تشییع با شکوه، بیکرش میهمان خوان کرامت کریمه اهل بیت، حضرت معصومه علیها السلام شد.

از وی آثار ارزشمند برجای مانده است که از آن جمله اند: اقدام المعلوم الموعوف فیه دین و وجدان (دروس اخلاقی وی در مدرسه حجتیه قلم) و دیوان اشعارش که سرشار از نکات آموزنده و عبرت‌انگیز است و نشان از بلوغ و ذوق زلال وی دارد. ایشان معلم و عارفی و مواظب اخلاقی را هنر منتهای به نظم در او در دست داد. دیوان اشعار ایشان به چاپ نرسیده است. این قطعه‌ای در تذکره‌ها و کتب تراجم و رجال به یادگار مانده است:



کفتر شعر

## لبان حضرت هادی چرانه دوست

به کوشش فاطمه سعیدی

ولات امام حسن عسکری علیه السلام

دو باره پای غزل سوسنان دوان شده است  
حروف واره عشقم ترانه خون شده است  
درفش و قایقه‌هایم فقط به نوق شمس است  
که اینچشم همه مهر رنگ آسمان شده است

زبان رویه سوی قیله مانده طبعم  
زبان رسید و انگار پر توان شده است  
فضای ایی شعر نامر، مقدمتان  
پهار هم به قیوم شما جوان شده است  
نمی یاراش حسین شما و آل شما  
کتاب شبر و غزل خالی شاعران شده است  
فضای شعر پر از لطمه بی کرانه توست  
زبان فرود که خانه خانه توست  
چون هستی به خلق خدا دی  
اگر چه چشم زمین پای خوش یگدازی  
شکب و پستی و پای آسمان خدا  
کنار می کنی ساعتی که می یاری  
فرشگان همه مهوت چلو و پوت  
چهارپایه... عجب بار... چه دلاری...  
تو آخرین گل یاسی که کشش هایت را  
به کوچگاه قدیمی شهر می کاری  
پس از تو صبح مدینه در نخواهد دید  
طلوع نسل خدا را زانم یباری  
لبان حضرت هادی پر از ترانه توست  
کرم نما و فرود که خانه خانه توست  
اگر چه عمر تو ایام کثرتی دارد  
ولی به عمر خود نوح برتری دارد  
پشتی کوی توانم... نم غباری از کویت  
کجا و دهه و جنت برابری را داد؟  
کنام دلبری... آن هم به نقد جان دادن  
شبیبه و مثل تو آن قدر مشتکی دارد

## وفات حضرت معصومه علیها السلام

یوسف رحیمی

آمدی و پیشتر را با خود  
به دل این کویر آوردی  
کوثرانه قدم زدی در شهر  
خبرهای کثیر آوردی

آمدی و شمام هر کوجه  
پر شده از شمیم احساسات  
یا دگاری مادر تزار هست  
عطر نام تو، نغمه باست

دل مریض من آقا اگر چه ناخوش بود  
ولی به لطف تو اوضاع بهتری دارد  
گدای ریزه خور سرفره تو سلطان است  
چرا که بر سر خود تاج سروری دارد  
نگاه ماست که دنبال آب و خانه توست  
کرم نما و فرود که خانه خانه توست

خوشایه حال کسی که هوایت باشد  
گدای روز و شب سامر است  
شند هر که حدیث توای پس برده  
همیشه مست کلام خدایت باشد  
عبادت تو میان درندگان یعنی  
چهار به سلطه فرمانروایت باشد

کسی که در وطنش خان رضادار  
حلاک کنیه ان الرضایت باشد  
خوشا به آنکه به یاد شریع شش گوشت  
مسافر حرم کربلا بیت باشد

چهار رفتن که می زنی ناگاه  
دل فلک کوچه کوچ می گیرد  
از کربلی که دل به تو بسته  
از قراقی تو... آهی میرد

خاطر آسمانی انگار  
گاه گاهی غبار غبار دارد  
بغض‌های شکسته ناگاه  
چشم‌هایی که دم به دم دارد...

شمله او... قلب بی‌تابت  
درب آشتیایی می سوزد  
همه شعر را اگر شاعر  
چرا که از قراقی می سوزد

چشم‌های تو چشمه کوثر شد  
یا داری وداع آخر آ  
دل خواهر چگونه تاب آورد  
حسرت دیدن بر اثر آن

زینب حضرت رضایی و  
چشم‌هایی پر از شفق داری  
دیدن غربت «ولی» سخت است  
بانوی بی قرار حق داری

آمدی از مدینه تا آزاران  
برسانی چنین پیامت را  
یا دگاری مادر تزار هست  
لحظه‌ای غربت آمارا

سیره ناب فاطمی این است  
راه را بر همه نشان دادی  
تو شهید و ولی بی‌بانو  
در هوای امام جان داری

سیره ناب فاطمی این است  
مادر تار به پای مولایش...  
محشش جای خود، خود حاد  
بشدت ز شفقای مولایش

بین کوچه کوید شبارو  
ولی اسباب و سببش شد  
آدمت شکسته دادر  
بانی نهضت رشیدی شد

سیره ناب فاطمی یعنی  
درب‌شیر زادت عباس  
نشدت آب از فراق برقیست  
دست و مشنگ و آب گمان

دست‌های قلم شدند آن روز  
تأخیرت حمله بنویسد  
همه شعر را اگر شاعر  
چرا که از قراقی می سوزد

دست‌های تو چشمه کوثر شد  
یا داری وداع آخر آ  
دل خواهر چگونه تاب آورد  
حسرت دیدن بر اثر آن







## از مغز تا طلالی عمل

نگاهی متفاوت به ساخته‌های غلابی و مس مبدی‌بررسی



پس از پیروزی شکوهمند انقلابی که با نام اسلام خردتر از هر کتاب تاریخ یک‌نموده، هم‌ه امروز از صحنه گرفته تا خود، رفتار اجتماعی و نام خیابان‌ها در ایران تحت تأثیر این انقلاب خود یافته‌اند. زمانه تغییر یافته، سینما و هنر هفتم نیز از این قاعده مستثنای نبود. این موضوع در سینما عمدتاً به علت فقدان ارتباط سامان یافته میان اصحاب سینما و روحانیت با فقر محتوای مورد تأیید اسلام و بی‌برهه و نگاه سینمایی پس از انقلاب به حضور زن در جلوس و دوربین به دلیل محوریات این عنصر در سینمای پیش از انقلاب، کمال گنگ است و توسط هیچ یک از فیلم‌های تولید شده توسط سینمایمان در سال ۱۳۸۵ منبوعوزن نیز پرداخته بودند و تنها در یکی، دو پلان زن در سینمای ۱۳۸۵ حضور داشت.

در بخش اول تحلیل این فیلم که در شماره قبلی به چاپ رسید، ضمن معرفی فیلم و نام خالق اثر، به شخصیت‌های مختلف داستان نیز پرداخته شد. در ادامه سعی می‌شود تا بررسی فضای حاکم بر فیلم مورد تحلیل و تحلیل رفتار کردید. اگر بخواهیم در تحلیل این فیلم عمیق‌تر شویم ابتدا باید به سراغ شخصیت سیدرضا خادم نیشوری برویم. سیدرضا ضابطه اولیه است که چند شهر را در دوران طلایی به جستجوی علم طی کرده است و اکنون عمل را گذشته خود یافته است و چاره‌شناسی‌اش را حضور و پهرمندی از کلاس درس اخلاق حاج آقا حمید دیده است.

سیدرضا نمودار انسانی است که تلخ و شیرین دنیا از منظر اوست؛ اینکه بر سر میز سرتراوی پینتر ازخوری، چه در پشت‌وانی و بالیاں طلایی در کنار بار منتظر تمام شدن سفارشات باشی، چه جایی بازاری در قفسه دار حال زانگشتی مردان سر در ماندگی ات ببینی، چه در پشت دار قالی سوسوی چشمی در ابرای تمام کار قالی نگارگی ببینی و چه کسی که تیراب و نادیده تو محقق نارام شده بود و بهمنی از سخنان نیش دار به سمت زانو نموده بود را امروز در صحن و سرای خود در جستجوی قطری آرایش ببینی؛ اینها همه و همه امزمن‌های است.

مطلبه‌های که آنکس آن در فیلم مودیسماری دارد نگاه انتقادی به فرهنگ جامعه است. این نگاه همان ابتدای فیلم در گفت‌وگو سیدی رضا با کتاب فروش نمود پیدا می‌کند. کافر شو می‌بوند دهنده دو قفسه فرهنگی و تاجر است. به همین دلیل به دانه دو قفسه اصلی جامعه آشنایی دارد و بدو علم‌رئه همین خلاق و خلق، جستجوی کتب اخلاقی را نیز پیش می‌داند. کارگردان در صحنه‌های جمله «گمشده جامعه ما اخلاقی است» را از کلیشه خارج کند و به عنوان راهکار، به مخاطب ارائه دهد. احترام متقابل و به نوعی کامل در خانواده سیدرضا نیز کارگردان در گذشته‌های فرهنگ ایرانی است. مخاطب به طور ناخودآگاه در برخورد با سیدرضا، او را به عنوان نهاد خانواده دیگری مد نظر قرار می‌دهد و پس از آگاهی از ترک برداشتن



## معرفی کتاب: مطلع عشق



علی صادقی سرشت  
بدون همدیگر نمی‌پسندیدشان!  
لحظه‌بندیشان فرارسید؛ اکنون  
این دو مورارد می‌خواهند در  
یک صف قرار گیرند آن هم  
بنا بر خواست و رضای صاحب  
دل‌ها. دو دست را یکی می‌کنند  
تا با دستی بلندتر بتوانند به معبود  
نزدیک‌تر شوند.

«این طور هم نیست که بگویم همه جا خانم باید از آقا تعظیم کند؛ نخیر، چنین چیزی نه در اسلام دارد و نه در شرع.» «الرجال قیومون علی النساء» متن‌اش این نیست که زن باید در همه امور با تبع شهروار باشد؛ نه! یا مثل برخی از آن اروپایی‌های بدتر از اروپا و مقلد اروپا بگویم که زن باید همه کاره باشد و مرد باید تابع باشد؛ این هم غلط است. بالاخره دو تا شریک و با همق شنیدنی یک جمرد کوتاه یابید، یک جان کوزه کار یابید، یکی اینجا از خواست و سلیقه خود بگذرد، دیگری در جای دیگر، تا بیاوید یا یکدیگر زندگی کنید.»

«موظف داخل خانه زنان، نه همیشه کمتر از وظایف بیرونی است و نه اینکه زحمتش

کمتر است؛ شاید زحمتش بیشتر هم باشد و او هم برای اینکه این محسوس را دانه کند، به تلاش و کوشش احتیاج دارد چون مدیر داخل خانه زنان، هستند. این کسی که آدره که می‌دانست، یعنی آن کسی که محیط خانواده تحت اشراق اوست، برخی فکر می‌کند که اگر زنی مثلاً کارش عبارت شد از همان کار منزل، این اهانت به زن است؛ نه! هیچ اهانت نیست، بلکه مهم‌ترین کار برای زن این است که زندگی را سنگ دار کند. بعضی از کارهای خانه خسته‌کننده است. بجمداری از آن کارهای خیلی است. شما هر کاری را از رویه بگویم که زن باید همه کاره باشد و مرد باید تابع باشد؛ این هم غلط است. بالاخره دو تا شریک و با همق شنیدنی یک جمرد کوتاه یابید، «ما به مردها همیشه سفارش می‌کنیم وقتی کار دارند، استیصال دارند از خانه و زندگی قهر نکنند. ما معمولاً به کسانی که شراب‌نوش می‌کنند، سفارش می‌کنیم طغیان‌ها را بپزند با زن و بچه‌شان باشند. در محیط اطراف خود، غذایشان

را بخورند، یک ساعتی با هم بمانند و بعد بیایند دنیا کارشان، باز حتما در زمان مناسب، اول شب بروند بچه‌ها را ببینند، ملاقات خانوادگی حقیقی داشته باشند.»

توفیق‌نصیب برخی از جوانان ایرانی شد تا عقد ازدواج تمام‌وقت، با دوستی، یعنی آن کسی که محیط خانواده تحت اشراق اوست، برخی فکر می‌کند که اگر زنی مثلاً کارش عبارت شد از همان کار منزل، این اهانت به زن است؛ نه! هیچ اهانت نیست، بلکه مهم‌ترین کار برای زن این است که زندگی را سنگ دار کند. بعضی از کارهای خانه خسته‌کننده است. بجمداری از آن کارهای خیلی است. شما هر کاری را از رویه بگویم که زن باید همه کاره باشد و مرد باید تابع باشد؛ این هم غلط است. بالاخره دو تا شریک و با همق شنیدنی یک جمرد کوتاه یابید، «ما به مردها همیشه سفارش می‌کنیم وقتی کار دارند، استیصال دارند از خانه و زندگی قهر نکنند. ما معمولاً به کسانی که شراب‌نوش می‌کنند، سفارش می‌کنیم طغیان‌ها را بپزند با زن و بچه‌شان باشند. در محیط اطراف خود، غذایشان

را بخورند، یک ساعتی با هم بمانند و بعد بیایند دنیا کارشان، باز حتما در زمان مناسب، اول شب بروند بچه‌ها را ببینند، ملاقات خانوادگی حقیقی داشته باشند.»

توفیق‌نصیب برخی از جوانان ایرانی شد تا عقد ازدواج تمام‌وقت، با دوستی، یعنی آن کسی که محیط خانواده تحت اشراق اوست، برخی فکر می‌کند که اگر زنی مثلاً کارش عبارت شد از همان کار منزل، این اهانت به زن است؛ نه! هیچ اهانت نیست، بلکه مهم‌ترین کار برای زن این است که زندگی را سنگ دار کند. بعضی از کارهای خانه خسته‌کننده است. بجمداری از آن کارهای خیلی است. شما هر کاری را از رویه بگویم که زن باید همه کاره باشد و مرد باید تابع باشد؛ این هم غلط است. بالاخره دو تا شریک و با همق شنیدنی یک جمرد کوتاه یابید، «ما به مردها همیشه سفارش می‌کنیم وقتی کار دارند، استیصال دارند از خانه و زندگی قهر نکنند. ما معمولاً به کسانی که شراب‌نوش می‌کنند، سفارش می‌کنیم طغیان‌ها را بپزند با زن و بچه‌شان باشند. در محیط اطراف خود، غذایشان

را بخورند، یک ساعتی با هم بمانند و بعد بیایند دنیا کارشان، باز حتما در زمان مناسب، اول شب بروند بچه‌ها را ببینند، ملاقات خانوادگی حقیقی داشته باشند.»

توفیق‌نصیب برخی از جوانان ایرانی شد تا عقد ازدواج تمام‌وقت، با دوستی، یعنی آن کسی که محیط خانواده تحت اشراق اوست، برخی فکر می‌کند که اگر زنی مثلاً کارش عبارت شد از همان کار منزل، این اهانت به زن است؛ نه! هیچ اهانت نیست، بلکه مهم‌ترین کار برای زن این است که زندگی را سنگ دار کند. بعضی از کارهای خانه خسته‌کننده است. بجمداری از آن کارهای خیلی است. شما هر کاری را از رویه بگویم که زن باید همه کاره باشد و مرد باید تابع باشد؛ این هم غلط است. بالاخره دو تا شریک و با همق شنیدنی یک جمرد کوتاه یابید، «ما به مردها همیشه سفارش می‌کنیم وقتی کار دارند، استیصال دارند از خانه و زندگی قهر نکنند. ما معمولاً به کسانی که شراب‌نوش می‌کنند، سفارش می‌کنیم طغیان‌ها را بپزند با زن و بچه‌شان باشند. در محیط اطراف خود، غذایشان

را بخورند، یک ساعتی با هم بمانند و بعد بیایند دنیا کارشان، باز حتما در زمان مناسب، اول شب بروند بچه‌ها را ببینند، ملاقات خانوادگی حقیقی داشته باشند.»

توفیق‌نصیب برخی از جوانان ایرانی شد تا عقد ازدواج تمام‌وقت، با دوستی، یعنی آن کسی که محیط خانواده تحت اشراق اوست، برخی فکر می‌کند که اگر زنی مثلاً کارش عبارت شد از همان کار منزل، این اهانت به زن است؛ نه! هیچ اهانت نیست، بلکه مهم‌ترین کار برای زن این است که زندگی را سنگ دار کند. بعضی از کارهای خانه خسته‌کننده است. بجمداری از آن کارهای خیلی است. شما هر کاری را از رویه بگویم که زن باید همه کاره باشد و مرد باید تابع باشد؛ این هم غلط است. بالاخره دو تا شریک و با همق شنیدنی یک جمرد کوتاه یابید، «ما به مردها همیشه سفارش می‌کنیم وقتی کار دارند، استیصال دارند از خانه و زندگی قهر نکنند. ما معمولاً به کسانی که شراب‌نوش می‌کنند، سفارش می‌کنیم طغیان‌ها را بپزند با زن و بچه‌شان باشند. در محیط اطراف خود، غذایشان

را بخورند، یک ساعتی با هم بمانند و بعد بیایند دنیا کارشان، باز حتما در زمان مناسب، اول شب بروند بچه‌ها را ببینند، ملاقات خانوادگی حقیقی داشته باشند.»

توفیق‌نصیب برخی از جوانان ایرانی شد تا عقد ازدواج تمام‌وقت، با دوستی، یعنی آن کسی که محیط خانواده تحت اشراق اوست، برخی فکر می‌کند که اگر زنی مثلاً کارش عبارت شد از همان کار منزل، این اهانت به زن است؛ نه! هیچ اهانت نیست، بلکه مهم‌ترین کار برای زن این است که زندگی را سنگ دار کند. بعضی از کارهای خانه خسته‌کننده است. بجمداری از آن کارهای خیلی است. شما هر کاری را از رویه بگویم که زن باید همه کاره باشد و مرد باید تابع باشد؛ این هم غلط است. بالاخره دو تا شریک و با همق شنیدنی یک جمرد کوتاه یابید، «ما به مردها همیشه سفارش می‌کنیم وقتی کار دارند، استیصال دارند از خانه و زندگی قهر نکنند. ما معمولاً به کسانی که شراب‌نوش می‌کنند، سفارش می‌کنیم طغیان‌ها را بپزند با زن و بچه‌شان باشند. در محیط اطراف خود، غذایشان

شماره ۱۶۹ بهمن ۱۳۹۱

۷۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱

۱۳۹۱



## معرفی کتاب: مدیریت و فرماندهی در اسلام

به کوشش ناصر جعفر آبادی



این کتاب با توجه به دستورات و توجه فرامین اسلامی به امر مدیریت تهیه و تنظیم شده است. آنچه در یک جامعه اسلامی به آن نیاز است توجه به دستورات دینی و اسلامی است که سرچشمه بسیاری از برکات خواهد بود. توجه مدیران اسلامی به این گونه موارد، به ویژه دستوراتی که در راستا با

اهداف مدیریتی ایشان است، می تواند راه را برای ارتقای فرهنگ جامعه فراهم آورد و آنچه مورد نظر شریعت است را به ظهور رساند. هر چند بحث های مربوط به فرماندهی در این کتاب ناظر به مباحث نظامی است اما تعلیق شیوه های مدیریتی توسط پیامبر اکرم و توصیه های ایشان اموری کلی است که می تواند منطبق بر امور دیگر از جمله فرهنگ باشد.

این کتاب شامل شش فصل است. فصل اول

توجه خواننده را به ضرورت مدیریت اهداف و چگونگی شکل گیری این اهداف جلب می کند. در بخشی از این فصل می خوانیم: «امیر مؤمنان علی (ع) نقش فرمانده و مدیر کل را در جامعه به رشته و نخ گردن بند تشبیه کرده است و می فرماید:

و مکان القیم بالامر مکان النظام من الخرز، و ذهب ثم لم یجمع یحنا قیابا؛ موقیعت فرمانده و قیام کننده به امور دین، مانند کار رشته است که مهرها را جمع می کند و پیوند می دهد، اگر رشته بگسلد مهرها از هم جدا شده بر آکنده می گردد و دیگر هرگز به تمامی جمع نخواهد شد». در فصل دوم این کتاب به شیوه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اداره جامعه مسلمانان اختصاص یافته که سرشار از درس های مدیریتی است. فصل سوم

این کتاب شامل مسئولیت های مدیریتی است که شامل ده مسئولیت است؛ از جمله تصمیم گیری، برنامه ریزی، سازماندهی، ایجاد هماهنگی، ایجاد انگیزه، چاره جویی در برابر حوادث پیش بینی نشده، بررسی عوامل پیروزی و ناکامی، جمع آوری اطلاعات و آمار، جذب نیروهای صالح، و قدر دانی و تشویق. خواننده در هر یک از این موارد با شیوه اسلامی و سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله که با ذکر مثال از زندگی آن حضرت همراه است آشنا می شود. در فصل چهارم صفات و شرایط یک مدیر اسلامی بیان می شود. در فصل پنجم نمونه هایی از مدیریت و فرماندهی اسلامی ذکر می شود. در فصل آخر نیز نویسنده سفارشات از حضرت علی رضی الله عنه که به مدیران اسلامی بیان شده است را ذکر می کند.

این کتاب به دست حضرت آیت الله مکارم شیرازی و توسط انتشارات هدف به چاپ رسیده است.

۷۲ ماهنامه آموزش فرهنگی ترویجی



### سطح علمی مطالب

متنبر:	عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف
رواقی:	عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف
محرراب:	عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف
شبستان:	عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف

### سطح کاربردی مطالب

متنبر:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
رواقی:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
محرراب:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
شبستان:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم

### حجم مطالب در هر سرفیس

متنبر:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
رواقی:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
محرراب:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
شبستان:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم

### توزع موضوعات و عناوین در هر سرفیس

متنبر:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
رواقی:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
محرراب:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
شبستان:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم

برداشتن به چه موضوعاتی را در شماره بعد پیشنهاد می کنید  
آموزشی مهارتی ترویجی فرهنگی سیاسی اجتماعی

بیکبری کدام مطلب از سرفیس های چهارگانه نشریه را در شماره بعدی لازم می دانید:

آموزشی مهارتی ترویجی فرهنگی سیاسی اجتماعی

### سیک نوشتاری و ویرایش مطالب

عالی  خیلی خوب  خوب  متوسط  ضعیف

صفحه آرایی را چگونه ارزیابی می کنید؟

عالی  خیلی خوب  خوب  متوسط  ضعیف

طراحی روی جلد تا چه حد در رساندن پیام مجله به مخاطب مؤثر بوده اند؟

خیلی زیاد  زیاد  متوسط  کم

سابقه پیامکی: (با جایزه)

بهترین مقاله:

بهترین طرح صفحه:

بهترین تیترو:

گهنگی همکاری: (صفحه ی سوم جلد)

در صورت تمایل به همکاری با نشریه درس و شماره تلفن و به توضیح مختصر راجع به موضوعات مطالب و حجم و ...